
گفتگوی افسران جوان با فرمانده
پیرامون جنگ نرم
محمد جواد مهری

بسم الله الرحمن الرحیم

گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

نویسنده:

محمد جواد مهری

ناشر چاپی:

مشرقین

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

مشخصات کتاب

گفتگوی افسران جوان با فرمانده پیرامون جنگ نرم

(با تکیه برهشدارهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)

مؤلف: . محمد جواد مُهری

ناشر: انتشارات مشرقین، ۷-۶۶۱۶۱۲۶

چاپخانه: دانش قم، ۷-۷۲۲۹۷۶۶

مصاحبه کنندگان: جمعی از دانشجویان دانشگاه ها

صفحه آرایی و طراح جلد: محمد جواد واعظی

نوبت چاپ:. اول / بهار ۸۹

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

شابک:

۹-۴۶-۵۷۸۱-۹۶۴

* قیمت: ۲۰۰۰ تومان

مراکز پخش:

قم، خ خاکفرج، کوچه ۷۵، انتشارات مشرقین.

قم، خ ارم، ۱- بوستان فرهنگی نینوا ۲- بوستان فرهنگی قائم قم، خ ارم، پاساژ قدس، طبقه زیر زمین، بوستان فرهنگی نرگس

ص: ۱

اشاره

گفتگوی افسران جوان با فرمانده

پیرامون جنگ نرم(۱)

(با تکیه برهشدارهای ۲۰ ساله مقام معظم رهبری)

۱۳۶۸ – ۱۳۸۸ ه - ش

محمد جواد مُهری

ص: ۴

۱- این عناوین را از بیانات مقام معظم رهبری استخراج کردیم که فرمودند: دانشجویان، افسران جوان جنگ نرم، و اساتید فرماندهان جبهه مقابله با جنگ نرم هستند.

مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

بصیرت خودتان را بالا ببرید،آگاهی خودتان را بالا ببرید،

من مکرر این جمله ی امیرالمومنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: الا و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر،

می دانید، سختی پرچم امیرالمومنین از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود، چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمومنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند .(1)

ص: ۵

۱- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۱/۵/۸۸ .

و اینک اصل گفتگو و مصاحبه را با هم مرور می کنیم

و اینک اصل گفتگو و مصاحبه را با هم مرور می کنیم(۱):

دانشجو: ما مزاحم شما شدیم تا پیرامون یکی از مباحثی که امروز بسیار در ادبیات سیاسی و فرهنگی کشور تکرار می شود و در رسانه ها، مطبوعات و صدا و سیما روی آن بحث می شود یعنی جنگ نرم، با هم گفتگویی داشته باشیم؟

استاد:

در خدمت شما هستیم.

دانشجو: ممنونیم، لطفاً بفرمایید این بحث از چه زمانی آغاز و توسط چه کسی برای اولین بار وارد ادبیات سیاسی و فرهنگی کشورمان شد؟

استاد:

این بحث، اولین بار در دیداری که دانشجویان و نخبگان علمی کشور درتاریخ ۸/۶/۸۸ با مقام معظم رهبری داشتند مطرح شد، سپس حضرت آقا دو

۱- این گفتگو در ایام نوروز سال ۱۳۸۹ در منزل مؤلف انجام شده است. شایان ذکراست که استاد بسیجی محمدجوادمُهری دارای تحصیلات خارج فقه واصول و دکترای تاریخ اسلام است وزمینه تخصصی ومطالعاتی اش تاریخ ،تراجم ، سیره ، فقه ، اندیشه سیاسی اسلام وحقوق می باشد ودرمحضراساتیدی همچون حضرات آیات عظام : بهجت فومنی ،مکارم شیرازی ،نوری همدانی ،سبحانی تبریزی ، صالحی مازندرانی، ومقام معظم رهبری تلمذ نموده اند وتاکنون بیش از ۵۰ اثر تالیفی داشته اند .

دیدار دیگر در تاریخ ۸/۶/۸۸ با اساتید دانشگاه ها و ۱۴/۶/۸۸ با جمعی از هنرمندان و شعرا داشتند که بحث جنگ نرم را تبیین و سپس در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲/۷/۸۸ از اهداف دشمن در جنگ نرم پرده برداشتند.

دانشجو: لطفاً بیشتر توضیح بفرمایید؟

استاد:

مقام معظم رهبری در این چهار دیدار که در طول یک ماه اتفاق افتاد روی نکات خوب، کلیدی و حساسی دست گذاشتند که به برخی از آنها اجمالاً اشاره می کنیم.

۱. جنگ نرم راست است و واقعیت دارد.

۲. این جنگ بر علیه انقلاب، امام و همه آرمان های امام و انقلاب است.

۳. از این جنگ تعبیر به جنگ عظیم فرمودند.

۴. معظم له فرمودند من از سال ۶۷ نسبت به این نقشه ی دشمن تذکر و هشدار داده ام، در واقع طرح این بحث، دغدغه و قصه ی پر غصه ی ۲۰ ساله ی مقام معظم رهبری بود.

۵. نخبگان فکری جامعه را مورد خطاب قرار دادند که باید به میدان بیایند.

۶. در این بیانات از دانشجویان به عنوان افسران جوان در مقابله با جنگ نرم و از اساتید به عنوان فرماندهان جبهه مقابله با این جنگ یاد نمودند.

۷. همچنین وظیفه دانشجویان و اساتید را تبیین فرمودند.

۸. در دیدار اعضای مجلس خبرگان هم مفصلاً به خطوط اصلی دشمنان و اهداف آنها در جنگ نرم اشاره داشتند.

اکنون اگر موافق باشید، بخشی از عین تعابیر و بیانات حضرت آقا را با هم مرور کنیم:

الف) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان و نخبگان علمی– ۴/۶/۱۳۸۸

یک چیزی را هم حالا ـ من بگویم، چون دیگر دارد وقت می گذرد. ببینید عزیزان! شماها می دانید– چون دیدم در بیانات شماها هم هست– امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن جنگ نرم– که دیدم همین تعبیر «جنگ نرم» توی صحبت های شما جوان ها هست و الحمدالله به این نکات توجه دارید؛ این خیلی برای ما مایه ی خوشحالی است– خوب، حالا در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیایند؟ قدر مسلّم نخبگان فکری اند. یعنی شما افسران جوان جبهه ی مقابله ی با جنگ نرمید.

اینی که چه کار باید بکنید، چه جوری باید عمل کنید، چه جوری باید تبیین کنید، این ها چیزهایی نیست که من بیایم فهرست کنم، بگویم آقا این عمل را انجام بدهید، این عمل را انجام ندهید؛

این ها کارهایی است که خود شماها باید در مجامع اصلی تان، فکری تان، در اتاق های فکرتان بنشینید، راه کارها را پیدا کنید؛ لیکن هدف مشخص است: هدف، دفاع از نظام اسلامی و جمهوری اسلامی است در مقابله ی با یک حرکت همه جانبه ی متکی به

زور و تزویر و پول و امکانات عظیم پیشرفته ی علمیِ رسانه ای. باید با این جریان شیطانی خطرناک مقابله شود.

ب) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اساتید دانشگاه ها- ۸/۶/۱۳۸۸

۱- عزیزان من! شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه ی جنگ نرم، یکی اش نگاه خوشبینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوشبینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوشبینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید- مرکز خوشبینی- مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده ای دارد» شد، به دنبالش بی عملی، به دنبالش بی تحرکی، به دنبالش انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می خواهد.

۲-شرط دیگر این است که در قضایا افراط وجود نداشته باشد. طبیعت جوان، طبیعت تحرک و تندی است. این دوره ی زندگی شما را ما هم گذرانده ایم؛ آن هم در دوران های انقلاب و اوائل مبارزات و این ها بوده. تندی را می دانم چیست. خیلی هم به ما نصیحت می کردند که آقا تندی نکنید، ما می گفتیم که نمی فهمند چقدر لازم است تندی کردن. می دانم تصور شما چیست، اما حالا از ما بشنوید دیگر. مراقب باشید تندروی، انسان را پیش نمی برد. با فکر، تصمیم بگیرید. البته جوان امروز از جوان دوره ی ما فکورتر است؛ این را به شما عرض بکنم. شما امروز جوان هایی هستید که

تجربه تان، اطلاعتان، آگاهی هایتان، از آن دوره جوانی ما- از پنجاه سال پیش از این- خیلی بیشتر است؛ قابل مقایسه نیست با جوان امروز. بنابراین توقع این که شماها مدبرانه و فکورانه فکر کنید و بدون تندروی، بدون افراط و تفریط توی قضایا، رفتار کنید، توقع زیادی نیست.

۳-آن چه که مهم است این است که یک انسان با شرف، مؤمن، معتقد به اهداف والای جمهوری اسلامی، بداند که در این جور حوادث چه کار باید بکند؛ این، مهم است. این، آن چیزی است که مخاطبه ی من با شما دانشگاهیان را در این مسئله ی خاص الزامی می کند، که من- البته کوتاه صحبت می کنم، بنا هم ندارم در این زمینه تفصیلاً حرف بزنم- در چند روز پیش هم که جوان های دانشجو این جا بودند- حسینیه همین طور که حالا اجتماع هست،

اجتماعی بود از جوان ها- به آنها گفتم که ما با جنگ نرم، با مبارزه ی نرم از سوی دشمن مواجهیم، که البته خود جوان ها هم همین را هی گفتند؛ مکرر قبل از این که بنده بگویم، آنها هم هی گفتند و همه این را می دانستند. آنی که من اضافه کردم این بود که گفتم: در این جنگ نرم، شما جوان های دانشجو، افسران جوان این جبهه اید. نگفتیم سربازان، چون سرباز فقط منتظر است که به او بگویند پیش، برود جلو؛ عقب بیا، بیاید عقب. یعنی سرباز هیچ گونه از خودش تصمیم گیری و اراده ندارد و باید هر چه فرمانده می گوید، عمل کند. نگفتیم هم فرماندهان طراح قرارگاه ها و یگان های بزرگ، چون آنها طراحی های کلان را می کنند. افسر جوان تو صحنه است؛ هم به دستور عمل می کند، هم صحنه را درست می بینید؛ با

جسم خود و جان خود صحنه را می آزماید. لذا این ها افسران جوانند، دانشجو نقشش این است. حقیقتاً افسران جوان، فکر هم دارند، عمل هم دارند، تو صحنه هم حضور دارند، اوضاع را هم می بینند، در چهارچوب هم کار می کنند.

۴-خوب، با این تعریف، استاد دانشگاه چه رتبه ای دارد؟ اگر در زمینه های مسائل اجتماعی، مسائل سیاسی، مسائل کشور، آن چیزهایی که به چشم باز، به بصیرت کافی احتیاج دارد، جوان دانشجوی ما، افسر جوان است، شما که استاد او هستید، رتبه ی بالاتر افسر جوانید؛ شما فرمانده ای هستید که باید مسائل کلان را ببینید، دشمن را درست شناسایی بکنید؛ هدف های دشمن را کشف بکنید؛ احیاناً به قرارگاه های دشمن، آنچنانی که خود او نداند، سربکشید و براساس او، طراحی کلان بکنید و در این طراحی کلان، حرکت کنید. در رتبه های مختلف، فرماندهان بالا این نقش ها را ایفا می کنند.

۵-حالا ـ استادی که بتواند این نقش را ایفا کند، آن استاد شایسته ی حال و آینده ی نظام جمهوری اسلامی است. توقع از اساتید محترم این است. جوانهایتان را توجیه کنید. منظورم این نیست که بنشینید زید و عمرو سیاسی را برایشان معرفی کنید. نه، اصلاً من موافق هم خیلی نیستم. اسم آوردن از زید و عمرو و بکر و... این چیزها، کمکی به حل مشکل نمی کند. به این ها قدرت تحلیل بدهید. به این ها توان کار و نشاط کار بدهید. چه جور؟ با امید دادن؛ با امید بخشیدن. فضای کلاس را، فضای محیط درس و دانشگاه را فضای امید کنید؛ امید به آینده. بدترین بلایی که ممکن است بر سر یک

نسـل در یک کشور بیایـد، ناامیـدی است، یأس است. این که می گوینـد: آقا! چه فایـده دارد؟ فایـده ای نـدارد. این روحیه ی «فایده ای ندارد»- یأس از آینده- سم مهلک همه ی فعالیت هاست؛ چه فعالیت های اجتماعی و سیاسـی، چه حتی فعالیت های علمی، فعـالیت هـای پژوهشـی. این کسـانی که کشـفیات بزرگ را در زمینه هـای علوم تجربی و دانش هـای گونـاگون انجـام دادنـد، این ها اگر ناامیـد از نتیجه بودند، قطعاً به این جا نمی رسـیدند. امید، آن نیروی عظیمی است که انسان را پیش می برد. جوان ما را ناامیـد کننـد از کشورش، از انقلابش، از آینـده اش، از دولتش، از دانشـگاهش، از آینده ی علمی اش، از آینده ی شغلی اش. این خیلی مضـر است. این کـاری است که تو برنامه های دشـمنان ما و مخالفین نظام وجود دارد. به نظر من یکی از کارهای اساسی این است. محیط را برای دانشجو، محیط نشاط، محیط امید، محیط حرکت به جلو قرار دهید.

۶-یکی دیگر از کارهـایی کـه بایـد در زمینـه ی مسائـل گونـاگون اجتمـاعی و سیاســی و علمی انجـام بگیرد، میـدان دادن به دانشـجوست برای اظهار نظر. از اظهار نظر هیـچ نبایـد بیمناک بود. این کرسـی های آزاداندیشـی که ما گفتیم، در دانشـگاه ها باید تحقق پیدا کند و باید تشـکیل بشود. اگر چنان چه بحث های مهم تخصصـی در زمینه ی سیاسی، در زمینه های اجتماعی، در زمینه هـای گونـاگون حتی فکری و مـذهبی، در محیـط هـای سالمی بین صاحبان توان و قـدرت بحث مطرح بشود، مطمئناً ضایعاتی که از کشاندن این

بحث ها به محیط های عمومی و اجتماعی ممکن است پیش بیاید، دیگر پیش نخواهد

ص: ۱۲

آمد. وقتی که با عامه ی مردم، افراد مواجه می شوند، همه نمی توانند خودشان را حفظ کنند. مواجهه ی با عامه ی مردم انسان ها را دچار انحراف ها و انحطاط ها و لغزش های زیادی می کند که متأسفانه ما شاهد بودیم. خیلی از افرادی که شما می بینید در مواجهه ی با عامه ی مردم یک حرفی می زننـد، یک چیزی می گویند، در اعماق دلشان،ای بسا خیلی اعتقادی هم ندارند. به تعبیر بعضـی هـا جوگیر می شونـد؛ این خیلی چیز بـدی است. اگر در محیـط هـای خـاص، محیـط های آزاداندیشـی و آزاد فکری، این مسائـل مطرح بشود- مسائـل تخصصـی، مسائـل فکری، مسائـل چـالش برانگیز- مطمئناً ضایعات کمتر پیش خواهد آمد. خوب، این هم راجع به این مسئله.

راجع به معنویت هم که بعضـی از دوسـتان مطرح کردند، بنده صددرصد موافقم با این که باید محیط دانشگاه، محیط معنویت باشد. این امنیت و احساس امنیتی هم که بعضـی از دوسـتان به درستی بیان کردند، یقیناً با معنویت به دست خواهد آمد. جوان ها را هر چه می توانیم با خدا، با یاد خدا، با توجه به عالم غیب، با تعبد به مبانی دین و احکام دین و شریعت و تسلیم در مقابل احکام الهی، ظرفیت معنویشان را بیشتر کنیم.

هرچه این جوان ما بیشتر متعبـد باشـد، بیشتر متـدین باشد، بیشتر به یاد خدا باشد، بیشتر به خدا احساس نیاز کند و دست نیاز به سوی خـدا بیشتر دراز بکنـد، عمـل او، رفتـار او، فکر او، از آسـیب کمتری برخوردار خواهـد بود و جامعه از او بهره ی بیشتری خواهد برد.

ص: ۱۳

ج) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از هنرمندان و شعرا ء – ۱۴/۶/۱۳۸۸

همین که حالا معمول شده که در بیان ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است. یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی زنم من از بعد از جنگ سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته ام، بارها و بارها، علت این است که من صحنه را می بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟! چه کار کند انسان؟! من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را، می بینم صف آرایی ها را، می بینم دهان های از حقد و غضب گشوده شده و دندان های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمان ها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند؛ این ها را انسان دارد می بیند. خب چه کار کند؟ این تمام نشده، چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.

دانشجو: طرح بحث جنگ نرم را دغدغه و قصه ی پر غصه ی ۲۰ ساله ی مقام معظم رهبری دانستید چرا این تعبیر را به کار بردید؟

استاد:

این تعبیر بنده نیست، خود آقا در دیدار با جمعی از هنرمندان و شعرا فرمودند: این حرف را من امروز نمی زنم، من از بعد از جنگ– سال ۱۳۶۷– همیشه این را گفته ام، بارها و بارها.

بنابراین، از آغاز دوران رهبری و ولایت حضرت آقا بحث جنگ نرم و دشمنی دشمن، دغدغه ی معظم له بوده و در همان اوائل با تعابیر مختلفی

چون تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی، قتل عام فرهنگی، ناتوی فرهنگی و اخیراً جنگ نرم را مطرح فرمودند.

دانشجو: اگر صلاح می دانید به برخی از این دغدغه ها که با تعابیر مختلفی در طول این ۲۰ سال از جانب مقام معظم رهبری بیان شده اشاره بفرمایید؟

استاد:

اشاره

نمونه های فراوانی از بیانات آقا وجود دارد که در کتب و نشریات هم چاپ شده که ذیلاً به صورت اجمالی به برخی از آنها اشاره می کنیم:

الف) تهاجم فرهنگی، شبیخون فرهنگی و قتل عام فرهنگی

۱.دشمن با یک محاسبه فهمید که جمهوری اسلامی را با تهاجم نظامی نمی شود از بین برد، محاسبه قبلی آنها غلط از آب درآمده بود، همین طور دیدند با محاصره اقتصادی هم نمی شود کار کرد، چراکه وقتی ملت قانع، صبور، متکی به نفس، و متوکل علی الله باشد، هرگز شکست نخواهد خورد... لذا فهمیدند که باید عقبه ها- پشت جبهه ما- را بمباران کنند... عقبه ما، در مبارزه ملت ایران با قلدری استکبار جهانی، عبارت از فرهنگ ما بود.(۱)

۲.تهاجم فرهنگی عظیمی علیه اسلام هست که ارتباط مستقیمی با انقلاب ندارد، این تهاجم وسیع تر از انقلاب و علیه اسلام است، چیز عجیب و فوق العاده ای است که با تمام ابعاد فرهنگی و اجتماعی و سیاسی علیه اسلام...

۱- ۲۱/۵/۷۱

است، حتی اسلام به معنای اعتقاد عوامانه مردم هم، مورد تهاجم است، چه برسد به اسلام ناب و انقلابی.(۱)

۳.امروز مهم ترین چیزی که در مراکز قدرت سیاسی دنیا برای بلند مدت مطرح است، سلطه ی فرهنگی است.(۲)

۴.یکی از راه های تهاجم فرهنگی این بود که سعی کنند جوان های مؤمن را ازپایبندی های متعصبانه به ایمان- همان چیزی که یک فرهنگ را نگه می دارد- منصرف کنند، مانند همان کاری که در قرن های گذشته در اندلس (اسپانیای فعلی) کردند، جوان ها را ریختند در عالم فساد، شهوت رانی و می گساری، این کارها در حال حاضر دارد انجام می گیرد.(۳)

۵.دشمن از راه اشاعه فرهنگ غلط، فساد و فحشا سعی می کند جوان های ما را از دست ما بگیرد، کاری که از لحاظ فرهنگی دشمن می کند نه تنها یک تهاجم فرهنگی، بلکه باید گفت که شبیخون فرهنگی، یک غارت فرهنگی و یک قتل عام فرهنگی است، امروز دشمن دارد این کار را با ما می کند.(۴)

۶.من در پنج، شش سال قبل از این احساس کردم که یک حرکت خزنده فرهنگی در کشور دارد شروع می شود، برای چه؟ برای هدف قرار دادن نقطه اصلی، نقطه اصلی چیست؟ ایمان مردم... همان ایمان بود که توانست

۱- مبلغان، شماره ۲۵، ص۳۵

۲- ۶/۱۱/۷۸

۳- ۲۲/۵/۷۱

۴- ۲۳/۴/۷۱

خود را در جنگ نشان دهـد، ایمان را چگونه می شود هدف گرفت، با وسایل فرهنگی، ایمان و عقیده چیزی نیست که با زور بشود آن را عوض کرد، ایمان مردم را با زور نمی توانستند عوض کنند، با چه وسیله ای می توانستند مقاصد خود

را انجام بدهنـد؟ با وسایل فرهنگی، و این کار را شـروع کردنـد... یک عده هم به صورت فریب خورده و غافل به این ها نگاه می کردند بعضی ها متأسفانه آنها را کمک می کنند.(۱)

۷.اگر شـما ملت و عناصـر فرهنگی، خـدای نخواسـته بیـدار نباشـید، صـدای فرو ریختن ارزش هـای معنوی که ناشـی از تهاجم فرهنگی پنهان و زیرکانه دشـمن است، هنگامی در می آیـد که دیگر قابل علاج نیست، این که کسـی بتواند جوانی را در اوج نیروی جوانی فاسد کند، کار مشـکلی نیست، به خصوص اگر مفسدین تشـکیلاتی هم داشـته باشند و الآن دشمن دارد این کار را می کنـد... جوانی وقتی دچار شـهوترانی می شود، ایمان خود را از دست می دهـد، در اوایل کار حتی گریه می کنـد، اما به تدریج او را از راه به در می کنند، دشـمنان بچه های مدرسه ای و بچه های دبیرسـتانی و حتی راهنمایی ما را همین طور فاسـد می کنند.(۲)

۸.این که ما مکرر گفته ایم و می گوییم که توطئه ی فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می کنم، متکی به استدلال است، شعار نمی دهم. من این را مشاهده می کنم. امروز دشمن با شیوه ای بسیار

۱- ۲۵/۶/۷۸

۲- ۲۱/۵/۷۱

زیرکانه در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام عیار فرهنگی علیه ماست.(۱)

۹.این مسأله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد... ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما این که اصل فرهنگ ملی و اسلامی در تهدید دشمنان است... ما نباید چیزی را که روشن و واضح است انکار کنیم؛ در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه های جمعی ما، در کتاب هایی که می نویسند، در ترجمه هایی که می کنند، در شعرهایی که می سرایند، در برنامه های فرهنگی علی الظاهر بی ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را قاعدتاً شما آقایان- که عناصری فرهنگی هستید- می شنوید، همه جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است و وجود دارد... امروز دشمن در مقابل وضع کنونی ما آن ژست و آرایش نظامی صد سال یا پنجاه سال پیش را به خود نمی گیرد، ما باید آرایش جدید دشمن را بشناسیم، اگر نشناختیم و خوابیدیم، از بین رفته ایم.(۲)

۱۰. تهاجم فرهنگی مثل خودکار (قلم) فرهنگی، اقدام آرام و بی سر و صدایی است. نباید از یاد ببریم که متأسفانه در سالیان گذشته یک نوع نگاه مسموم نسبت به مقولات فرهنگی در کشور ما وجود داشته که موجب

۱- ۲۵/۶/۷۰

۲- ۲۰/۹/۷۰

واکنش هایی نیز از سوی متدینین و به خصوص نخبگان متعهد جامعه دانشگاهی و حوزوی شده است. بدون تعارف باید پذیرفت، ضعف مدیریت های کلان فرهنگی، عدم تطابق لازم میان داده های فرهنگی و خروجی های آن، نگاه سیاست آلود به بخش فرهنگ جامعه از جمله مهم ترین چالش های ما در گذشته بوده که متأسفانه هنوز نیز اثرات آن تا حدی وجود دارد. رفع نسبی این معضلات اولاً نیازمند نگاه وحدت گرایانه مسوولان است و ثانیاً بیداری و هشیاری دو چندان نخبگان را می طلبد.(۱)

۱۱.امروز هیچ کس نمی تواند انکار کند که فوری ترین هدف دشمنان جمهوری اسلامی، تسخیر پایگاه های فرهنگی کشور است، آنان درصددند بدین وسیله، باورهای اسلامی و انقلابی را که اصلی ترین عامل ایستادگی ملت ایران در برابر نظام سلطه ی استکباری است، از ذهن ها و دل ها بزدایند و باورهای سلطه پذیری و فرودستی در برابر غرب را به جای آن بنشانند. تلاش آشکار از سوی واسطه ها و

دست نشاندگان امپراتوری های زر و زور، در بسیاری از عرصه های فرهنگی برای تردید افکنی در مبانی اسلام و انقلاب، امروز افراد دیرباور را نیز به دغدغه افکنده است، و کسانی که دیروز هشدار در برابر شبیخون فرهنگی را جدی نمی گرفتند، امروز آن را به چشم خود می بینند. بی شک نخستین آماج این شبیخون، جوانانند. به ویژه آنان که در جاده ی دانش و فرزانگی قدم بر می دارند و آینده ی فرهنگی و سیاسی کشور در دست آنها است. درست است که دشمن به رغم تلاش و

۱- ۲۱/۵/۷۱

هزینه ی فراوان، نتوانسته است به محصول مورد نظر خود دست یابد، ولی به روشنی می دانیم که مهمترین پاسخ کوبنده ی بدخواهان، معرفت و ایمان روشن بینانه و قدرت تحلیل سیاسی است.

شما جوانان عزیز می توانید اثر انگشت دشمن را در بسیاری از مسائلی که امروزه در فضای سیاسی و فرهنگی مطرح است، مشاهده کنید و نشانه های هدفمندی این مسائل و جریانات را به سوی تغییر باورهای اسلامی و انقلابی ببینید، این واقعیت باید سمت و سوی فعالیت های جامعه اسلامی دانشجویان و دیگر تشکل های اسلامی دانشجویی را ترسیم کند.

در این راه آموختن دین و سیاست از انسان های امین و آگاه و نیز رعایت پرهیزکاری و پارسایی در کار شخصی و جمعی، و البته کمک و راهنمایی طلبیدن از خداوند دانا و مهربان، خط روشن و مسیر بی ضلالت است، از خداوند توفیق همه ی شما را مسئلت می نماییم.(۱)

۱۲. امروز تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری های جدید ارتباطی خیلی جدی است. از انواع شیوه های تلویزیونی و رادیویی و رایانه ای و امثال این ها دارند استفاده می کنند و همین طور به صورت انبوه، افکار و شبهه های گوناگون را در آنها می ریزند. باید در مقابل این ها ایستاد. امروز نمی شود به همان روش های قدیمی خودمان اکتفا کنیم. البته که جوان نمی آید. جوان را باید بشناسید. فکر او را باید بشناسید. آن چه را که به او هجوم آورده، باید بشناسید. تا میکروب و بیماری را نشناسید که علاج نمی توان کرد. این ها همه

۱- ۱۰/۶/۸۰

ملایی می خواهد. درس خواندن، مطالعه کردن و کارکردن، که همه ی این ها زیر عنوان مهارت های دینی خلاصه می شود.(۱)

۱۳.امروز دشمن جبهه ی وسیعی را با استفاده از ابزارهای مؤثر خطرناک و کارآمد و نیز با بهره گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا جمهوری اسلامی را هدف یک یورش همه جانبه ی فرهنگی قرار دهد. مقابله با این تهاجمِ بسیار خطرناک و ویرانگر، نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و روش های مشابه دشمن و یا شیوه های جایگزین آن است.(۲)

۱۴.من یک بار دیگر هم در اوایل امسال این هشدار را دادم، این هم بار دوم است، من با مسئولین اتمام حجت می کنم، مسئولین باید در این مورد اقدام بکنند، ببینند کدام روزنامه است که از حدود آزادی پا را فراتر می گذارد، آن چه را برای این ملت مفید است، آن چه حقیقی است، آن چه که بیان رأی بدون توطئه است، آن را از توطئه، خیانت و اضلال و ناامید کردن مردم جدا کنند، این ملت، ملت انقلابی است، ریشه های ایمانی در این کشور، خیلی عمیق است، سال ها حالت استکبار و استعماری، با همه مظاهر بی ایمانی که آورد و وارد این کشور کرد، نتوانست این ملت را از دین و ایمانش جدا کند، آن کسانی که نگاهشان به دروازه های غرب و به خصوص امریکاست، تا ببینند آنها چه اشاره ای می کنند و این ها همان را بگویند، چه فکر می کنند، مگر می شود به کسانی که تقریباً همه این بیست سال را در مقابل انقلاب و امام و مردم ایستاده

۱- ۱۷/۸/۸۵

۲- ۹/۹/۷۱

اند، اجازه داد که حالا بیایند میدان دار صحنه بشوند و بنا کنند گذشته این بیست سال را، گذشته این انقلاب را، گذشته این ملت را، دوران امام را، با اهانت و دروغ و تهمت زیر سوال ببرند.(۱)

۱۵. الان یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است... کم هم نیستند «قلم به مزدها» و «فرهنگ های دین و دل باخته» و نشسته پای بساط فساد استکبار... که برای مقاصد استکبار قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند...(۲)

۱۶. «دولت با این امکانات و عظمت، باید مردم را به سمت اسلام و مبانی اسلامی پیش ببرد. من از بعضی بخش های دولتی گله دارم و چند بار گفته ام، معتقدم کم کاری می شود، در محیط کار فرهنگ ما به عنوان اسلام، خیلی کم کار شده است، وزارت ارشاد اعلام نمی کند که من می خواهم سینمای اسلامی درست کنم، چرا خجالت می کشیم؟ ما باید محتوای سینما را اسلامی کنیم.

چرا گفته نمی شود در هنرهای نمایشی، در دانشگاه، می خواهیم کارگردان مسلمان تربیت کنیم... می خواهیم فیلمنامه نویس مسلمان درست کنیم... فضای جامعه را اسلامی کنیم؟ در محیط دانشگاه چرا تصریح نمی شود که می خواهیم دانشگاه را اسلامی کنیم؟ آقای مهاجرانی (وزیر ارشاد دولت خاتمی) ظاهراً در این جلسه نیستند، خودشان را راحت کردند که این

۱- ۲۵/۶/۷۷

۲- ۹/۷/۷۷

حرف ها را نشنوند، فرق نمی کند باشند یا نباشند، من اعتراضم این است، بارها گفته ام وزارت ارشاد در این دو سال که ایشان در رأس کار هستند، هیچ کار اسلامی به عنوان اسلامی نکرده، این اولین اعتراض من است.

من به صدا و سیما هفته ای یک بار، کم تر اعتراض می کنم، پیغام تند می دهم، اما صدا و سیما کارهای زیادی به عنوان اسلامی انجام داده و برنامه های اسلامی درست کرده، برنامه هنری، اسلامی، گزارش علمی، اگر خطا دارد، تلاش و کار هم دارد.

سوال من این است که وزارت ارشاد چند کتاب برای تقویت تفکر اسلامی چاپ کرده است؟ چند فیلم برای تقویت مبانی فکری، انقلابی و اسلامی ساخته است؟ الان مرتب در سالن های وابسته به ارشاد مواردی نمایش داده می شود که بعضی ها صد در صد ضد دین است، ضد انقلاب است، اگر در کنار این همه، چند نمونه تئاتر و فیلم اسلامی می خواستند مبلغ اسلام باشند، من اعتراض نمی کردم.

بنده اهل رمان خواندن بودم و الان هم با رمان بی ارتباط نیستم، خبر دارم که در دنیای رمان چه خبر است، فاسدترین رمان ها الان منتشر می شود، در این فضا وزارت ارشاد برای این است که اسلام را ترویج کند، البته من به سازمان تبلیغات هم اعتراض دارم، منتهی سازمان

تبلیغات نسبت به ارشاد، امکانات کم تری دارد... من از وزارت ارشاد راضی نیستم.(۱)

۱- ۲۴/۹/۷۸

رهبر معظم انقلاب با نشان دادن عمق نارضایتی و ناخشنودی خود از سیاست های فرهنگی، افکار عمومی را متوجه لایه های زیرین این حرکت خزنده و عاملان پیدا و پنهان آن کرد.

تداوم این روند خطرناک اندکی بعد، رهبری را به اتخاذ تصمیم عملی در برابر این انحراف بزرگ واداشت، رهبر انقلاب در سخنرانی اول اردیبهشت ۱۳۷۹ که در جمع ده ها هزار جوان بسیجی ایراد کرده بود، بار دیگر به تبیین اهداف دشمنان انقلاب اسلامی در توطئه فرهنگی پرداخته و در یک دستور ضمنی به مسئولین امر از منظر امنیتی، خواستار برخورد قاطع با تعدادی از نشریاتی شدند که در حکم پایگاه دشمن عمل می کردند.

۱۷.من در نماز جمعه گفتم، که قلباً از بعضی پدیده هایی که در کشور است رنج می برم، نمی خواهم آن چیز که برای من رنج آور است را با افکار عمومی مطرح کنم، اما آن داستان غم انگیز را می گویم، من دو سال قبل از این در یکی از خطبه های نماز جمعه گفتم که دستگاه های استکباری دنیا و امریکا از تبلیغات، برای ساقط کردن و ایجاد اغتشاش در کشور استفاده می کنند و البته به آن دستگاه های تبلیغی گفتم این که شما سرنوشت کشورهای اروپای شرقی را در ایران دنبال کنید، خیال خام است، اما متأسفانه همان دشمنی که به وسیله تبلیغات خود همتش این است که کشور را ساقط کند، امروز در داخل پایگاه پیدا کرده است، بعضی از مطبوعات پایگاه دشمن شده اند.

ص: ۲۴

من نه بـا آزادی مطبوعـات مخـالفم و نه بـا تنـوع مطبوعـات، اگر به جـای بیست روزنـامه، دویست روزنـامه هم دربیایـد، بنـده خوشحال تر هم خواهم شد و از زیادی روزنامه ها احساس بدی ندارم، مطبوعات هر چه بیشتر باشند بهتر است.

اما وقتی مطبوعاتی پیدا می شوند که همه همتشان تشویش افکار عمومی و ایجاد بدبینی مردم به نظام است و ۱۰ تا ۱۵ روزنامه گویا از یک مرکز هـدایت می شونـد، تیترهایی می زننـد که هر کس نگاه می کند، فکر می کند همه چیز در کشور از دسـت رفته! امید را در جوانان می میرانند، روح اعتماد به مسئولین را در مردم ضعیف می کنند، نهادهای رسمی را تضعیف می کنند، مدل این ها کیست؟ مطبوعات غربی هم این گونه نیستند، این یک شارلاتانیزم مطبوعاتی است...

در هر حادثه ای جو تهمت فضا را پر می کنـد، تروری اتفاق می افتـد، هنوز هیـچ اطلاعی در دست نیست، هنوز از این که این حادثه را چه کسـی انجام داده، هیچ کسـی سـر نخی نداشـته، اما می بینید که در روزنامه تیتر می زنند، سـپاه را متهم می کنند، بسیج را متهم می کنند، روحانیت را متهم می کنند، هدف از این کارها چیست؟ چرا با بسیج این قدر بد هستند؟

در بسـیاری از این مطبوعات آدم های خوبی مشـغول به کار هسـتند، چه آنها که قلم می زننـد و چه آنها که اداره می کند، اما در لا به لای همین ها، من ردپای عبدالله ابن اُبی ها را می بینم، یأس پراکنی ها و ناامید کردن را می بینم.

عناصر مرید دشمن را چهره سازی می کنند و عناصر دلسوز و مؤمن و مخلص را سعی می کنند از نظرها بیندازند. البته این کارها به جایی نمی رسد.

من مایل نبودم با این حرارت و تفصیل درباره برخی مطبوعات، حرف بزنم اما ناگزیر شدم، با مسئولین صحبت کردم، رئیس جمهور محترم هم مثل من ناراحت است، شنیدم ایشان برخی را جمع کردند و نصیحت کردند، نمی دانم کار با نصیحت پیش می رود.(۱)

ب) ناتوی فرهنگی

برای این ها آن چه مهم بوده، کسب قدرت سیاسی است که بتوانند در کشورها و دولت های اروپایی و غیره نفوذ کنند...و پول کسب کنند و این کمپانی ها، سرمایه های عظیم، کارتل ها و تراست ها را به وجود آورند. اخلاق جنسی ملت ها را خراب کنند و مصرف گرایی را در بین آنها ترویج دهند، بی اعتنایی به هویت های ملی و مبانی فرهنگی را در آنها ترویج دهند. این ها اهداف کلان آنها بوده است که همیشه لشگری هم از امکانات فرهنگی و رسانه ای و روزنامه های فراوان و مسائل گوناگون تبلیغات در مشت این ها بوده است. در مقابل پیمان ناتو که امریکایی ها در اروپا به عنوان مقابله با شوروی یک مجموعه مقتدر نظامی به وجود آوردند، اما برای سرکوب هر صدای معارض با خودشان در منطقه خاورمیانه و آسیا و غیر از آن استفاده می کردند. حالا یک ناتوی فرهنگی هم به وجود آورده اند. این بسیار چیز خطرناکی است... سال هاست که این اتفاق افتاده است. مجموعه

۱- ۱/۲/۷۹

زنجیره ای به هم پیوسته از رسانه های گوناگون، اینترنت، ماهواره ها، تلویزیون ها و رادیوها، در جهت اهداف مشخصی حرکت می کنند تا سررشته تحولات جوامع را برعهده بگیرند. این ها صهیونیست ها و سرمایه دارهایند و عموماً هم، در امریکا و اروپا هستند. همان ناتوی فرهنگی در مجموعه خود، بسیاری از این دانشمندان، متفکران، هنرمندان، ادبا و امثال این ها را هم دارد.(۱)

ج) مظلومیت فرهنگ

نکته بعدی که می خواهم سفارش کنم، این است که از بخش فرهنگ رفع مظلومیت کنید. بخش فرهنگ انصافاً بخش مظلومی است. الان در گزارش آقای رئیس جمهور، اصلًا اسمی از فرهنگ نیامد؛ یا در اولویت بندی ها، این اولویت فدای اولویت های دیگر شد و آنها تقدم پیدا کرد که در کوتاهی وقت، بیان بشود! این مظلومیت است دیگر. واقعاً مسأله ی فرهنگ را دست کم نگیرید. خیلی از مشکلات جامعه ی ما با فرهنگ سازی حل می شود. توجه بکنید که امروز، عمده قوای دشمنان ما در جبهه ی فرهنگی دارد کار می کند. این جنگ های روانی، این فعالیت های فرهنگی، این بودجه های پنهان و آشکاری که برای منحرف کردن ذهن ها می گذارند، همه اش مربوط به مسأله ی فرهنگ است. فرهنگ مثل هواست که انسان وقتی که این هوا را استنشاق کرد، با هوایی که استنشاق کرده و با آن جانی که گرفته، می تواند دو قدم بردارد و جلو برود؛ بقیه ی کارها همه برخاسته ی

۱- در سفر سمنان سال ۱۳۸۵، جمع اساتید و دانشجویان دانشگاه ها.

از آن چیزی است که شما استنشاق کرده اید. اگر چنان چه یک جایی، هوای مسمومی تزریق بشود، نتیجه ای که در اندام ها دیده خواهد شد تابع آن مسمومیتی است که در هواست. اگر فضا را با دود یا مخدری تخدیر کنند، وقتی شما آن را استنشاق کردید، رفتار شما متناسب با آن چیزی خواهد شد که استنشاق کرده اید؛ فرهنگ یک چنین حالتی دارد. فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله ی کارهایی که مسئولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند. چون تلاش زیادی شده تا جریان های فرهنگی، و عامل های فرهنگی- هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه- در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه ی تلاشتان را بکنید که به تحرکات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید...(۱)

د) جنگ نرم

همین که حالا معمول شده که در بیان ها و در تلویزیون و توی تبلیغات و توی دادگاه و توی زبان همه می گویند: جنگ نرم، راست است، این یک واقعیت است.

یعنی الآن جنگ است. البته این حرف را من امروز نمی زنم من از بعد از جنگ سال ۱۳۶۷ همیشه این را گفته ام، بارها و بارها، علت این

۱- ۴/۴/۸۶

است که من صحنه را می بینم؛ چه بکنم اگر کسی نمی بیند؟ چه کار کند انسان؟! من دارم می بینم صحنه را، می بینم تجهیز را، می بینم صف آرایی ها را، می بینم دهان های از حقد و غضب گشوده شده و دندان های با غیظ به هم فشرده شده علیه انقلاب و علیه امام و علیه همه ی این آرمان ها و علیه همه ی آن کسانی که به این حرکت دل بسته اند را؛ این ها را انسان دارد می بیند. خب چه کار کند؟ این تمام نشده چون تمام نشده، همه وظیفه داریم.(۱)

دانشجو: وقتی مقام معظم رهبری این مباحث را مطرح می فرمودند عده ای آن را توهم می دانستند و این خطر را جدی نمی گرفتند در این زمینه توضیحاتی بفرمایید؟

اشاره

این عده که شما اشاره کردید بعضی ها واقعاً تحلیل نداشتند و آن چیزی که حضرت آقا می دیدند این ها نمی دیدند بعضی ها هم می دیدند ولی نمی خواستند قبول کنند چون دل هایشان و ذهن هایشان برای آن طرف آب می تپید و عاشق و دل باخته فرهنگ غرب بودند. من الان

نمی خواهم به این موضوع بپردازم و اسم بیاورم که این خائنین به ملت در پوشش روشنفکری خصوصاً در دوره ۸ ساله اصلاحات چه کارها که نکردند. ولی کافی است ما به گفته ها و نوشته های شیطانی تئوری پردازان و متفکران اندیشه غربی اشارتی داشته باشیم تا وجدان های بیدار قضاوت کنند که دغدغه های حضرت آقا واقعیت بود یا توهم!؟

۱- ۱۴/۶/۸۸

نقشه های شیطانی دشمنان ملت ایران

۱- سرگئی گورکینیان (رئیس مرکز مطالعات استراتژیک روسیه) می گوید: من اسنادی را در غرب دیدم که آنها تلاش می کنند کشور شما و جامعه شما را نابود کنند و شما- ملت ایران- باید هوشیار باشید، هدف اصلی آنها کم رنگ کردن و بی اعتبار ساختن اسلام است، اگر بتوانند به ایدئولوژی شما ضربه بزنند، کشورتان را متلاشی می کنند.(۱)

۲- ادوارد شولی (یکی از مقامات سابق سیا) می گوید: کلید اصلی ایجاد تغییر بنیادین در ایران، از بین بردن نفوذ روحانیون و عقاید انقلابی است، اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم بپاشد، آن وقت می توان گفت تغییر ایجاد شده است.(۲)

۳- دیوید کیو- مأمور سازمان سیا- می گوید: مهم ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران، تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است و ما مصمم بر آن هستیم.(۳)

۴- الکساندر آلدره (نویسنده فرانسوی) می گوید: من در هیچ کجای دنیا و در هیچ انقلابی از انقلاب های تاریخ ندیده و نشنیده ام که روشنفکران یک جامعه در کشاکشی ویرانگر، بنیان های پولادین جامعه خود را با پتک تحلیل ها و

۱- طرح های مدرن امریکا علیه انقلاب و مردم ایران، ص۲۴.

۲- کیهان، ۳۰/۴/۷۷.

۳- نقد اندیشه ها،ص ۵۰ .

رفتارهای سیاسی در هم بکوبند، اما این اتفاق بی سابقه در انقلاب ایران در حال انجام است.(۱)

۵- گری سیک (مشاور سابق امنیت ملی امریکا و عضو برجسته سازمان سیا) می گوید: من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشاره های ما را دنبال می کنند، آنها ششلولی بالا برده اند تا هر کس و هر چه را با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند.(۲)

۶.گری سیک در جایی دیگر می گوید: من چگونه خوشحال نباشم که در ایران موج تازه ای برپا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را در هم بپیچد و حکومتی

نظیر حکومت ایران در دوران شاه عربستان سعودی را روی کار بیاورد.(۳)

۷- «آموس پرلموتر»، استاد علوم سیاسی دانشگاه آمریکن و سردبیر نشریه مطالعات استراتژیک، تخصیص بیست میلیون دلار توسط دولت امریکا برای فعالیت های براندازی علیه جمهوری اسلامی را اقدامی ضروری دانسته، پیشنهاد می کند این مبلغ صرف جنگ روانی و تهاجم فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران شود و در انجام این طرح از ضد انقلابیون به عنوان عوامل اجرایی استفاده شود، این تحلیل گر امریکایی خواستار افزایش بودجه مربوط به این توطئه شده و می نویسد:

ص: ۳۱

۱- ماهنامه صبح، شماره ۹۱، فروردین ۷۸.

۲- کیهان، ۸/۵/۷۹.

۳- همان مدرک.

این بیست میلیون دلار نباید به اقدامات سرّی اختصاص یابد، بلکه باید به تبلیغات روانی گسترده و فعالیت های روشنگرانه در حمایت از مخالفان بنیادگراها و نیروهای غیرمذهبی اختصاص داده شود. این پول باید به جای اختصاص یافتن به فعالیت های سرّی، به یک جنگ تهاجمی روانی اختصاص یابد. بیست میلیون دلار برای آن هدف مبلغ بسیار ناچیزی است. اقدامات ضد ایران باید با بصیرت و بینش آگاهانه به مورد اجرا گذاشته شوند.(۱)حال بد نیست ببینیم که این «ضد انقلابیون» و «مخالفان بنیادگراها» و «نیروهای غیرمذهبی» که آقای پرلموتر می خواهد توسط آنان اهداف جنگ روانی و تبلیغاتی امریکایی پیدا شود، کیستند؟

۸- سرتیپ «محمد آیرملو» یکی از سرکردگان گروه های سلطنت طلب، در کیهان چاپ لندن، طی مقاله ای ضمن اشاره به قدرت مذهب چنین می نویسد:

«این نیروی خارق العاده مذهب، آن هم به شکل ساخته و پرداخته و انحراف یافته، هم اکنون در دست آخوندها است، و هنوز مغز شمار بزرگی از توده مردم در گرو آنهاست. برای اجرای برنامه براندازی باید این حربه را از دست آنها گرفت و این کاری است بس مشکل اما شدنی. حال که آخوندها مذهب را به صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآورده اند، چرا ما از راه مبارزه ایدئولوژیک با آنها پیکار نکنیم؟ اتفاقاً از این راه دور، برای ایرانیان

ص: ۳۲

۱- روزنامه جمهوری اسلامی، ۳۰/۱۰/۷۴.

بیرون از سرزمین ایران، بهترین کوشش براندازی همین مبارزه ایدئولوژیک با آخوندها است.(۱)

۹-«منوچهر گنجی» سرکرده گروهک «درفش کاویانی» که وابسته به سازمان «سیا» است، نیز در بیانیه ای که به مناسبت تأسیس «سازمان حقوق بشر و آزادی های

اساسی برای ایران» منتشر کرده بود، چنین آورده بود: مبارزه فرهنگی- سیاسی مردم ما، مبارزه ساکن و غیر مستقیم نیست. بلکه به طور علنی و مستقیم و آشکار انجام می گیرد، مردم و سیاست مداران ما می کوشند با بهره جویی از فرهنگ غنی ایران، عدم مشروعیت رژیم آخوندی را برملا کنند... امروز جنگ بین آخوندها و ملت ما، در میدان فرهنگ جریان دارد.(۲)

خوب، ملاحظه کردید که چگونه به اصطلاح «روشنفکران» وابسته به «سیا» توصیه های آقای پرلموتر و سایر تئوریسین های حکومت امریکا را در عمل به مرحله ی اجرا می گذارند؟ آقای پرلموتر در ادامه تحلیل خود می نویسد: تنها راه سرنگونی رژیم خطرناک و متعصب ایدئولوژیکی ایران، یک مبارزه سیاسی- روانی و روشنفکرانه می باشد، نه از طریق اقدامات نظامی.

۱- محمد آیرملو، کیهان لندن، شماره ۱۷۲، ص ۷ و ۱۴.

۲- بیانیه اعلام موجودیت «سازمان حقوق بشر و آزادی های اساسی برای ایران» پاریس، ۳۰/۸/۷۱.

۱۰- رئیس مجلس نمایندگان امریکا، در بهمن ماه ۱۳۷۳ خواستار «یک استراتژی کلی ایالات متحده امریکا در جهت جایگزین ساختن رژیم فعلی ایران با زور» شد. وی پیشنهاد کرد که:

هدف دولت امریکا باید این باشد که به مردم ایران جهت سرنگون کردن رژیم استبدادی روحانیون کمک شود.(۱)

۱۱- مجله «تایم» نیز در این رابطه نوشت: رئیس مجلس نمایندگان امریکا مبلغ هجده میلیون دلار برای طرحی علیه ایران اختصاص داد و از سازمان اطلاعات این کشور خواست تا به طریقی و تحت یک نقشه پنهانی، درصدد تغییر حکومت ایران برآید... وی در طرح اولیه خود برای براندازی رژیم ایران، بودجه ای صد میلیون دلاری درخواست کرده بود که این بودجه سرانجام به هجده میلیون دلار رسید و جزو بودجه های محرمانه سازمان سیا قرار گرفت.(۲)

۱۲- پروفسور «اریک هوگلاند» نیز که یکی از مخالفان تحریم ایران است، در کنفرانس بین المللی «ایران در حال ظهور» در شهر کاونتری انگلیس گفته بود:

امریکا اعتقاد دارد با توجه به پیروزی در جنگ سرد و تبدیل شدن به تنها ابرقدرت جهان، می تواند هر کاری را که بخواهد انجام دهد... هیچ شکی

۱- امریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، ص۲۱۱.

۲- همان مدرک.

ندارم که هدف واقعی سیاست «مهار دوگانه» امریکانسبت به ایران، سرنگون کردن دولت ایران است.(۱)

۱۳- «نتانیاهو» نخست وزیر سابق اسرائیل نیز در مجمع سالیانه یهودیان امریکا، با اشاره به برخی از طرح ها و توطئه های صهیونیست ها علیه جمهوری اسلامی ایران، گفته بود: من از بقای جمهوری اسلامی ایران در شگفتم... بودجه بیست میلیون دلاری که در این جا (امریکا) برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران تصویب شده است، تنها یکی از صدها طرح و برنامه ای است که ما و امریکا به کار بسته ایم.

تعجب من از همین است، ما هم اکنون ایران را در بایکوت خبری به تنگ آورده ایم، با اطلاق عنوان تروریست به آن، همه افکار جهانیان را با آن به مخاصمه آورده ایم، به طوری که اوضاع داخل ایران نیز از آن یک دستی دهه ی اول انقلاب خارج شده است و خط قرمزهای حتمی نظام به چالش محافل سیاسی درآمده، اما این رژیم به گونه ای شگفت و نامعلوم، آسیب های خود را ترمیم می کند.(۲)

۱۴- «هنری پرشت» مسئول سابق میز ایران در وزارت خارجه امریکا، نیز در این مورد گفته بود:

اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با تز امکان ارتباط با امریکا شروع شده و حالا به تردید در اساسی ترین وجه انقلاب اسلامی مشغول

۱- همان مدرک.

۲- همان مدرک.

است، بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت فقیه را بر کشتی تردید سوار کند، بار سنگینی از دوش امریکا برداشته خواهد شد. این بار سنگین همان است که امروز ایران را از غرب دور نگه داشته و امکان صلح با اسرائیل را تا حد صفر تنزل داده است.(۱)

۱۵- «پاتریک کلاوسون» نیز در این باره می گوید: یک رویکرد فعال برای امریکا، تشویق نیروهای دموکراتیک در داخل ایران است، نزدیکی بیش از حد امریکا به اصلاح طلبان، می تواند عکس العمل منفی داشته باشد و در این راستا، امریکا می تواند با استفاده از برنامه های رادیو امریکا، رادیو آزادی، و برنامه های تلویزیونی از طریق ماهواره، پیام خود را به مردم ایران برساند.(۲)

۱۶- سناتور «جوزف بایدن» نیز در این زمینه توضیحات بیشتری می دهد: ما باید قدم های بسیار حساب شده و سنجیده ای برداریم که هدف آن کمک به افرادی باشد که خواهان دگرگونی در ایران هستند...دولت بوش باید به تمامی سازمان های غیر دولتی امریکا اجازه دهد تا به گروه های ایرانی مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشر، فرهنگی و خواهان دموکراسی، کمک مالی کنند.(۳)

۱۷- «کنت تیمرمن» نیز در گزارشی چنین گفته بود که: ما باید از طرفداران دموکراسی در ایران بخواهیم رژیم کنونی را سرنگون کنند، چرا که این

ص: ۳۶

۱- همان مدرک.

۲- همان مدرک.

۳- همان مدرک.

رژیم منافع امریکا را تهدید می کند... استفاده از اهرم های فرهنگی، بهترین وسیله ای است که امریکا در مقابله با رژیم تهران در دست دارد. استفاده از فشارهای اقتصادی تا مدتی برای جلوگیری از سرمایه گذاری در بخش گاز و نفت موفق بود، ولی پرداختن به مسایل اقتصادی باز هم درمان عوارض مشکلات امریکا با رژیم ایران است و نه درمان ریشه ای این مشکل. مبارزه اقتصادی و نظامی با رژیم ایران در نهایت با شکست روبه رو خواهد شد، مگر این که از اهرم های فرهنگی نیز استفاده کامل شود... برملا شدن حمایت های پنهانی امریکا از گروه های مخالف رژیم، می تواند موجب محبوبیت رژیم ایران در بین مردم شود. امریکا باید از بعضی دولت های منطقه بخواهد به رهبران مذهبی شیعه ی مخالف رژیم و هم چنین ایرانیان سنی مذهب در بلوچستان، کنار سواحل خلیج فارس و در مرز آذربایجان کمک کنند.(۱)

۱۸- یکی از مسئولین سابق شورای امنیت ملی امریکا نیز در طی یک میزگرد تلویزیونی در واشنگتن، هدف نهایی توطئه های امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران را چنین بیان می کند که:

برپایی یک شورش مردمی علیه حکومت روحانیون در ایران، بزرگ ترین پیروزی است که در راستای جنگ ایالات متحده علیه تروریسم قابل تصور است. من شخصاً بهتر از این چیزی را نمی توانم تصور کنم، زیرا ایران الگویی برای اسلام گرایان در سراسر جهان است. حکومت ایران دین

۱- همان مدرک.

گراست، حکومتی است که در آن اسلام حاکم است... اگر در شرایط کنونی، یک حکومت دین گرا در ایران سقوط کند، بسیار عالی خواهد شد. زیرا این به تمام جهان نشان خواهد داد که وقتی اسلام گرایان به قدرت می رسند و نظام خود را برقرار می کنند، نتیجه کار چه خواهد شد.(۱)

دانشجو: به اصل بحث برگردیم لطفاً بفرمایید جنگ نرم اساساً از چه زمانی وارد ادبیات سیاسی روابط بین المللی شد؟

استاد:

پیرامون این موضوع، بد نیست بنده اشاره کنم به «کتاب جمهوری اسلامی و قدرت نرم» که توسط آقای محمود رضا گلشن پژوه تألیف شده و دفتر گسترش تولید علم، وابسته به معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی، آن را در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسانده است، فصل دوم این کتاب اشاره به تاریخچه به کارگیری مفهوم قدرت نرم دارد، مرور این بخش پاسخی به سوال شماست:

استفاده خاص از این کلمه «جنگ نرم» در علم روابط بین الملل برای نخستین بار توسط جوزف نای، نظریه پرداز برجسته امریکایی در مقاله ای با عنوان «گمراه کنندگی استعاره انحطاط» در نشریه «آتلانتیک» در مارس ۱۹۹۰ مطرح گشت. وی در این مقاله می گوید: «اگر امریکا تنها ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به برنامه ای اختصاص دهد که هم آموزش داخلی را

۱- همان مدرک.

ارتقـا داده و هم کمـک های موثر و اطلاعات مورد نظر را به خارج برسانـد، به قـدرتی متفاوت و عمیق تر از «قـدرت سـخت» دست می یابد که به آن می گوییم «قدرت نرم» .

نـای پس از آن در کتـاب خود بـا عنوان «ملزم به رهبری» که در همـان سـال ۱۹۹۰به چاپ رسـید، این مفهوم را مورد بررسـی وتوضـیح بیشتری قرار داد. در این کتاب، نای کوشید تا برعکس دیدگاه فائق جهانی مبنی بر افول ابرقدرتی امریکا، نشان دهد که امریکا نه تنها به لحاظ قـدرت نظامی و اقتصادی، بلکه در بعـد سومی به نام «قدرت نرم» نیز قوی ترین کشور محسوب شده و بی همتاست. وی این مفهوم را نخستین بار این گونه تعریف نمود: «قدرت نرم» توانایی کسب چیزی است که از طریق جذب به جای اجبار می خواهیم. وی در ادامه می نویسد این نوع قدرت «می تواند از طریق روابط با متحدان، کمک های اقتصادی و تبادلات فرهنگی حاصـل شـود». او در این کتـاب اسـتدلال می کنـد این نوع قـدرت می توانـد موجب به وجود آمـدن افکـار عمومی مطلوب تر و کسب اعتماد بیشتر در کشورهای دیگر شود.

نای مجدداً در سال ۲۰۰۱ با انتشار کتاب دیگری به نام «تناقض قـدرت امریکایی: چرا تنها ابرقدرت جهان نمی تواند به تنهایی عمـل کنـد؟» بـه مفهـوم قـدرت نرم بـازگشت. این کتـاب در حقیقت هشـداری علیه فاتـح گرایی امریکـا در قرن بیست و یکم میلادی است. نای در این کتاب به توضیح اصولی می پردازد که به اعتقاد وی باید طی دهه های آینده بر سیاست خارجی

امریکا حکم فرما باشد. وی استدلال می کند در قرن جدید، ایالات متحده نباید تنها بر حفظ قدرت اقتصادی و نظامی خود که او «قـدرت سـخت» می نامد، تکیه کندبلکه باید در جهت جذابیت فرهنگ، ارزش ها و نهادهایی که «قدرت نرم» نامیده است، تلاش نماید. او مجدداً در این کتاب اعلام می دارد امریکا نیازمند تقویت بعد سوم قدرت خویش، یعنی قدرت نرم می باشد.

مقـاله ای نیز در «هرالـد تریبون» در ۱۰ ژانویه ۲۰۰۳ توسـط نای نوشـته شـده که در آن ضـمن اعتراض به عملیات های مخفی پنتـاگون در کشورهـای متحـد امریکـا، آنها را برای قـدرت نرم این کشور بسـیار مضـر می خوانـد. وی با اشاره به تفاوت میان تبلیغـات یـا پروپاگانـدا و قـدرت نرم، مثـال هـایی را از قـدرت نرم امریکا در برابر کشورهای دیگر می آورد. نای در نهایت از حجم بسـیار اندک بودجه دیپلماسی عمومی امریکا در برابر بودجه دفاعی این کشور انتقاد نموده و خواستار توجه بیشتر دولت بوش به مسئله قدرت نرم در سیاست خارجی خود می شود.

نـای هم چنین در آخرین اثر خود با عنوان «قـدرت نرم: ابزارهایی برای توفیق در سـیاست جهانی» که در مارس ۲۰۰۴ به چاپ رسید، به تفصیل درباره این جنبه از قدرت می نویسد. نای در مراسم معرفی کتاب خود، اعلام می دارد دو تغییر بزرگ در کل جهان نسـبت به سال های پیش روی داده است: بحث جهانی شـدن و موضوع انقلاب تکنولوژیک. او معتقد است این تغییرات راه را برای گروه های تروریستی برای اعمال نقشه های خود به وضوح هموار

ساخته است. وی سپس با انتقاد از نظریه پردازانی هم چون «چارلز کراتامر» که معتقد به یک جانبه گرایی در سیاست خارجی امریکا هستند، مثال همیشگی خود را در خصوص شطرنج سه بعدی آورده و اعلام می کند توجه به دیدگاه های افراطی چون کراتامر، سبب می شود تا ما شطرنج را تک بعدی دیده، آن را در نهایت ببازیم.

نای سپس به نتایج نظرسنجی های صورت گرفته به خصوص پس از اقدام های یک جانبه امریکا در عراق اشاره کرد و با انتقاد از افرادی که در هیئت حاکمه امریکا معتقدند بنا نهادن سیاست خارجی بر مبنای «نظر سنجی» صحیح نیست، عنوان می دارد افرادی که اکنون از ما متنفر شده اند، همان هایی هستند که امریکا در مبارزه با تروریسم بیشترین نیاز را به کمک آنها دارد. او سپس به این واقعیت اشاره می کند که نادیده انگاشتن قدرت نرم، تنها اثری بطئی ندارد، بلکه اثر وضعی آن در جنگ با عراق و هنگام رد درخواست امریکا از ترکیه برای عبور نیروهای خویش از این کشور روشن شد. وی در آخر با ذکر جزئیات، به اشتباهات اخیر امریکا در زمینه عدم به کارگیری قدرت نرم پرداخته و با انتقاد از کاهش شدید میزان ساعات پخش برنامه «صدای امریکا» و هم چنین بودجه اندک وزارت

امور خارجه برای اعمال دیپلماسی عمومی در جهان اسلام، خواستار توجه جدی به این موضوع می شود. آن چه نای در این زمینه بسیار حائز اهمیت می شمارد،

همکاری امریکا با نهادهای بین المللی مانند سازمان ملل و از مجرای آن، دستیابی به «مشروعیت» است(۱).

دانشجو: اساساً مفهوم و ماهیت جنگ نرم چیست، در این باره توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

جنگ نرم، جنگ متفاوت از جنگ سخت بوده و با مفاهیم چون تهدید نرم و قدرت نرم مرتبط می باشد. در ماهیت شناسی جنگ نرم در واقع به دنبال فهم چیستی و چگونگی آن هستیم. اگر در جنگ سخت و نظامی از خشونت و ابزار سخت به عنوان عامل اجبار برای تحمیل خواست و اراده یک طرف به طرف دیگر استفاده می گردد، در جنگ نرم، با استفاده از قدرت نرم و بدون توسل به خشونت، خواسته ها تعقیب می شود. همان گونه که تهدید و جنگ با مفاهیمی چون امنیت ملی، انسجام ملی و ثبات سیاسی مرتبط بوده و در هم تنیدگی دارد، جنگ نرم نیز با همین مفاهیم ارتباط تنگاتنگ دارد. اگر در قدرت سخت

تجهیزات و ادوات نظامی پشتوانه جنگ سخت به حساب می آید، قدرت نرم پشتوانه اصلی جنگ نرم است. همان طور که گفته شد قدرت نرم را برای اولین بار «جوزف نای» در سال ۱۹۹۰ مطرح کرد و آن را این گونه تعریف کرد: «قدرت نرم توانایی کسب چیزی است که می خواهیم از طریق جذب به جای اجبار به دست آوریم». از

۱- بر گرفته از کتاب «جمهوری اسلامی و قدرت نرم»، ص۲۷ به بعد.

نظر «نای» اساس قـدرت بر ارزش ها نهاده شـده است. در جنگ نرم، باورها، ارزش ها و عقایـد مورد هجوم قرار می گیرد و بر این اسـاس می تـوان جنـگ نرم را این گـونه تعریـف کرد: «جنـگ نرم مجموعه ای از اقـدامات است که دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوهـای رفتـاری مورد قبول یـک نظـام سیاسـی را دنبال می کنـد و در واقع به دنبال نوعی سـلطه در ابعاد سه گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است».

اصولاً ـ مـاهیت جنـگ نرم، همـان ویژگی غیر خشـونت آمیز بـودن آن می باشـد. در این جنـگ از شـیوه هـا و روش هـای غیر خشونت آمیز اسـتفاده می گردد. تا بر افکار و انـدیشه ها تأثیر بگذارند اگر جنگ به عنوان یک روش و شـیوه خشونت آمیز و استفاده از ابزار زور و قوای نظامی شناخته شده و به همین دلیل دو کلمه جنگ و خون ریزی به همراه یکدیگر به کار برده می شوند، ماهیت جنگ نرم به دور از این شیوه ها و روش ها می باشد.

مقام معظم رهبری ماهیت جنگ نرم کنونی نظام سلطه علیه انقلاب و نظام اسلامی را این گونه تشریح می نمایند:

«یکی از مسـئولان طراز اول رژیم صـهیونیستی غـاصب اسـرائیل، در سـال گذشـته توصـیه ای به آمریکایی ها کرد. این توصـیه کاملاً ـ در مطبوعـات خـارجی و اینترنت منعکس شـد و امر پنهانی و مخفیانه ای نیست. توصـیه وی به آمریکایی ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق و کره شـمالی و کشورهایی از این قبیل تلف نکنید. مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید،

کانون و سرچشـمه آن جاست، اما ایران مثل عراق و کره شـمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسـلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده انـد. بایـد کاری کنیـد که مردم آن را رها کننـد. راهش این است که مردم را بـا ترویـج فرهنـگ و ادبیـات غربی و فرهنـگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسـبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریـخ شان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از گذشت چند سال، بدون این که سـرمایه ای صـرف کنید، با یک حمله و تحرک احیاناً نظامی مختصر، می توانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید».

بنابراین در جنگ نرم در دو حوزه، اقدامات اساسی شکل می گیرد:

۱- تصرف قلب ها و هدایت محبت ها و دوستی های مردم و برای این کار از ابزار مختلف تأثیر گذاری از جمله رسانه و هنر و افرادی که در قلب هـای مردم نفوذ دارنـد و می تواننـد در رفتـار آنهـا تأثیر بگذارنـد، اسـتفاده می شود. به همین خاطر حضور هنرمندان و ورزشکاران و... ستارگان و قهرمانان بسیار مورد توجه قرار می گیرد.

۲- وارد کردن شبهات و حمله به باورها و اعتقادات مردم و بر هم ریختن اذهان مخاطبان.

در این جا لازم می دانم که به صورت اجمالی و تیتروار به برخی از این هجمه ها خصوصاً در طول دوران دولت اصلاحات در کشورمان بپردازم، البته در این زمینه دو کتاب قطور و مفصل به رشته تحریر درآمده:

یکی کتاب «آزادی یا توطئه» که به اهتمام جمعی از فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم و توسط انتشارات فیضیه در سال ۱۳۷۹ به چاپ رسیده و دیگری کتاب «پایان داستان غم انگیز» که توسط آقای حمید رسایی تألیف و انتشارات کیهان در سال ۱۳۸۰ آن را به چاپ رسانده است.

بنده مطالبی که عرض می کنم از این دو کتاب استفاده شده است، اکنون به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱.سوء استفاده تبلیغاتی از اجرای طرح هایی چون طرح امنیت اجتماعی به عنوان محدود کننده آزادی و حقوق زنان و نقش آزادی های مدنی و اجتماعی.(۱)

۲.ایجاد تقابل های سیاسی بین سران ارشد نظام اسلامی و القای در جریان بودن جنگ قدرت در جمهوری اسلامی بین چند طیف.(۲)

۳.ترویج و اشاعه دنیا طلبی و مادی گرایی افراطی با تبلیغ مظاهر زندگی غربی.(۳)

۱- سیدمحمد خاتمی، روزنامه همبستگی، ۱۹/۱۰/۷۷، ص۲، مصاحبه با شبکه ان.اچ.کی : «اگر حجاب و پوشش مانع حضور زن و بروز شخصیت زن شود، قطعاً مضر است... مشکل این نیست که زنان چگونه لباس بپوشند، مشکل این است که زنان بتوانند در عرصه های مختلف حضور داشته باشند».

۲- مهسا ماه پیشانیان، همان.

۳- سیدمحمد خاتمی، روزنامه آریا، ۲۸/۶/۷۷ : «شما برای این که بتوانید پیشرفت کنید، راهی جز راه غرب ندارید و راه غرب یعنی پذیرش خرد غربی»

۴.تبلیغ مستمر و گسترده لائیسم و سکولاریسم.(۱)

۵.ترویج نظریه وجود قرائت های مختلف از اسلام (پلورالیسم).(۲)

۶.اشاعه و تبلیغ نسبی بودن موازین اسلامی و ارزش های اعتقادی و دینی.(۳)

۷.تبلیغ ضرورت جدایی دین از سیاست و دنیا از آخرت (سکولاریسم).(۴)

۸.ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در مردم به ویژه در نسل جوان با ترویج و اشاعه غیرقابل اجرا بودن ارزش های والای الهی در جامعه.(۵)

ص: ۴۶

۱- محسن کدیور در دانشکده فنی دانشگاه تهران در سال ۷۹ طی سلسله مباحثی تحت عنوان پژوهش های قرآنی ایراد کرد : «امروز خدا در جامعه هیچ کاره است و همه کاره مردم اند». هم چنین، ابراهیم اصغرزاده، روزنامه کیهان، ۶/۲/۷۷ : «حتی علیه خدا هم می توان تظاهرات کرد».

۲- عزت اله سبحانی، روزنامه خرداد، ۶/۸/۷۸ : «به گفته امام علی (ع) هر شیوه حکومتی که مردم بر آن تفاهم کنند، همان مورد رضای خداوند است و تفاهم دینی و غیردینی معنا ندارد».

۳- مقصود فراست خواه، هفته نامه توانا، ۲۲/۶/۷۷، ش۲۸، ص۸ : «حقیقت ثابت نداریم ؛ حتی در دست انبیا و معصومین هم حقیقت ثابتی نبوده که بتوانند آن را برای همه ازمنه و امکنه دیکته کنند».

۴- اکبر گنجی در مصاحبه روزنامه تاگس اشپیگل آلمان، روزنامه کیهان، ۲۴/۱/۷۹ : «در یک جامعه مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدیهی است. ایران نیز در حال حاضر از فاز قبل مدرن به فاز مدرن پیش می رود».

۵- معین فر، اجلاس دفتر تحکیم وحدت در آبان ماه ۸۶ : «در خصوص سرنوشت انقلاب ما چاه کندیم به آب برسیم به فاضلاب رسیدیم».

۹.برنـامه ریزی برای کم اهمیت جلوه دادن تهـاجم فرهنگی و تـوهم خوانـدن آن بـا هـدف کم کردن حساسـیت هـا نسـبت به اهداف تهاجم نرم فرهنگی.(۱)

۱۰. تبلیغ و ترویج ناکارآمدی تئوری حکومت دینی و تضعیف فرهنگ اسلامی و مبانی عقیدتی.(۲) و (۳)

۱۱. القای وجود مشکلات متعدد به واسطه قطع رابطه با امریکا.(۴)

۱۲. ایجاد شبهات متعدد در خصوص اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.(۵)

۱- روزنامه عصـر آزادگان، ۱۶/۱۰/۷۸، ص۵ : «دولت هـایی که از کشورگشایی وامانـده انـد برای حفظ تسـلط خود بر مردم، آنها را همواره از یک شبح جهانخوار خارجی ترسانده اند».

۲- عبـدالکریم سـروش، روزنامه نشاط، خرداد ۷۸ : «حکـومت دینی جلـوی رشـد علمی را می گیرد. در نظـام لائیـک ترکیـه، روحیه علم جویی و حقیقت طلبی رشد کرده است زیرا آن جا ارزش های دینی را با علم مخلوط نکرده اند».

۳- . حسن واعظی، همان، ص ۱۷۷ به بعد.

۴- هفته نامه راه نو، ۳/۵/۷۷، ش۱۴، ص۳۰ و ۳۲ : «حل مشکلات کشور در گرو ارتباط با امریکاست».

۵- هفته نامه پیام هامون، ۱۹/۱۰/۷۷، ص۱ : «ولایت مطلقه فقیه همان حکومت مطلقه سلطنتی است».

۱۳. تضعیف بسیج و نیروهای ارزشی انقلاب.(۱)

۱۴. امام زدایی از صحنه فرهنگی و اجتماعی.(۲)

۱۵. تضعیف روحانیت و مراجع عظام تقلید.(۳)

۱۶. ترویج و تبلیغ وجود تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق.(۴)

۱۷. نفی آرمان گرایی با تبلیغ دنیا پرستی و تحریک غرائز شهوانی.(۵)

۱۸.حمله مستمر به مبانی ارزشی و پایه های اعتقادی با حربه تحریف حقایق.(۶)

۱- عبدالکریم سروش، روزنامه عصر آزادگان، ۲۰/۱/۷۹ : «هیأت های مذهبی منشأ خشونت اند و بسیجی ها، اعضای تشکیل دهنده این هسته ها می باشند».

۲- سعید حجاریان، هفته نامه مبین، شهریور ۷۹ : «رهبری کاریزماتیک دینی به درد اصل جنبش و انقلاب می خورد و اگر پای آن به دوران ثبات و سازندگی کشیده شود، به استبداد دینی منجر خواهد شد».

۳- روزنامه ایران، ۱۸/۶/۷۷، ص۱۰ : «روحانیت، قشری گرا و انحصار طلب است ؛ آنها عوام پرور و مقلد پرورند، نه عاقل پرور».

۴- عبدالکریم سروش، هفته نامه آبان، ۲۹/۳/۷۸، ش ۸۰، ص۶۳ : «تفکر دینی با استخدام طبیعت منافات دارد یا حداقل خنثی است».

۵- سعید حجاریان، روزنامه صبح امروز : «هم جنس بازی در کشور ما باید آزاد باشد و از جهت حقوقی نباید ممنوع باشد گرچه از نظر اخلاقی زشت است».

۶- عمادالدین باقی، روزنامه خرداد، ۱۹/۸/۷۸، ص۶ : «آیات قرآن صریحاً اصل عیسی به دین خود موسی به دین خود را تأیید می کند و هرگز اهل کتاب یا حتی کافران و مشرکان را طرد نمی کند».

۱۹.اشاعه چهره ای غیرواقعی، خشن و زشت از اسلام.(۱)

۲۰. تبلیغ و ترویج مغایرت دین و وحی با عقل.(۲)

۲۱. ترویج و اشاعه اومانیسم و مکاتب الحادی غربی.(۳)

۲۲. تبلیغ و ترویج تضاد میان اسلام و آزادی.(۴)

۲۳. تلاش مستمر وبرنامه ریزی شده برای سست کردن بنیان های مسلم دینی.(۵)

۲۴. تلاش برای قرار دادن ایران در مقابل دموکراسی و آزادی های مدنی.(۶)

۱- ابراهیم یزدی، هفته نـامه پیـام هـاجر، فروردین ۷۷ : «جـامعه ولاـیی انحصـار گر و مسـتبد است و ارزشـی برای توده ها قائل نیست».

۲- بـاقر پرهام، هفته نامه پیام راه نو، ۳/۵/۷۷ : «دوران مـدرن دوران حکومت و رهبری عقل است و دین باید به عرصه زندگی خصوصی باز گردد».

۳- مهرزاد بروجردی، ترجمه علی صـدیق زاده، ماهنامه کیان، مهر و آذر ۷۸، ش ۴۹، ص۴۰ به بعد : «اسلام نیز چون مسیحیت در نهاد خود قابلیت عرفی شدن و سکولاریزه شدن را دارد و چنین امری در حال وقوع است».

۴- سـیدمحمد خاتمی در اولین سالگرد دوم خرداد در دانشـگاه تهران : «اگر دین هم در برابر آزادی قرار گیرد، این دین است که باید محدود شود نه آزادی».

۵- عزت اله سـبحانی، روزنـامه عصـر آزادگان، ۱۶/۱۰/۷۸ : «حـتی معصـومین (ع) خـود به خود بـدون نظـارت مردم و به طور اصولی در معرض انحراف هستند».

۶- سالار بهزادی، روزنامه صبح امروز، ۲۳/۸/۷۸ : «سـیره حضرت علی (ع) و سایر فرق مذهبی در صدر اسلام، دموکراسی در انتخاب رهبری و عدم تعیین رهبر برای مردم بوده است».

۲۶. تلاش برای به تمسخر گرفتن مبارزه حق و باطل.(۱)

۲۷. سست کردن پایه های اعتقادی نسل جوان نسبت به معاد و آخرت.(۲)

۲۸. تبلیغ گسترده مبانی نظری فرهنگ غرب وزیرساخت های تئوریک فرهنگ آمریکایی.(۳)

۲۹. کوشش برای بی تفاوت نمودن و جدا کردن نسل جوان از ارزش های اعتقادی و آرمان های انقلاب با هدف ایجاد بحران هویت.(۴)

۳۰. متهم ساختن اسلام و جمهوری اسلامی به ضدیت با حقوق بشر و نقض آزادی های مدنی.(۵)

ص: ۵۰

۱- محمد سعید حنایی کاشایی، ماهنامه کیان، فروردین ۷۸ : «تراژدی حسین بن علی مشابه تراژدی آنتیگونه، تامس مور و جان پروکتور است».

۲- عبدالکریم سروش : «فرهنگ شهادت خشونت آفرین است».

۳- سید محمد خاتمی، روزنامه سلام، ۳/۲/۷۵ : «امروز به جرأت می توان گفت در زندگی قومی که عزم تعالی و پویایی کرده است هیچ تحول کارساز نخواهد بود مگر آن که از متن تمدن غرب بگذرد و شرط دگرگونی اساسی، آشنایی با تمدن غرب و لمس روح آن یعنی تجدد است».

۴- سید محمد خاتمی، روزنامه کیهان، ۲۳/۱۱/۷۹ : «شعار جاویدان انقلاب اسلامی همان خواست تاریخی ملت یعنی استقلال، آزادی و پیشرفت است».

۵- عبدالکریم سروش، روزنامه صبح امروز، ۱۶/۶/۷۸ : «در تعارض تکالیف دینی و حقوق بشر، حقوق بشر مقدم است ولی متأسفانه فقهای ما اطلاعات برون دینی ندارند و متوجه این نکات نیستند».

دانشجو: لطفاً بفرمایید جنگ نرم چه تفاوتی با جنگ سخت دارد و ویژگی های هر کدام را مختصری توضیح دهید؟

استاد:

اشاره

جنگ سخت یعنی توانایی زور و اجبار که از اقتدار نظامی یک کشور ناشی می گردد.

کاربرد قدرت سخت که در این جا آن را جنگ سخت می نامیم با استراتژی تهدید، اجبار، فشار و به کارگیری ادوات و ابزار نظامی، دولت های ضعیف را سرکوب، منهدم و یا به تسلیم وا می دارند.

ما در سال های اخیر شاهد تغییراتی هستیم که حکومت ها و دولت هایی بدون وجود تهدید و اجبار، یا تطمیع و هزینه محسوسی، سرنگون شدند که به نظر می رسد این تحولات مبتنی بر ظهور قدرت و جنگ جدیدی است که از آن به عنوان قدرت نرم و جنگ نرم یاد می شود.

قدرت نرم از طریق تولید و توزیع آموزه ها و ارزش های خاص و جذاب، بنیان های ارزشی و ارکان حمایتی کشور متخاصم را هدف قرار داده و آن را در راستای وضعیت مطلوب خویش تغییر می دهد. این گونه تغییرات معمولاً ـ از زیرساخت ها و شبکه های تولید و توزیع اندیشه ها و هنجارها، خصوصاً حوزه های آموزشی، فرهنگی و رسانه ای آغاز می شود.

یعنی عرصه هایی که معمولاً ـ خارج از افق دید، نظارت و راهبرد سرویس های اطلاعاتی سنتی قرار دارد. در قدرت نرم، برخلاف قدرت سخت، مخاطب نه از روی اجبار و اکراه، بلکه با رضایت مندی تن به قدرت جدید می دهد و خواسته های قدرتمند را اجابت و اجرا می کند. به تعبیر دیگر قدرت نرم به

جای تحمیل و ناگزیر کردن مخاطبان، آنان را متقاعد و همسومی سازد و هر نوع مانع یا انگیزه مقاومت ملی، اخلاقی، حیثیتی، هویتی و دینی را از ذهن مخاطب باز می ستاند. و اکنون به برخی از آن ویژگی ها اشاره می کنیم:

۱. نامحسوس و نامرئی است:

غربی ها می گویند با پنبه و روش نرم هم می شود کشتار کرد در حالی که این روش- جنگ نرم- آبرو ریزی از نوع گوانتانامو یا ابوغریب نیست و از سویی حساسیت کشورهای هدف نیز برانگیخته نمی شود، در این نبرد فرهنگی اقدامات، فعالیت ها، میزان سلاح و تجهیزات مخصوص به آن مشخص نیست. این جا فعالیت ها در قالب تولید و نمایش فیلم، مصاحبه، سخنرانی، چاپ و انتشار کتاب، مجله، عکس، شعر، قصه و... است.

همه این ها در قالب های ظاهر فریبی چون رشد و ترویج هنر و ادب، آزادی بیان و قلم و اظهار عقیده، تضارب افکار و تبادل اندیشه ها... صورت می گیرد، لذا همه این موارد در استتار کامل صورت می پذیرد به گونه ای که تشخیص ردپای آن نه تنها در سطح عمومی جامعه، بلکه در سطح خواص هم کاری دشوار است.

چه بسا دشمن در جنگ نرم بخش عمده ای از سربازان خویش را از میان خودی ها برگزیند و سخن خویش را از زبان آنها بیان کند و نقشه های خود را به دست آنها عملی سازد.

۲. دراز مدت و دیرپا بودن:

جنگ نرم از کارهایی است که محصول خود را دیر به دست می دهد، اما اثری که از خود به جای می گذارد ماندگار است و به آسانی از روح و فکر و متن جامعه زدودنی و زایل شدنی نیست، برخلاف جنگ نظامی که نتیجه عملکرد آن در کوتاه مدت روشن و هویدا می گردد، در نبرد فرهنگی، بذری را که دشمن در ضمیر و فکر افراد جامعه می کارد، سال ها بلکه نسل ها بعد، آثار مخرب خودش را نمایان می سازد و از سنخ کار سیاسی است که به تعبیر مقام معظم رهبری صدایش فردا در می آید.

۳. اقدام با برنامه قبلی:

داشتن طرح و برنامه برای اجرا در فواصل کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت از مهمترین شگردهای صاحبان تفکر در جنگ نرم است، گاهی ثمره کار خویش را در فاصله زمانی ۵۰ سال درو می نمایند.

دشمن در نبرد فرهنگی از ابزار و امکانات فناورانه ی گسترده و متنوع همراه با بودجه های کلان و تکنیک و هنر مدرن برای اشاعه فرهنگ و آرمان های استکبار بهره می جوید.

امروزه غرب با بیش از دهها هزار کانال ماهواره ای، صدها کانال رادیو و تلویزیون و انبوهی از پایگاه های اینترنتی و با دهها زبان زنده دنیا به اضافه میلیون ها مجله و کتاب علیه جهان مورد هدف خود تبلیغ می کند، مدیر خبرگزاری آسوشیتد پرس می گوید: یک میلیارد مردم جهان، اخبار و اطلاعات خود را از ما می گیرند.

ص: ۵۳

آژانس ارتباطات بین المللی آمریکا همکار نزدیک سازمان سیا که فعالیت خود را از آوریل ۱۹۷۸ آغاز کرده است، مرکز اصلی شبکه تبلیغاتی غرب در آسیا، آفریقا، آمریکای لاتین است، بودجه این سازمان در سال ۱۹۷۹ بالغ بر چهارصد میلیون دلار بوده است، بخشی از فعالیت های این آژانس عبارت است از: انتشار ۱۲ مجله با ۲۲ زبان، تهیه و پخش ۹۰۰ فیلم در سال، نمایش برنامه های تلویزیونی در ۱۰۰ کشور دنیا، توزیع ۵ میلیون نسخه کتاب به ۲۵ زبان در کشورهای مختلف در سال، و رادیو صدای آمریکا که هفته ای ۸۲۲ ساعت برنامه با ۳۸ زبان دارد با بیش از ۵ هزار ایستگاه در جهان برنامه ها و پیام های خود را پخش می کند.

۴. حمله به مغزهای یک ملت است:

در جنگ نظامی، ما با تسلیحات و ابزار نظامی هم چون هواپیما، تانک، بمب، موشک و گلوله سرو کار داریم که از آن به سخت افزار تعبیر می کنند در مقابل در نبرد فرهنگی که یک جنگ نرم است، دشمن از نرم افزار فرهنگی چون صدها رادیو، ده ها ماهواره و کانال تلویزیونی و هزاران نشریه و کتاب و فیلم و موسیقی و با ترویج روحیه دنیا گرایی، زندگی مصرفی، تجملاتی، فساد و فحشا، بی بند و باری و بی اعتنایی به احکام الهی استفاده می کند، سالانه بیش از ۲۰۰ بازی رایانه ای برای کودکان و نوجوانان ساخته می شود که از طریق آن تعالیم اسلام و انقلاب اسلامی ایران به تمسخر گرفته می شود، جالب آن که گردش سالیانه مالی این نوع بازی های رایانه ای حدود ۴۰۰ میلیون دلار است که از این طریق غربی ها هم پول

کلاـنی به جیب می زننـد و هم به اهـداف خود می رسـند. یکی از نویسـندگان آمریکـایی می گویـد: ماشـین تبلیغات آمریکا نیرومندترین سیستم شستشوی مغزی جهان است.

در جای دیگر می گوید: بزرگ ترین جنگی که در پیش داریم جنگی است برای تسخیر اذهان انسان ها.

و یکی از مستشـرقین مسیحی می گوید: اروپا در جنگ های صلیبی از راه شمشیر ضرر کرده، اکنون اراده کرده از راه تبشیر به مقاصد خود برسد، اروپا می خواهد با جنگ صلیبی جدید بدون خونریزی به هدف برسد.

دانشجو: بفرمایید دشمنان ملت ایران در جنگ نرم چه هدفی را دنبال می کنند؟

استاد:

بنـده از بیانات مقام معظم رهبری اسـتفاده کنم حضـرت آقا در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری در تاریخ ۲/۷/۱۳۸۸ پرده از اهداف دشمن در جنگ نرم برداشتند و فرمودند:

در جنگ نظامی دشمن به سراغ سنگرهای مرزی ما می آید، مراکز مرزی ما را سعی می کند منهدم بکند تا بتواند در مرز نفوذ کند؛ در جنگ روانی و آن چه که امروز به او جنگ نرم گفته می شود در دنیا، دشـمن به سـراغ سنگرهای معنوی می آید که آنها را منهدم کند؛ به سـراغ ایمان ها، معرفت ها، عزم ها، پایه ها و ارکان اساسـی یک نظام و یک کشور؛ دشـمن به سراغ این ها می آید که این ها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات خود به نقاط ضعف

تبدیل کند؛ فرصت های یک نظام را به تهدید تبدیل کند. این کارهایی است که دارند می کنند؛ در این کار تجربه هم دارند، تلاش هم زیاد دارنـد می کنند، ابزار فراوانی هم در اختیارشان هست. باید ابعاد دشـمن و ابعاد دشـمنی را بدانیم تا بتوانیم بر او فـائق بیـاییم. البته ما مـدد الهی داریم، کمک غیبی داریم بـدون شک؛ این را انسان دارد مشاهـده می کنـد؛ لکن ما مادامی که هوشیارانه، آگاهانه در میدان نباشیم، تدبیر لازم را به کار نبریم، کمک الهی به سراغ ما نخواهد آمد.

دشـمنان ما؛ دشـمنان انقلاب، دشـمنان نظام جمهوری اسـلامی، چنـد خط را دارنـد دنبال می کننـد که این در تبلیغاتشان و در کـاری که انجـام می دهنـد، واضـح هم هست؛ این هـا چیزهـای پوشـیده و پنهانی نیست؛ بایـد در ذهن خودمان این ها را جمع بندی کنیم.

یکی از خطوط دشـمن، ایجاد تفرقه است؛ هر چه بتواننـد، در هر جا بتواننـد، در هر سـطحی که بتوانند؛ در سـطوح مختلف؛ از مسـئولین، غیر مسئولین، آحاد مردم، بین خود گروه های روحانی، بین خود گروه های دانشگاهی، بین خود جمع ها و جمعیت هـای واحـدهای دیگر اجتمـاعی، و بین این هـا بـا یکـدیگر ایجـاد اختلاف کننـد، و بین مـذاهب. نمونه های فراوانش را دارید مشاهده می کنید که در جامعه هست. این مسئله است. خط دشمن خط ایجاد تفرقه است.

مسـئله بعـدی- این خط دیگری است که به نظر ما دشـمن بر روی او هم دارد سـرمایه گـذاری می کند- منصـرف کردن ذهن مردم از دشمنی دشمن است.

ما هرگز منکر نیستیم که در نارسایی های گوناگون و مشکلات فراوانی که بر سر راه جامعه و افراد پیش می آید، تقصیرهای شخصی و تقصیرهای اجتماعی، از درون وجود دارد؛ در این هیچ تردیدی نیست؛ کسی این را منکر نیست. «ما أصابک من حسنه فمن الله و ما أصابک من سیئه فمن نفسک»(۱) است؛ در این شکی نیست. در جنگ احد هم که دشمن حمله کرد و ضربه زد، در حقیقت مسلمان ها از خودشان ضربه خوردند؛ در این که بحثی نیست؛ منتها نکته این است که اگر انسان بخواهد ضربه نخورد، باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می خواهد به ما ضربه بزند؛ از این، ما را نباید غافل کنند. خط اغفالِ بخصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن، یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است. حالا ـ طرق مختلفی البته برای این کار دارند. تا کسی بگوید دشمن، می گویند: آقا شما همه اش به گردن دشمن می اندازید! خوب، هست دشمن؛ چرا نمی بینیم دشمن را؟ چرا نمی بینیم شعف عظیمی که دشمن پیدا می کند از آن چه که این جا از اختلاف ما، از حوادث گوناگون، از بلوای بعد از انتخابات به وجود می آید؟ تشویق کنند کسانی را که عامل هستند. آن جا، رئیس یک کشور بزرگ از آدم ها اسم می آورد! خوب، این جز ایجاد دشمنی است؟ از معارضین نظام اسم می آورد و تمجید می کند از فلان کس که آقا از شجاعت او (!) ما تعجب کردیم.

۱- سوره نسا، ۷۹

چرا؟ چون یک کلمه ای گفته که آنها خوششان آمده. این ها را باید دید؛ این ها را بایدمتوجه شد و نبایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد.

دانشجو: استاد همان طور که در بیانات شما بود عرصه های جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و عمده ترین هدف در جنگ نرم، تأثیر گذاری بر انتخاب ها و کنترل فرآیند تصمیم گیری و شیوه اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی

اشاره

دانشجو: استاد همان طور که در بیانات شما بود عرصه های جنگ نرم، عرصه فرهنگی، سیاسی و اجتماعی است و عمده ترین هدف در جنگ نرم، تأثیر گذاری بر انتخاب ها و کنترل فرآیند تصمیم گیری و شیوه اطلاع رسانی و تغییر در نظام ارزش هاست که منجر به استیلای سیاسی، فرهنگی و اقتصادی آنها می شود، حالا جنابعالی به صورت مصداقی بفرمایید مراکز و ابزارهای عرصه جنگ نرم کدام هستند؟

استاد:

سوال شما دو بخش را شامل می شود مراکز عرصه جنگ نرم و وسایل و ابزارهای جنگ نرم.

دانشجو: بلی به ترتیب به هر دو پاسخ بفرمایید ممنون می شویم.

استاد:

اشاره

مراکز مهم و مورد توجه جهت اعمال سیاست های طراحان و مجریان جنگ نرم اجمالاً می تواند خانواده، مدرسه و مراکز پیش دانشگاهی، دانشگاه و مراکز آموزش عالی باشد.

ص: ۵۸

۱. خانواده

خـانواده به عنوان اولین کانون زیست جمعی و در عین حال اجباری، از مهم ترین مراکز مورد توجه جهت اعمال سـیاست های جنـگ نرم است.اصولاً ـ اگر هر مسـئله اجتماعی از محیط خارج از خانواده آغاز و آثار آن در خانواده و بر زنـدگی خانوادگی مؤثر می افتد، جنگ نرم بالعکس سـعی بر آن دارد که نقطه آغاز حمله خود را در تخریب اصالت خانواده در مقام کم وسعت ترین و در عین حال عمیق ترین کانون زندگی جمعی بنیان نهد، و سـپس با تخریب این کانون مهم و اصیل از زندگی جمعی، به سان سرطان، سلول های اندامواره اجتماعی را فاسد و در نهایت کل سیستم را به نابودی و اضمحلال سوق دهد. تلویزیون به عنوان مهم ترین و تأثیر گذارترین ابزار جنگ نرم در بهترین و پربیننده ترین جایگاه جغرافیای منزل جا می گیرد، و تدبیر خانم هر خـانه در تزیین مبلمـان خـانه خویش براساس قرار دادن این جعبه جادویی است که در جایی مناسب قرار گیرد و دیگر ابزار به سان مبل و میز و صندلی در حول محور مرکزی آن چیده گردند.

گرایش رسـانه هـای گروهی جهـان به ویژه مـاهواره هـا جهت تأثیر گـذاری بر این کانون و تنظیم برنامه ها به گونه ای که در تحلیـل نهایی زمینه های از هم فروپاشـی ارکان خانواده را در مقام مهم ترین حیطه پرورش انسان سیاسـی، فراهم سازنـد، نشان دهنده اهمیت وافر و به سزایی است که خانواده به عنوان حوزه اصلی عرصه جنگ نرم، دارا می باشد.

ص: ۵۹

رویکردهای جنگ نرم در ارتباط با «خانواده» در پی جامه عمل پوشاندن به فرآیندهای ذیل می باشد:

الف: تغییر الگوهای ارزشی حاکم بر تشکیل خانواده.

ب: تغییر الگوهای رفتاری حاکم بر خانواده.

ج: از بین بردن کار ویژه اصلی خانواده در مقام اصلی ترین کانون اجتماعی شدن سیاسی.

در حالی که، سردمداران اصلی جنگ نرم به ویژه ایالات متحده آمریکا در برهه کنونی از تاریخ خویش در پی یافتن راه حل هایی جهت تقویت بنیان های زندگی خانوادگی در جامعه اخلاقی از هم پاشیده خود می باشند، این را به خوبی دریافته اند که بدترین ویروس تضعیف کننده اندام کشورهای جهان سوم، همانا از بین بردن بنیان های خانواده و زندگی خانوادگی است. لذا در برنامه های تلویزیونی، فیلم های سینمایی و ویدئویی و هم چنین در برنامه های ارسالی از طریق ماهواره سعی سناریونویسان و کارگردانان این برنامه ها بر آن است که با در نظر گرفتن سه مؤلفه فوق، این مهم ترین کانون تربیت و زیربنای زندگی اجتماعی را از ماهیت و جوهره اصلی خود تهی نموده، و آن را از طی طریق طبیعی خویش خارج سازند و در نهایت پایگاه اصلی خود را بر پیکره بی محتوای خانواده های تهی شده از فرهنگ بومی و اصیل هر جامعه بنیان نهند.

ص: ۶۰

۲. مدرسه و مراکز آموزشی قبل از دانشگاه

پس از خانواده دومین کانون تعلیم و تربیت، مـدرسه و مراکز پیش از دانشـگاه است، مدرسه به عنوان خانه دوم هر فرد، با کار ویژه اصلی و اساسی تعلیم و تربیت، جایگاهی بس تأثیرگذار در سنین بسیار حساس و تعلیم پذیر از زندگانی آدمی می باشد.

مـدرسه خـود از دو کـانون هـدف، برای جنـگ نرم برخـوردار اسـت. نخسـتین کـانون هـدف در ایـن حـوزه دانش آمـوزان و نوباوگانی هستند که در نقش تعلیم گیرندگان، بیشترین زمینه تأثیرپذیری را دارا می باشند. دومین کانون هدف در این حوزه، آموزگاران و تعلیم دهندگانی هسـتند که، پرتأثیرترین نقش را جهت تأثیرگذاری بر کانون نخست ایفا نموده و بهترین واسـطه انتقال هنجارها و ارزش ها به آینـده سازان هر مرز و بوم می باشـند. براساس این تقسـیم بنـدی، جنگ نرم سـعی خود را بر آن گذاشته است که برای هر قسم از این حوزه های هجوم،راهبردهای ویژه ای را جهت حمله فرهنگی پی ریزی نماید.

با توجه به مطالب و واقعیت تردید ناپذیر فوق، طبیعتاً جنگ نرم به نتایج ذیل دست می یابد:

الف: بهترین طریق وصول به اهـداف جنـگ نرم از راه تهـاجم به ارزش های فرهنگی و فکری حاکم بر کادر علمی، آموزشـی مدارس پدید می آید.

ب: به دلیل اجبارهای حاکم بر محیط مدرسه و آموزشـگاه های علمی، اسـتفاده از ابزار تبلیغی چون ویدئو و ماهواره در محیط های فوق امکان پذیر

ص: ۶۱

نیست، لذا جنگ نرم سعی در ایجاد سلطه فرهنگی از طریق ابزار غیرمستقیم دارد و تهاجمات پنهان تری را دنبال می نماید.

طراحان جنگ نرم با عنایت به چنین مؤلفه هایی امید خود را بر تأثیرگذاری از کانال خانواده به مدرسه، سوق داده اند.

۳. دانشگاه و مراکز آموزش عالی

دانشگاه تربیت کننده نسل آینده حاکم بر یک کشور است. لذا اگر طراحان جنگ نرم بتوانند با تهیه برنامه هایی که مخاطب اصلی آنها قشر دانشگاهی یک مملکت باشد، رهیافت های فرهنگی خود را جهت تغییر ارزش های حاکم بر دانشگاه ها و جامعه روشنفکر کشورهای جهان سوم مستولی سازد خواهد توانست آینده حاکم بر یک جامعه را جهت پذیرش حاکمیت سلطه مدارانه آنها آماده سازد.

تجانس موجود میان دو حوزه آموزش و پرورش و مراکز آموزش عالی از جهت ایستارهای مادی و معنوی به این معنی که در دانشگاه استاد نقش آموزگار و دانشجو نقش دانش آموز را ایفا می کند موجب می گردد که ابزارهای تبلیغی مورد استفاده جهت جنگ نرم در این حوزه نیز بسیار شبیه یکدیگر و دانشگاه در مقام مراکز آموزش ابتدایی و عالی، تغییر می یابد.

مراکز سلطه گر سعی بر آن دارند که با استفاده از ابزار تبلیغی سمعی و بصری و پخش برنامه هایی که در آنها برتری علمی کشورهای غربی را ناشی از فرهنگ غربی می داند، مشکل اساسی عقب ماندگی کشورهای جهان سوم را در پذیرش فرهنگ بومی و ملی این کشورها بیان نموده و تنها راه

ص: ۶۲

گریز از این گرداب را در طی طریق پذیرش ارزش ها و هنجارهای صادراتی کشورهای غربی بدانند.

طراحان جنگ نرم و سردمداران سلطه بر کشورهای جهان سوم در پی آنند که با القای چنین طرز تفکری در اذهان دانشجویان و اساتید دانشگاه ها، از راه وابستگی فکری دارندگان پست های کلیدی در آینده این مرز و بوم، به تحکیم مبانی سلطه خویش دست یابند؛ و امکان مقابله و استقامت از سوی قشرتحصیل کرده و روشنفکر این جوامع را به حداقل ممکن برسانند. چرا که افراد تحصیل کرده بیش از سایرین در مورد تأثیر حکومت بر سرنوشت و زندگیشان با اطلاع هستند و به سیاست توجه بیشتری دارند و از فراگردهای سیاسی بیشتر مطلعند و ساختار جهانی سلطه را بهتر درک می کنند. این افراد به دلایل مذکور آمادگی بیشتری برای رفتار سیاسی اتخاذ می نمایند. اگر کودک در مدارس با مفاهیم عینی زندگی اجتماعی در گستره جامعه، آشنا می گردد، جوان در محیط دانشگاه به مفاهیم عینی حکومت و نهادهای سیاسی و ارتباط آنها با یکدیگر آگاهی پیدا می کند. اگر مدارس عامل انتقال دهنده برداشت ها و ارزش های جامعه به کودکان هستند، دانشگاه ها می توانند نقش بسیار مهمی در شکل دادن ارزش های نوشته نشده (قوانین بازی سیاست) ارزش ها و وظایف دولتی، روابط غیررسمی سیاسی و اتحاد سیاسی داشته باشند. لذا مراکز تعلیم و تربیت از مدرسه تا دانشگاه به عنوان مهم ترین مراکز عرصه جنگ نرم مد نظر می باشند.

دانشجو: استاد لطفاً پیرامون وسایل و ابزارهای جنگ نرم که دشمن از آنها برای ضربه زدن استفاده می کند توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

اشاره

ابزارهایی که دشمن در جنگ نرم از آنها استفاده می کند فراوان است از جمله رادیو، تلویزیون، سینما، تئاتر، کامپیوتر، اینترنت، ماهواره، روزنامه، کتب و نشریات. که برخی از آنان را من توضیح بدهم:

۱. تلویزیون

تلویزیون یا جعبه جادویی را باید مهم ترین محصول انقلاب ارتباطات دانست. این جعبه جادویی محور اصلی و کانون اساسی جمیع ابزارهای تبلیغی است.

تجربه موفق استفاده از تلویزیون جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین داخلی و استفاده از رادیو جهت تأثیرگذاری بر مخاطبین خارجی و در نور دیدن مرزهای ملی، توأمان با یکدیگر، این نتیجه منطقی را برای سلطه گران به همراه داشت، که تلویزیون از امتیازاتی برخودار است که با اتکای به آنها می توان بیشترین تأثیر را بر مخاطب بر جای گذاشت و جریانات فرهنگی و سیاسی در کشورهای مورد نظر را تحت تأثیر و نفوذ عمیق قرار دارد.

از سوی دیگر تلویزیون در عمر تقریباً کوتاه خویش بزودی توانست جایگاه ویژه ای در خانواده به عنوان اصلی ترین بنیان زندگی اجتماعی برای خویش دست و پا نماید و به موازات پیشرفت فناورانه در ابزار ارتباطی و آگاهانه از

تأثیر رسانه های قدرت های سلطه گر تمام کوشش خود را در بین المللی کردن امواج سمعی، بصری تلویزیونی به کار برند تا بتوانند بهترین استفاده ممکن را از این جعبه جادویی در راه نیل به اهداف امپریالیستی خویش، فعلیت بخشند.

به هر تقدیر، تلویزیون در میان رسانه های ارتباطی به دلیل استفاده توأمان از محرک های سمعی و بصری، و دنیای جذاب، نوین و فریبنده ای که از جعبه جادویی به بیننده عرضه می کند، از امتیازاتی برخوردار است که با اتکای به آنها می توان بیشترین تأثیر را بر مخاطب بر جای گذارد، و طراحان «جنگ نرم» با آگاهی به چنین ویژگی هایی جهت خارج نمودن تلویزیون از چهار چوب مرزهای ملی و استفاده بین المللی از آن راه های مختلفی را از تولید و صدور فیلم و کنترل شریان های اصلی مبادلات آنها گرفته تا تقویت فناوری ارتباطات ماهواره ای طی کرده، کوشیده است فناوری را در جهتی هدایت کند که دامنه انتشار امواج تلویزیونی را هر چه بیشتر گسترش دهد.

۲. رادیو

رادیو به عنوان یک وسیله سمعی و نه بصری، اگر چه به دلیل فقدان ایجاد تصویر در تأثیرگذاری بر اذهان مخاطب دارای ضعف می باشد، اما باید این جعبه سخنگو را اولین تلاش موفق بشر درراستای ایجاد بر مرزهای جغرافیایی دانست.

اگر این نکته مارشال مک لوهان را قبول نماییم که «جهان به زودی به دهکده ای کوچک تبدیل خواهد شد» بی هیچ تکلفی باید امواج رادیویی را

ص: ۶۵

اولین گام عملی در راه ایجاد این دهکده دانست، و اگر انقلاب صنعتی اروپا را الهام بخش و نیرودهنده پیشرفت های فناورانه در عرصه ها و ابعاد گوناگون زندگی و تمدن بشری بدانیم، ورود بشر به دنیای امواج و تسلط بر سامانه های مخابراتی، رادار و رادیو باید الهام بخش نوین فعالیت های فرهنگی در حوزه و سطح «میان ملتی» محسوب نماییم.

استفاده از رادیو به عنوان ابزار تبلیغ مبانی سیاسی و عقیدتی در دهه ۱۹۳۰ عملکرد کاملاً موفقی از خود نشان داد، و چندی نگذشت که دول متحد و متفق درگیر در جنگ میلیون ها دلار هزینه ایجاد ایستگاه های رادیویی و تقویت آنها را پذیرا گشتند تا بتوانند از طریق ارسال امواج به دو سوی جبهه یکدیگر به تفوق بر یکدیگر اطمینان بیشتری یافته و ضریب اطمینان فزون تری نسبت به پیروزی نهایی خود پیدا نمایند، تا جایی که بی هیچ شبهه ای یکی از عوامل برتری و پیروزی بلوک غرب بر بلوک شرق در جنگ سرد را باید در موفقیت برنامه های رادیویی و ارسال

امواج بدون مرز ایستگاه های رادیویی بلوک غرب به درون مرزهای جغرافیایی و خانه های کشورهای موجود در بلوک شرق، جستجو نمود.

لذا امروزه رادیوهای بیگانه یکی از ابزارهای مهم و قوی جنگ نرم به شمار می روند، گردانندگان این رادیوها که هدفشان تخریب باورهای ملی و دینی و زیر سوال بردن ارزش های معنوی مردم ایران است می کوشند با پخش برنامه هایی خاص چهره جمهوری اسلامی ایران و باورهای دینی و ملی را

تیره و تار نشان دهند، به گونه ای که بیشترین بحث مطرح شده در این رادیوها به این قبیل مسائل در ایران اختصاص دارد.

۳. اینترنت

این فناوری، اگر چه دستاوردهای مثبتی دارد، ولی ابزار مهمی جهت تخریب فرهنگ های ناسازگار با آرمان سازی کشورهای غربی است.

اینترنت پدیده ای است که در آخرین دهه از قرن بیستم پا به عرصه وجود گذاشت. در اندک زمانی به گسترده ترین و سریع ترین وسیله اطلاعاتی مبدل شد. خبرگزاری ایسنا در گزارشی از وزارت ارتباطات و فناوری آورده است که تنها در چهار سال اخیر، تعداد کاربران اینترنت در کشور ۲۵ برابر شده و بیش از ۶۴ درصد از کاربران ایرانی در منزل هم از اینترنت استفاده می کنند که این مسأله نشان دهنده تمایل گسترده به استفاده از این ابزار اطلاع رسانی است.

ایران در سال ۱۳۷۰ برای اولین بار توسط مرکز تحقیقات فیزیک نظری و ریاضیات به شبکه جهانی اینترنت متصل شد و اولین ارتباط ایران با اینترنت به طور موقت و از طریق اُتریش و به وسیله پست الکترونیکی صورت گرفت.

رشد اینترنت در تمام دنیا به صورت انفجاری بوده است و این در حالی است که همانند سایر محصولات عصر نو ارتباطات، نگرانی هایی را نیز به دنبال دارد و به عبارتی هم سازنده است و هم مخرّب.

ص: ۶۷

جامعه شناسان معتقدند که یکی از شایع ترین نگرانی ها، ناشی از سهولت توزیع تصاویر و نوشته های مستهجن و غیراخلاقی است.

مسأله دیگر اعتیاد به اینترنت است؛ به طوری که از میان ۴۷ میلیون استفاده کننده از اینترنت در آمریکا ۲ تا ۵ میلیون نفر دچار اعتیاد اینترنتی شده اند و با معضلات زیادی دست در گریبان هستند، که با گسترش روزافزون اینترنت به زودی در ایران هم شاهد این مسأله خواهیم بود و مسأله آخر عوارض کار با رایانه برای کاربران اینترنت است که بیشتر وقتشان صرف کار با رایانه می شود.

«دکتر علی فرجام»، روانشناس اجتماعی، در مورد خطر اعتیاد اینترنتی می گوید: اعتیاد به اینترنت می تواند مشکلات جدی تحصیلی و خانوادگی برای مخاطبان درست کند و اگر استفاده کنندگان از اینترنت نتوانند به مدت یک ماه دوری از اینترنت را تحمل کنند در معرض خطر اینترنتی قرار دارند و متأسفانه ما شاهد افزایش این پدیده در میان جوانان هستیم؛ به طوری که بعضی از جوانان، شب ها را تا صبح با اینترنت می گذرانند و تمام مدت صبح را خواب هستند که این مسأله عواقب زیادی را به دنبال دارد.

وی می افزاید: ممکن است اعتیاد اینترنتی مانند سایر موارد اعتیاد آثار جسمی به دنبال نداشته باشد، ولی مشکلات اجتماعی که این معضل در پی دارد به وضوح، آن را به موازات دیگر موارد اعتیاد قرار می دهد.

وی در مورد عوارض اعتیاد اینترنتی تأکید می کند: در سال ۱۹۹۸ جامعه شناسان آمریکایی با مشاهده شمار بالایی از مشکلات مرتبط با اینترنت هم

چون طلاق، بی اعتنایی به فرزندان، از دست دادن شغل، مقروض شدن، فرار از مدرسه و مشکلات قضایی، مرکز اعتیاد به رایانه را در دانشگاه ها تأسیس کردند.

وی تصریح می کند: متأسفانه مبتلایان ایرانی کمتر حاضرند به مشکل خود اعتراف کنند و محرّک اصلی آنها برای

مراجعه به متخصصان عمدتاً بحران هایی است که در مسائل خانوادگی، تحصیلی و شغلی آنها رخ می دهد و دانشجویان یکی از مهم ترین اقشار آسیب دیده نسبت به اعتیاد اینترنتی هستند.

فرجام در خاتمه می افزاید: عده ای از دانشجویان ایرانی عمده اوقات فراغت خود را در اینترنت سپری می کنند و کار با اینترنت برای آنان جذاب تراز سایر فعالیت هاست و این در حالی است که استفاده از اینترنت بر زندگی و روابط شخصی دانشجویان اثر می گذارد. از این رو به دانشجویان توصیه می کنم که زمان مشخص و ثابتی را برای کارهای ضروری خود با اینترنت در نظر بگیرند و در صورت اضافه شدن این زمان به هر نحو ممکن از آن جلوگیری کنند.

۴. ماهواره

اشاره

عصری که در آن قرار داریم، عصر ارتباطات و عصر سلطه پدیده رسانه بر زندگی انسان هاست. بی گمان برنامه های رادیویی و تلویزیونی موفق شده اند افکار و عقاید انسان های بی شماری را دستخوش تغییر سازند. تمدن منحط غرب برای ترویج سکولاریسم اقدام به تأسیس هزاران شبکه رادیویی و

ص: ۶۹

تلویزیونی کرده است که به صورت شبانه روزی برنامه های گوناگونی را با این هدف پخش می کنند. متأسفانه دست یابی به این شبکه ها در کشور ما به سادگی و قیمت نازل فراهم آمده است. باید توجه داشت که وقتی سخن از ماهواره به میان می آید، ابتدا مسائل ضد فرهنگی آن جلب توجه می کند، سپس مسائل سیاسی، علمی و ورزشی ایفای نقش می نمایند. بیشتر شبکه های فارسی زبان ماهواره ای، در یک تقسیم بندی معمولی، به شبکه های سیاسی و غیرسیاسی تقسیم می شوند که براساس تحقیقات به عمل آمده تمامی این شبکه ها، با وجود هدف ها و سلیقه های گوناگون در هجوم به مبانی دینی به طور جدی اشتراک دارند و هر کدام با مأموریتی خاص به مقابله با اسلام برخاسته اند. این هجوم اگر چه آرام و خاموش آغاز شده، ولی اکنون شکل وسیع جدی تری یافته است و بسیار حساب شده، اصول و پایه های اعتقادی مردم را هدف قرار داده و با دقت ماهرانه ای تمام گروه های مختلف جامعه را در بر گرفته است.

الوین تافلر، نویسنده و منتقد اجتماعی، می نویسد: «تکنولوژی ماهواره ای و دیگر رسانه های جدید، فرهنگ های ملی را از هم می پاشند و این ارتباط متقاطع، به هر حال تهدیدی است برای هویت ملی که حکومت ها برای مقاصد شخصی خود، سعی در حفظ و انتشار آن دارند».

ص: ۷۰

تأثیرات منفی و مضرات ماهواره

الف- مضرات اقتصادی: مردم جهت خرید دستگاه های دریافت کننده امواج ماهواره ای مسلماً باید متحمل هزینه ای شوند. همین قضیه بخشی از درآمد ملی کشور را برای خرید دستگاه های خارجی صرف می نماید. بدون این که جایگزینی برای ارزسازی داشته باشد.

ضرر اقتصادی مهم تری نیز وجود دارد که با اقتصاد کلان کشور در ارتباط است و آن این تبلیغاتی که از طریق ماهواره ها جهت برخی کالاهای تولیدی تازه به بازار عرضه شده صورت می پذیرد، به طور سریع باعث برانگیخته شدن احساس نیاز در مردم می شود؛ چرا که برنامه ها همه با اهداف مشخص طراحی و ساخته می شوند و در هر قسمت آن نوعی تبلیغ جهت فروش و بازاریابی وجود دارد. منتهی با نهایت دقت و ظرافت مطرح می کنند به طوری که شاید حتی خریداران کالاهای ماهواره ای خود اعتقادی به الهام از ماهواره نداشته باشند و این نیز یک بخش کلان از درآمد ملی کشورها را صرف خرید کالاهای غیرضروری تبلیغ شده خواهد نمود که در نهایت به ضرر اقتصاد جامعه تمام خواهد شد.

ب- مضرات سیاسی: ممالکی که وظیفه پخش برنامه ها را بر عهده دارند اهداف سیاسی خاصی را دنبال می نمایند. کلیه برنامه ها، هدف دار و خط دهنده می باشند و چنان زیرکانه یک سری جنجال های سیاسی را به راه می اندازند که به سختی می توان ماهواره را نیز در ردیف علل پدید آورنده آن جنجال دانست.

ص: ۷۱

البته شاید بتوان گفت بخشی از موضع گیری های سیاسی برنامه های ماهواره ای، خود منشأ اقتصادی، اجتماعی وحتی نظامی دارند. به همین دلیل می توان گفت همه مضرات، اعم از اقتصادی، سیاسی و... با یکدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

استعمارگران از طریق ارائه برنامه های باب طبع جهان سوم و پخش اخبار، به دنبال برنامه های جذاب و پر تماشاچی هستند تا با دادن خبرهای مغالطه آمیز و فریبنده، جوسازی نموده و در این میان از همه مسائل به نفع خود بهره برداری نمایند.

ج- مضّرات اجتماعی، فرهنگی: برنامه های ماهواره ای با تکرار برخی عادات خاص غرب، چنان آنها را جزو عادت ما می کنند که گویی ما یک عمر با این عادت و رسوم زندگی کرده ایم. می دانیم که تغییر یک رسم یا عادت فی نفسه نمی تواند برای موجودیت اجتماعی یک جامعه خطرناک باشد. آن چه مخاطره انگیز است کمرنگ یا بی رنگ کردن فرهنگ اصیل یک جامعه است و فرهنگ هر جامعه متشکل از تک تک عادات و رسوم و شیوه های زندگی افراد همان جامعه می باشد. این جاست که تخریب معنوی یک جامعه و یا همان تهاجم فرهنگی و جنگ روانی مطرح می شود.

هر کودکی که در یک کشور به دنیا می آید، با ارزش ها و هنجارهای همان کشور رشد عقلی کرده، معیارهای درونی خود را تا حدودی با ارزش های جامعه منطبق می نماید. اگر چنین فردی به سنین حساسی قدم بگذارد و در این حین یک سری برنامه های ماهواره ای، کل ارزش ها و معیارهایش را در

هم شـکند، قابـل پیش بینی است که تنش های درونی او جهت وفق دادن خود با برنامه های متعارض، موجب از خود بی خود شدن و مسخ گشتن او خواهد بود.

۵. کتب و نشریات

کتاب در مقام قدیمی ترین ابزار تعلیم و وسیله ایجاد ارتباط، هدفی مناسب برای عرصه جنگ نرم و در عین حال مانند مدرسه، دانشگاه و خانواده ابزار مناسبی برای این هجوم در سطح تحلیل کلان می باشد.

به موازات کتاب در عصـر کنونی، نشـریه جایگاه ویژه ای به خود اختصاص داده است و به دلیل تنوع ساختاری و ماهوی و هم چنین سـهولت چاپ و توزیع توانسـته است، تا حدود زیادی جایگزین کتاب گردد. این دو ابزار را باید در پروسه جنگ نرم به عنـوان هـدف تهـاجم و ابزار تهـاجم مورد بررسـی قرار داد، زیرا که از یـک سوی در صـدد خواهـد بود که بـا تکیه بر ابزارها وترفندهای دیگر به توزیع کتب و نشـریاتی با محتوای متناسب با اهداف خویش در سطح بین المللی و داخلی- به وسیله ایادی و وابسـتگان فکری داخـل هر کشور- اقـدام ورزد و از سوی دیگر بـا عنـایت به این که روانشناسـی اجتمـاعی مردم کشورهای جهان سوم نشان دهنده این فرض است که هر چه نوشته شده و مکتوب در کتابی باشد، صحیح است، بر این امر اصرار نماید و پیام های فرهنگی و اهداف سلطه جویانه خویش را در سطور کتاب ها و نشریات به جهان سوم و کشورهای دیگر انتقال دهد.

ص: ۷۳

۶. روزنامه ها

در عصر حاضر، روزنامه به عنوان یکی از ابزارهای جنگ نرم است. روزنامه های کنونی به خاطر استفاده از تکنولوژی های جدید فنی و پیشرفت های چاپ و ارتباطات، در مدت بسیار کوتاهی تهیه و در چندین میلیون نسخه در سراسر جهان انتشار می یابند و حوادث، اخبار و اطلاعات روزمره را از نقاط مختلف عالم، چند ساعت پس از وقوع در اختیار خوانندگان قرار می دهند. روزنامه ها براساس نیازهای فوری جوامع بشری تهیه می شوند. روزانه در ساعات معینی که میلیون ها نفر در انتظار آن هستند منتشر می شود. به همین دلیل روزنامه به عنوان یک وسیله ارتباط جمعی- که قشرهای مختلفی از جامعه را دربر می گیرد- می توانداقراد و گروه های مختلفی را با عقاید، زبان ها و فرهنگ های متفاوت به یکدیگر نزدیک سازد و آنان را در جریان تازه ترین اخبار دنیا قرار دهد. بدین ترتیب، از لحاظ روانی و تبلیغات می تواند نقش بسزایی داشته باشد.

به طور کلی، روزنامه ها و مجلات یکی از ابزارهای سیاست خارجی و و تبلیغات کشورها به حساب می آیند. به طوری که مطابق با نظام های حاکم بر آنها عمل می کنند و مردم در زمینه های گوناگون اعم از درج آگهی و بازاریابی و تجارت به آنها رجوع می کنند.

روزنامه و مجلات به نوعی سخنگوی هر نظام بوده و با توجه به مقتضیات زمانی و در چارچوب مصالح و منافع ملی کشورها اقدام به انتقاد و دفاع می کنند و زبان مخصوص مطبوعاتی را به کار می بندند.

ص: ۷۴

۷. عکس ها و پوسترهای تبلیغاتی

عکس یکی از ابزارهای مهم تأثیرگذار بر مخاطب است. یک عکس با انتخاب سوژه ای مناسب، می تواند تأثیری چندین برابر نوشتار بر ذهن مخاطب باقی گذارد. مغز آدمی خود مانند دوربین عکاسی، تصویر بردار وقایع است و چشم به عنوان دریچه این دوربین منتقل کننده تصویر برگیرنده مغزی است.

در جنگ نرم استفاده از چنین ابزاری جهت تأثیرگذاری بر مخاطب از زمان بسیار دور مرسوم بوده است. از پخش پوسترهای تبلیغی حاوی عکس های مختلف از مناظر فریبنده و جذب کننده طبیعی در کشورهای سلطه گر گرفته تا عکس ها و تصاویر مستهجن، همگی حاوی انتقال پیام های فرهنگی هستند که از قدیم الایام در فهرست برنامه های تهاجم فرهنگی قرار داشته اند. منظره زیبا از زیبایی و برتری طبیعی این کشورها یا به عبارتی «بهشت دنیوی» خبر می دهد و در پی آنست که طبیعت کشورهای جهان را در قبال جغرافیای طبیعی این کشورها به «برزخ دنیوی» تشبیه و تداعی سازد. این در حالی است که با توزیع پوسترها و مجلات انباشته از عکس های مستهجن سعی بر آن دارد که موجبات انحراف اخلاقی نیروی انسانی کشورهای جهان سوم را فراهم آورد.

ص: ۷۵

۸. سینما

سینما از جمله وسایل سـمعی و بصـری است که تعیین جایگاه آن در ردیف فعالیت ها و محصولات رسانه ای و یا فعالیت های هنری ایجاد مشـکل می نماید. سـینما دارای نقاط مشترکی با تئاتر است، دارای نقاط همگنی با برنامه های تلویزیونی می باشد. اگر تئاتر را به سهولت بیشتری می توان در فعالیت های هنری جای داد و تلویزیون را به راحتی در بخش فعالیت های رسانه ای قرار داد، تعیین جایگاه سینما در یکی از دو شقوق محصولات سمعی و بصری کار مشکلی است.

پیدایش و گسترش سـینما، هم چون دیگر وسایل سـمعی و بصری، با هدف تفوق بر دیگران صورت نگرفته است، اما در مسیر تکامل تاریخی، بازتاب تأثیر فراوان سـینما در افکار، امیال، احساسات و رفتارهای مخاطبان، در جهت تأثیر بر افکار عمومی نیز از آن اسـتفاده شـد، از همین نقطه بود که سـینما از مرز یـک فعالیت هنری به وادی فعالیت رسانه ای گام نهاد، چرا که هـدف غایی فعالیت رسانه ای به واقع تغییر رفتار و یا ایجاد رفتار مورد نظر در مخاطب است.

لـذا بایـد به این نکته توجه داشـته باشـیم که فیلم های سـینمایی به همان گونه که در کارکرد مثبت خود می تواننـد در ساختن قهرمانـان و الگوهـای ملی، ارتقای روحیه مردم، تقویت وحـدت ملی، انگیزش ملت در جهت پشتیبانی از اهـداف ملی، جـذب افراد بی تفاوت و بی آبرو ساختن حریف نقش موثری

ص: ۷۶

ایفا کنـد، به همان انـدازه و حتی بیشتر، توانایی تخریب روحیه و انگیزش ملت و نابودی ارزش ها و هنجارهای حاکم بر جامعه را نیز دارا می باشد.

دانشجو: استاد لطفاً بفرمایید شیوه ها و تکنیک هایی که دشمن در جنگ نرم ممکن است از آنها استفاده کند کدام اند؟

استاد:

اشاره

من در پاسخ این سوال شما باز از بیانات خود مقام معظم رهبری استفاده کنم.(۱)

اختلاف افکنی، تفرقه و شایعه پراکنی

یـک بخش از جنگ روانی دشـمن دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، مـذهبی- شـیعه و سـنی- اختلافات جناحی، اختلافات صـنفی را ترویـج می کنند. در داخل مزدوران ایادی ای هم دارند که مقاصد آنها را در این جا به شکل های گوناگون عمل می کنند. این ها «شایعه پراکنی» می کنند.

القای یأس و ناامیدی

همیشه دشمنان بیرونی ملت ایران سعی کرده اند این «میکروب ها» را درون جامعه ایرانی رسوخ دهند:

«شما نمی توانید»، «شما قادر نیستید»، «آینده تان تاریک است»،«افقتان تیره است»، «بیچاره شدید»، «پدرتان درآمد».

۱- بیانات مقام معظم رهبری، حرم مطهر امام رضا (ع)، ۱/۱/۸۶.

سعی این بوده است که ملت ما را ناامید، کسل، بی اعتماد به نفس، تنبل و چشم به دست بیگانه بار بیاورند.

تهدید و ارعاب

من برنامه های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می کنم. اول:جنگ روانی، دوم: جنگ اقتصادی و سوم: مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی... جنگ روانی یعنی چه؟ هدف جنگ روانی مرعوب کردن است. کی را می خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی شوند... مسئولان را، شخصیت های سیاسی را، به قول معروف نخبگان را، این ها را می خواهند مرعوب کنند... اراده عمومی را می خواهند تضعیف کنند.

از شیوه ها و تکنیک های دیگر دشمن در عرصه ی جنگ نرم می توان به موارد دیگری اشاره کرد:

۱. ترویج فساد، ابتذال اخلاقی و فرهنگی

۲. ترویج فرهنگ جاهلی به بهانه ترویج فرهنگ ملی

۳. تبلیغ و ترویج عرفان های انحرافی استعمار ساخته

۴. ایجاد اختلاف و تفرقه مذهبی

۵. القای ناسازگاری میان ارزش ها و منافع فردی

۶. ترسیم چهره انعطاف ناپذیر و خشن از ارزش ها و دین

۷. وابسته دانستن ناکامی ها به پیروی از ارزش ها و تعارض آن با دانش بشری

۸. ترسیم تصویری استبدادی از حکومت دینی

ص: ۷۸

۹. تخریب چهره های افراد تأثیرگذار

۱۰. تهاجم به روحانیت

۱۱. تقدس زدایی از قرآن کریم و پیامبر اعظم (ص) و هجمه به مهدویت

۱۲. ذهنیت سازی برای کودکان از طریق بازی های رایانه ای

۱۳. تهاجم به فرهنگ، رفتار، تغذیه و سلامت ما

دانشجو: لطفاً درباره بازی های رایانه ای اگر توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم؟

استاد:

هر کدام از این موضوعات که عرض کردم نیاز به توضیحات مفصل دارد منتها وقت ما اجازه نمی دهد به همه ی آنها بپردازیم.

رسانه ی نو ظهور بازی های رایانه ای با قابلیت ها و ویژگی های خاص خود به جرأت می توان گفت که ضریب تأثیرگذاری و نفوذ خود را حتی از رسانه هایی چون سینما و تلویزیون نیز افزایش داده اند، از مهم ترین این ویژگی ها ماهیت تعاملی بودن بازی های رایانه ای است.

به دلیل همین ویژگی است که قرار گرفتن افراد (معمولاً کودکان و نوجوانان) در معرض بازی های کامپیوتری نگران کننده تر از قرار گرفتن آنها در معرض برنامه های تلویزیون و فیلم های سینمایی است.

زیرا این بازی ها از اصول یادگیری مانند هم ذات پنداری (الگو سازی)، تمرین، تکرار و پاداش و تقویت را به کار می گیرند.

ص: ۷۹

در بازی رایانه ای گرافیک، صدا و تعامل، ابتکار سیر داستان، کنجکاوی، پیچیدگی و تخیل، منطق، حافظه، بازتاب ها، مهارت های ریاضی، چالش حل مسأله و تجسم از جمله جنبه های فنی، روانی و فردی است که بازیگران را جذب این بازی ها می کند، کار مستقل مداومت در بازی، لذت بردن از بازی، مشارکت فعال، تعامل مشارکتی، ساختار گروهی، یادگیری، رقابت یا همکاری گروهی و فرصت های برابر در بازی از جمله عواملی است که در فرد برای ادامه ی بازی ایجاد انگیزه می کند.

و دقیقاً به دلیل همین خصوصیات است که به ابزاری تأثیرگذار در راستای جنگ نرم علیه دنیای اسلام و به خصوص انقلاب اسلامی ایران تبدیل شده است.

با توجه به آن چه ذکر شد بازی های رایانه ای به شوالیه های مجازی، قدرتمند و جذاب جنگ نرم استکبار تبدیل شده اند که در حال تخریب و تغییر تدریجی ارزش ها و هنجارهای انقلاب اسلامی و جهان اسلام هستند.

شوالیه های رایانه ای که در نبرد جنگ های صلیبی قرن جدید بدون هیچ گونه حساسیتی تا عمق خانه هایمان نفوذ کرده و ما دربی خبری با آغوشی باز به استقبال آنها رفته ایم و حتی هزینه ی مالی حضورشان را نیز در حال پرداخت هستیم، چنان چه با رویکردی مدبرانه با این سربازان رایانه ای برخورد نکنیم، به زودی و در نسل آینده باید هزینه های گزاف و جبران ناپذیر معنوی را نیز پرداخت کنیم.

ص: ۸۰

در این جا به نحوه تأثیرگذاری این شوالیه های رایانه ای و مصادیق آن اشاره ای اجمالی می کنم:

۱- خشونت و پرخاشگری

۲- تبلیغ فرهنگ برهنگی و نمایش صحنه های غیرمجاز اخلاقی

۳- تبلیغ فرهنگ غرب

۴- اصرار بر انجام خطا و گناه

۵- از بین بردن قبح گناهان

۶- ارائه ی نمادهای غیراخلاقی یا ضد اخلاقی

۷- اسوه سازی از شخصیت های غیر اخلاقی

دانشجو: استاد با توجه به حرکت دشمنان برای زدودن فرهنگ دینی، راه های مقابله با این حرکت چیست؟

استاد:

اشاره

راه های مقابله با جنگ نرم در محورهای ذیل خلاصه می شود:

۱. شناخت دشمن و اهداف او در جنگ نرم

بی تردید شناسایی دشمن و برآورد هدف، توان و تفکر وی، از الفبای مبارزه به شمار می آید چنین تحقیق وسیع و همه جانبه ای اندیشمندان را در شناخت درست رد پای انحراف یاری دهد. آگاهی و ابزار و شیوه های مورد استفاده یورشگران می تواند مسئولان و رزمندگان جبهه فرهنگی را در خلع سلاح مهاجمان کمک کند و نقشه های آنان را خنثی سازد. در سایه ی آشنایی با اهداف و مقابله اصولی با آن می توان از آسیب پذیری اقشار

مختلف جامعه در برابر توطئه ی دشمن جلوگیری کرد. پس سزاوار است چشم های بیدار و جست و جوگری وجود داشته باشد تا ضمن شناسایی اهداف، ابزار و شیوه های مورد استفاده دشمن، هر تغییر روشی را نیز یادآور شود.

۲. تقویت بینش دینی و سیاسی

یقین به حقایق با عظمتی چون آفریدگار جهانی، پیامبران الهی و رستاخیز نوعی تعهد در انسان پدید می آورد و میزان مصونیت او را در برابر یورش فرهنگی بیگانگان افزایش می دهد و می تواند چون سنگری نفوذ ناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نماید و سود جویان غرب را ناکام و ناامید سازد. چنین ایمانی جامعه را به جهت گیری صحیح رفتاری رهنمون می شود و از کجروی و ناهنجاری ها باز می دارد.

قرآن کریم دراین باره می فرماید: «...یهدیهم ربّهم بایمانهم...»(۱) پروردگارشان به سبب ایمانشان هدایتشان می کند.

نگاهی به سرنوشت اندیشمندانی که سال ها در اروپا و آمریکا به کسب دانش و تخصص پرداخته و پای بندی به اصول اعتقادی و مبانی فکری اصیل خود را هم چنان حفظ کرده اند و پس از بازگشت به میهن اسلامی، مردم را نیز به پیروی از آن فرا خواندند، به خوبی روشنگر این حقیقت است که ایمان درست و اعتقاد راسخ به اصول دین، انسان را در برابر امواج فساد غرب مقاوم می سازد.

۱- سوره یونس/ ۹

۳. دقت در برنامه های آموزشی و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان

کودکان با دل های پاک و اندیشه های شفاف برای پذیرش پیام های آموزشی و پرورشی از آمادگی ویژه ای برخوردارند. به گونه ای که آثار این پیام ها تا پایان زندگی در رفتار و کردار آنان باقی می ماند، به یاری این حقیقت دست اندرکاران مسائل فرهنگی باید از فرصت طلایی خردسالی سود برند و به یاری هنر، ورزش و انواع سرگرمی ها، ارزش والای اسلامی را در ژرفای وجود آنان جای دهند. البته روزگار نوجوانی و جوانی نیز ویژگی های خود را داراست و دولت باید با برنامه های مناسب و استفاده از کارشناسان مؤمن این دو قشر را از کجروی بازدارند و به سوی نیک بختی و سعادت هدایت کنند.

۴. احیای عزت نفس

از جمله راه های مبارزه با جنگ نرم، احیای روحیه عزت نفس در بین اقشار مختلف جامعه می باشد. بنابراین لازم است با تقویت این روحیه و زدودن احساس خود کم بینی مردم جامعه اسلامی را از تقلید کورکورانه از روش های زندگی بیگانگان بازداشت. در این باره امام صادق (ع) می فرمایند: «لباس دشمنان مرا نپوشید و غذای دشمنان مرا نخورید و به شیوه دشمنان من رفتار نکنید که شما نیز همانند آنان جزء دشمنان من خواهید شد»(۱)، پس لازم است این روحیه ترویج و تقویت شود تا زمینه ی پذیرش فرهنگ دشمن از بین برود.

ص: ۸۳

۱- بزهکاران جوان، ص ۱۰

۵. پیشگیری از عوامل نفوذ ی دشمن

عناصر خود فروخته ی فرهنگی مطبوعات و مجلات گمراه کننده- فیلم های مبتذل و... نمونه هایی از عوامل فرهنگی دشمن به شمار می آیند. نگاهبانی از ارزش های الهی، بینشی ژرف می طلبد، بینشی که در سایه ی آن همه ی عوامل فرهنگی غرب را شناسایی و کنترل نموده و در صورت لزوم طرد و منزوی سازد، حضرت امام خمینی (ره) در این رابطه فرموده اند:(۱)

«اگر در اساتید کسی پیدا شد که می خواهد انحراف ایجاد کند، او را ارشاد و اگر نشد از خود و کلاس خود طرد کنند».

۶. استفاده از همه ابزارهای ممکن برای دفاع فرهنگی

اگر دشمن برای شکست ما به هر وسیله ی ممکن چنگ می زند ما نیز باید به حکم دستور قرآنی «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه» از هر وسیله مشروع سلاحی بسازیم و از فرهنگ اسلامی خویش پاسداری کنیم، از یک سو باید امکانات فرهنگی هنری ورزشی را توسعه دهیم تا جوانان به تفریحات سالم روی آورند و از سوی دیگر باید هم کوشش های فرهنگی و... در دفاع از ارزش های الهی هدایت شود.

۱- صحیفه نور، ج۲۱، ص۱۹۵.

دانشجو: استاد از پیامدهای شوم جنگ نرم برایمان بگویید؟

استاد:

اشاره

پیامدهای شوم جنگ نرم بسیار خطرناك است. از دست دادن سیادت اسلامی و افول تمدن دیرپای آن، حاصل تلاش ویرانگر و همه جانبه ای است که غرب از دوران

رنسانس آغاز کرد. مهم ترین این آثار و پیامدها به قرار زیر است:

۱- پیروی کورکورانه از الگوهای فرهنگ مهاجم

بسیاری از از افراد کوردل، جاذبه های فرهنگی بیگانگان را تنها راه نیکبختی و پیشرفت می دانند و در همین راستا پوشش، آرایش، حرکات اجتماعی همه و همه به آهستگی رنگ و لعاب بیگانه به خود می گیرد.

۲- سست شدن بنیادهای اخلاقی و باورهای دینی

با سست شدن بنیان های دینی و در زیر بمباران فرهنگی قرار گرفتن، افراد معلوم الحال ریشه های عقب ماندگی خود را نه تنها در دسیسه های دشمنان، بلکه در باورهای به اصطلاح کهنه و واپس گرایانه ی خود می پندارند. با این روند جامعه از برنامه ی پیامبران، دور و در گرداب پلید باورهای مادی فرهنگ سلطه فرو می غلتد. به این ترتیب مردم زیر سلطه ی بیگانگان نه تنها خطرساز نیستند بلکه پذیرش برنامه های استعماری را نیز نشانه ی سربلندی، دانش و تمدن می پندارند.

ص: ۸۵

۳- دگرگونی ارزش ها

در کنار گسترش فرهنگ غربی و یا بیگانه، حقایق بلند و مقدسی مانند وفاداری، غیرت، شجاعت، دوستی، عشق، جوانمردی و پاکدامنی و... مفهوم خودرا از دست می دهند و ساده زیستی، عفاف، نوع دوستی، ایثار، دستگیری از افتادگان، کرداری ناپسند و زشت جلوه داده می شود. به این ترتیب، ایستادگی در برابر القائات فرهنگی بیگانگان امری ارتجاعی و واپس گرایانه ومقابله با پیشرفت و تمدن محسوب می شود و استقبال از آنان، نشانه ی رشد فرهنگی، روشنفکری و پای نهادن در دنیای ترقی و توسعه قلمداد می شود.

۴- گسترش فساد و بی بند و باری

گسترش فساد و بی بند و باری نیز یکی از عوامل مهم و مخّرب است که جوامع بشری را به سوی نابودی و هلاکت سوق می دهد. نتایج حتمی این بی بند و باری ها، از هم گسستن پیمان ها، روابط، اصول و ارزش های انسانی است. اسلام پیوسته با فساد، فسق و فجور و ظلم و تعدی مخالف بوده و هیچ گونه سهل انگاری را در این باره مجاز نمی داند.

با گسترش فساد، استعمارگران از این بی بند و باری به عنوان یک سلاح برنده در پیشبرد اهداف خود بهره می جویند و به این ترتیب نیرو و توان جوانان کشور را به گونه ای سمت و سو می دهند که، در راه سازندگی خود و کشورشان به کار گرفته نشود.

ص: ۸۶

۵- وابستگی سیاسی- اقتصادی

مردمانی که در دامان فرهنگ بیگانه پرورش یافته اند نه تنها به خطر کردن در راه رهایی کشور نمی اندیشند، بلکه تنها راه نجات را در انطباق دقیق و همه جانبه ی خود با برنامه های آنان می پندارند. به این ترتیب خودباختگان، با شتاب فراوان به اجرای برنامه های ارایه شده از سوی کارشناسان بیگانه می پردازند و طرح های ایشان را در بسته بندی های فریبنده ملی بر کشور تحمیل می کنند.

دانشجو: لطفاً بفرمایید چه عواملی دست به دست هم می دهد که دشمنان در جنگ نرم موفق شوند به تعبیر

استاد:

اشاره

پدیده های اجتماعی با علت و زمینه ی واحدی به وجود نمی آیند و برای بررسی و شناخت آن باید علل و عوامل متعددی را مورد شناسایی قرار داد. جنگ نرم پدیده ای اجتماعی است که دارای دو طرف مهاجم و مورد هجوم می باشد و علل و عوامل مربوط به هر کدام از آنها با یکدیگر متفاوت ولی با هم مرتبط می باشند. در این جا مناسب است به برخی از زمینه های داخلی و خارجی پیدایش جنگ نرم بپردازیم:

ص: ۸۷

الف) زمینه های داخلی پیدایش جنگ نرم

۱. بی توجهی نسبت به فرهنگ خودی

هر یک از جوامع انسانی، فرهنگ خاص خود را دارند، که طی سالیان متمادی در اثر خاطرات تلخ و شیرین در تاریخ سرزمین آنها شکل گرفته و به صورت فرهنگ آن سرزمین درآمده است که از آن به «فرهنگ خودی» تعبیر می شود. تا زمانی که فرهنگ خودی به حیات خود ادامه داده و قدرت هضم و دفع تازه های فرهنگ وارداتی را داشته باشد، هیچ گونه آسیبی نخواهد دید. ولی اگر فرهنگ خودی، پویایی، و جذابیت خود را از دست داده و قدرت انطباق با مقتضیات زمان را نداشته باشد، فرهنگ بیگانه به راحتی می تواند جایگاه خود را پیدا کند و فرهنگ خودی را به انحطاط و فراموشی سپارد.

از همین روست که همه ی ادیان الهی به ویژه دین مبین اسلام سعادت جامعه ی بشری را مساوی با احیا و احترام به اصول انسانی و معنویت می داند و همواره هشدار می دهد که برای حفظ ارزش های انسانی در جامعه همه باید کوشا باشند.

در اسلام عنصر مهم «امر به معروف و نهی از منکر» یکی از مصادیق بارزی است که به صورت یک موتور نیروبخش عمل کرده و به فرهنگ جامعه، پویایی و حیات مستمر می بخشد. عمل به این فرضیه ی الهی، از غفلت و بی توجهی نسبت به فرهنگ غنی اسلامی جلوگیری می نماید و ترک آن،

ص: ۸۸

سلطه ی فرهنگی بیگانگان بر جامعه ی اسلامی را به دنبال خواهد داشت، از این رو در دین اسلام به اجرای آن تأکید فراوانی شده است.

۲. خودباختگی فرهنگی

حالت خودباختگی بیش تر ناشی از «خود کم بینی و احساس حقارت» در قبال پیشرفت و موفقیت های دیگران است. لذا استکبار جهانی با دست یافتن به پیشرفت های مادی، چنین تبلیغ می کند که علت پیشرفت های مختلف و شگفت آور جهان غرب ناشی از فرهنگ آنها است. امام خمینی (ره) در این باره می فرماید: «یکی از مصیبت های بزرگی که برای این ملت به بار آورده اند این که ملت را نسبت به خودشان هم بدبین کرده اند... یعنی ما خودمان را باختیم در مقابل آنها».

و در جای دیگر می فرماید: «ما آن چیزی که داشتیم کنار گذاشتیم، آن چیزی هم که آنها داشتند نتوانستیم پیدا کنیم، یک چیزی که نه شرقی و نه غربی و نه اسلامی و نه اروپایی، هیچی، بله شرقی هستیم، به معنای همان شرقی استعماری. غربی هستیم، به معنای همان غربی استعماری. از این باید بیرون بیاییم. مادامی که این مرض را ما داریم، این مرض نمی گذارد یک حال صحتی برای ما

پیدا بشود. از این مرض باید بیرون بیاییم».(۱)

۱- گلچین ۱۱ گزیده ای از اندیشه ها و آرای امام خمینی (ره)- خودباوری کمیته فرهنگی ستاد یکصدمین سال میلاد امام خمینی (ره).

۳. تجمل گرایی و رفاه طلبی

یکی از محورهای اصلی استکبار در جنگ نرم، القای روحیه ی رفاه طلبی و دنیاگرایی می باشد. دشمن در کشورهای اسلامی طرح های مختلف و متنوعی را برای سست کردن عقاید و اصول فرهنگ جوامع مستقل پی ریزی می کند.

یکی از عوامل فرهنگی که باعث موفقیت اسلام و وحدت پیروانش می شود، تأکید بر عدم وابستگی و دلبستگی مسلمانان به زر و زیور دنیوی و هواهای نفسانی است که این امر باعث می شود که دل های آنان همواره متوجه خدا بوده و خدا، محور اصلی وحدت برای همه باشد. استکبار جهانی به این نتیجه رسید که اگر روحیه ی دینی در میان مسلمانان دست نخورده باقی بماند نه تنها نمی تواند برآنها سلطه یابد، بلکه اسلام خطر بالقوه ای برای برچیدن بساط استکباری آنها در سراسر جهان خواهد بود. بر این اساس درصدد از بین بردن روحیه ی مقاوم و جهادی مسلمین برآمدند.

اولین تهاجم فرهنگی با نیت تخلیه و استحاله ی روحی و معنوی جوانان مسلمان در «اندلس» (اسپانیای فعلی) به آزمایش گذاشته شد و متأسفانه نتیجه ی مثبتی برای دشمن به ارمغان آورد. آنها به راحتی توانستند از طریق بد حجابی و وسایل عیش و نوش و دیگر عوامل نفسانی، جوانان رزمنده و سلحشور را به کاباره ها کشانده، کم کم از ملت مسلمان اندلس روحیه ی جهادی و دنیاگریزی را بگیرند.

«دین زدایی» امروزه در دستور کار استکبار جهانی است و تمام تبلیغات خود را صرف این کار می نماید. پخش عکس های مبتذل در مدارس، ایجاد مدل های مختلف لباس غربی، پخش فیلم ها و نوارها و کتب ضاله، ایجاد روحیه و تفکر تجمل گرایی و رفاه طلبی در جامعه، از دیگر فعالیت های غرب برای مبارزه با فرهنگ اصیل اسلامی می باشد.(۱)

۴. عدم شناخت صحیح دین و بی توجهی در عمل به آن

یکی از عوامل مهم سلطه پذیری ممالک اسلامی، عدم درک و شناخت صحیح مسلمانان از فرامین دینی و احکام شریعت است. اگر آگاهی مسلمانان بر این که قرآن مجید با تأکید فراوان هر گونه سلطه ی سیاسی و اقتصادی و... بیگانگان را برمسلمانان نفی و منع کرده، به هیچ وجه سلطه ی دشمنان و غیرمسلمانان را نمی پذیرند.

وجود حکام جور و سرسپرده باعث عدم آگاهی ملت ها از حقایق اسلامی شده است. به عنوان مثال حکام عربستان، شهر مقدس مکه را به دست غارتگران آمریکایی سپرده تا جلوی بیداری و آگاهی مسلمانان جهان را بگیرد و از حضور و نفوذ بیشتر انقلاب اسلامی در مراسم جهانی حج بکاهد. و این مصداق روشن سلطه ی بیگانه بر بلاد مسلمین است و جا دارد که مسلمانان جهان بر ضد آن قیام کنند.

برای رهایی از این مشکل، باید مسلمانان را نسبت به تکالیف و احکام دینی آشنا و مقید ساخت و به شیوه های مختلف علمی و تبلیغی، ملت ها را آگاه

۱- تهاجم فرهنگی، ص۳۶.

کرد که بر ضد رژیم های حاکم که مانع اجرای احکام اسلامی هستند به پاخیزند. در غیر این صورت مسلمانان عزت و استقلال خود را از دست می دهند و سلطه ی بیگانگان بر آنها بیشتر خواهد شد.

ب) زمینه های خارجی پیدایش جنگ نرم

اشاره

منشأ اصلی تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، اوضاع و شرایط سیاسی، اجتماعی خارجی، به خصوص وضعیت بحرانی کشورهای استعماری می باشد.

وقتی کشورهای بزرگ صنعتی دچار بحران های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شدند، تنها راه چاره را در انتقال این بحران به جوامع غیرصنعتی یافتند، به این صورت که با تسخیر کشورهای عقب افتاده، علاوه بر تأمین مواد اولیه و کارگر ارزان، با ارسال متخصصان، کارمندان و کالاهای مصنوعی خود به این جوامع، مشکل تورم و بیکاری خود را تا حدودی از این طریق حل کردند. در این قسمت عمده ترین عوامل خارجی پیدایش جنگ نرم را بر می شمریم:

۱. تبلیغ علیه ادیان الهی

دشمنان ادیان الهی همیشه سعی می کنند دین را از صحنه و متن زندگی خارج نموده و آن را به حاشیه برده و امری غیرضروری جلوه دهند. زیرا دین حقیقی را مانع چپاولگری و غارت خود می بینند.

ص: ۹۲

آنان برای رسیدن به این هدف، تمام امکانات خود را بسیج می کنند و با تبلیغات گسترده دامنه دار سعی دارند چهره ی دین را نامطلوب، ناقص، عقب افتاده و در یک کلمه، غیرضروری و بی اهمیت نشان می دهند.

اگر قوانین و مقررات الهی در بین جامعه سست، تضعیف و تحریف شود، گردنکشان به راحتی می توانند به اهداف شوم استکباری خود دست یابند. به همین دلیل سعی می کنند قوانین الهی را به اشکال مختلف مورد هجوم قرار داده تا بتوانند به امکانات و ذخایر مادی ومعنوی کشورها، خاصه مسلمانان چنگ انداخته و زمینه را برای هرگونه تاخت و تاز و تهاجم فراهم نمایند. بنابراین مستکبران دین را مانع اصلی خود می بینند، از این رو با تمام توان آن را مورد تهاجمات خود، خاصه تهاجم فرهنگی قرار می دهند.

حمایت پنهانی از جریان های واپس گرایانه در کشورهای اسلامی برای خدشه دار کردن چهره ی راستین اسلام و روی آوردن جوانان مسلمان به فرهنگ منحط غرب، راه دیگری از وارد آوردن ضربه های تهاجمی غرب به فرهنگ های بومی و غنی اسلامی است. چنان چه در شرایط کنونی، کاخ سفید با اجرای طرح های صهیونیستی اسراییل در افغانستان، عراق و لبنان و دیگر کشورها سعی در محو ارزش های دینی اسلام و فراهم آوردن حضور استعمارگرانه ی بیشتر خود در کشورهای اسلامی دارند.

ص: ۹۳

۲. برتری نژادی

قوم گرایی و نژادپرستی همواره یکی از معضلات بشریت بوده و می باشد. از زمان های گذشته تاکنون درگیری و اختلافات نژادی بدترین نوع جنگ ها بوده و بیشترین خونریزی را به دنبال داشته است. امروزه با وجود ادعاهای فراوان مبنی بر پیشرفت فرهنگ و تمدن بشر، هنوز هم شاهد تصفیه های خونین قومی ونژادی در اطراف و اکناف دنیا هستیم که یکی از نمونه های فاجعه آمیز آن، جنایات صرب ها علیه ملت مسلمان و مظلوم بوسنی، آن هم در در قلب اروپای به ظاهر متمدن می باشد.

قرآن، فلسفه ی اصلی اختلاف رنگ، پوست، زبان، قبیله و نژاد را عامل تسهیل در شناسایی گروه های مختلف از یکدیگر می داند. «... و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا...»؛ شما را ملت ها و قبیله ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید.... (۱)

اما بشر با برداشت نادرست از این فلسفه ی خلقت، آن را پایه ی اصلی اختلاف برتری طلبی خود قرار داد و جنگ های فراوانی به راه انداخت که از جمله ی آنها دو جنگ جهانی اول و دوم بود که مایه ی خسارت فراوانی بر زندگی بشر شد.

بنابراین تا زمانی که این حس غیراخلاقی و زشت بر انسان ها و دولت ها، حکومت می کند، زمینه ی جنگ و تهاجم نیز وجود خواهد داشت، کما این

۱- سوره حجرات/ ۱۳

که در حال حاضر نیز شاهد تهاجمات فرهنگی مبتنی بر حس برتری طلبی غربی ها به رهبری آمریکا، علیه کشورهای دیگر می باشیم.

۳. رشد صنعت و تکنولوژی

از زمانی که کشورهای اروپایی از سلطه ی جو خفقان قرون وسطایی نجات یافتند، تحول چشم گیری در زمینه ی علوم و صنایع به دست آوردند. این پیشرفت فنی و تکنولوژی اگر چه در بسیاری از زمینه ها به خدمت بشریت شتافت؛ اما به علت فقدان روحیه ی الهی و معنوی و انسان دوستانه، صاحبان این تکنولوژی، خسارت جبران ناپذیری را نیز برای بشریت به بار آوردند. کشورهای صنعتی، سلاح های مرگبار و مخرب ناشی از تکنولوژی جدید را به خدمت حس نژادپرستی قدیمی خود گرفته و در سطح گسترده تری دست به تهاجم زدند.

پیدایش ماشین های صنعتی تحول عظیمی در جوامع بشری ایجاد کرد، همان کسانی که برای تهیه نان شب، دچار مشکل بودند، آنهایی که برای تولید نخ و پارچه می بایست هفته ها و ماه ها روی دوک نخ ریسی تلاش کنند تا شاید چند متر پارچه ببافند، بعد از انقلاب صنعتی به مدد وسایل پیشرفته، به کالاهای فراوانی دست یافتند تا جایی که جمعیت آنها قادر به مصرف آن همه کالای انباشته شده نبود و حتی تولید فراوان برای آنان مشکلات عدیده ای ایجاد کرد. از جمله ی این مشکلات موارد زیر را می توان برشمرد:

۱. مشکل کالاهای مازاد بر مصرف و باقی مانده در انبارها

ص: ۹۵

۲. کمبود مواد اولیه ی مورد نیاز کارخانه ها و صنایع

۳. مواجهه با مشکل بیکاری به دلایل جایگزینی ماشین به جای انسان

۴. نیاز به بازارهای مصرف جهانی دائمی و مقرون به صرفه

این موارد، بلافاصله پس از انقلاب صنعتی گریبانگیر کشورهای صنعتی شد و آنها را به ورشکستگی نزدیک کرد. در نهایت چاره ی مشکل را در انتقال این بحران به کشورهای غیرصنعتی دیدند و در واقع استعمار به معنی دقیق از این جا آغاز شد.

استعمار برای دست یابی به مقاصد فوق از حربه ی تهاجم فرهنگی استفاده کرد. و با این شعار که کشورهای پیشرفته و صنعتی، ملل متمدن، و جوامع غیرصنعتی ملل وحشی هستند، و این که کشورهای متمدن وظیفه ی تعمیر و آبادانی کشورهای عقب مانده را به عهده دارند، اذهان عمومی را برای هجوم و اشغال نظامی آماده کردند و سپس دست به تجاوز علیه کشورهای غیرصنعتی زدند.

بسیاری از کشورها فریب این شعارها را خورده و باور کردند که آنها واقعاً برای نجات کشورهای عقب مانده تلاش می کنند. به خصوص وقتی دیدند، استعمار پس از وارد شدن در هر سرزمین برای تهیه ی امکانات رفاهی و تأسیس جاده، راه آهن و غیره اقدام می کند، براعتمادشان افزوده شد. غافل از این که این اقدامات برای سهولت در امر غارت مواد اولیه و منابع ارزشمند نهفته در آن سرزمین بود.

ص: ۹۶

کشورهای استعماری موفق شدند با استفاده از تهاجم به فرهنگ ملل مختلف حضور همه جانبه ای در کشورهای توسعه نیافته پیدا کنند و هم زمان با غارت منابع اقتصادی به تحقیر فرهنگی این جوامع بپردازند؛ به طوری که به ملت ها تلقین کنند که بدون کمک کشورهای صنعتی ادامه ی حیات و دسترسی به صنایع پیشرفته محال می باشد. اما این وضع چندان طول نکشید و بالاخره برخی از ملت ها بیدار و متوجه شدند که حضور استعمار چیزی جز فقر و فلاکت برای آنها به جای نمی گذارد، بر این اساس ملت های آسیایی، آفریقایی و آمریکای لاتین که سال ها در زیر یوغ استعمار مورد استثمار واقع شده بودند به فکر استقلال افتاده و مبارزات چشمگیری را برای اخراج بیگانگان از سرزمین خود آغاز کردند.

۴. وابستگی فرهنگی زمینه ساز سایر سلطه ها

دوام و قوام هر جامعه به فرهنگ آن جامعه است چنان چه ملتی در حفظ اصول و ارزش های فرهنگی خود موفق باشد، در سایر زمینه ها نیز موفق خواهد بود. اما

ملتی که در پاسداری از فرهنگ خود کوشا نباشد شکی نیست که این جامعه در مسیر تهاجم فرهنگی دشمنان خود، علاوه بر پذیرش سلطه ی فرهنگی بیگانگان ناچار است سلطه های سیاسی و اقتصادی و نظامی آنان را نیز بپذیرد. چون فرهنگ به مثابه ی موتور محرک، مایه ی شکوفایی ذهن های خلاق و مستعد می باشد و در سایه ی فرهنگ زنده و مبارز است که افراد جامعه به رشد و استقلال سیاسی، اقتصادی می رسند. بنابراین رسیدن به

خودکفایی اقتصادی، سیاسی و نظامی، زمانی میسر است که استقلال فرهنگی وجود داشته باشد.

نظام های منحط سرمایه داری، پس از سال ها تجربه و آزمایش به این نتیجه رسیده اند که مهم ترین مانع توسعه طلبی آنها در کشورهای جهان سوم قدرت فرهنگی این ملت هاست و تا زمانی که علایق مذهبی جوامع مذکور دست نخورده باقی بماند، چپاول منافع آنان امر مشکلی خواهد بود. لذا به این فکر افتادند که قبل از هر چیز سلطه ی فرهنگی را کامل کنند.

پس از سلطه ی فرهنگی است که احساس حقارت و پوچی و ناتوانی در روح ملت ها بسیار آسان ایجاد خواهد شد و آنها کم کم به این یقین دروغین می رسند که قدرت انجام هیچ کار عظیم و مهمی را ندارند و بایستی تا آخر عمرشان تابع و تحت سلطه ی سیاسی، اقتصادی بیگانگان بمانند.

پس از ایجاد چنین باورهایی است که دشمن می تواند سلطه ی اقتصادی، نظامی خود را نیز تکامل بخشیده و به آسانی مقدرات امور ملت ها را در دست بگیرد. ملت های جهان به ویژه ملل مسلمان مدت ها است که در خطر چنین تهاجمی قرار گرفته اند.

بنابراین برای جلوگیری از سلطه ی فرهنگی و به تبع آن سلطه ی اقتصادی دشمن، ایجاد حساسیت دو جانبه ضروری می باشد. از یک طرف حساس بودن به فرهنگ خودی که بایستی به مثابه ی روح جامعه تلقی و مورد احترام قرار گیرد که البته بستگی زیادی به توجه و عملکرد کلیه ی مسئولان مملکتی دارد. از طرف دیگر حساسیت شدید به فرهنگ مهاجم غرب.

ص: ۹۸

دانشــجو: امروز در محاورات و ادبیات سیاسی از کودتای مخملی یا (انقلاب های رنگی) زیاد سخن به میان می آید در این باره هم توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم

اشاره

دانشجو: امروز در محاورات و ادبیات سیاسی از کودتای مخملی یا (انقلاب های رنگی) زیاد سخن به میان می آید در این باره هم توضیحاتی بفرمایید ممنون می شویم.(۱)

استاد:

کودتای مخملی یا انقلاب رنگی از شیوه های براندازی نرم و نوعی سرنگون کردن حاکمیت و جابه جایی قدرت به وسیله تحولات سیاسی است که به شیوه های آرام و مسالمت آمیز جلوه گر شده است و از شیوه مبارزه منفی و نافرمانی مدنی نیز بهره می گیرد. این واژه برای نخستین بار از سوی «والسلاو هادل»، رئیس جمهور پیشین چک که در آن زمان رهبر مخالفان چکسلواکی سابق بود به ادبیات سیاسی وارد شد. این طرح و ایده به ترتیب در یوگسلاوی (۲۰۰۰ م)، گرجستان (انقلاب گل رز، ۲۰۰۳ م)، اوکراین (انقلاب نارنجی، ۲۰۰۴ م) و قرقیزستان (انقلاب لاله ای، ۲۰۰۵ م)، لبنان و بلاروس (ناکام، ۲۰۰۵-۲۰۰۶ م) صورت گرفت که عمدتاً به صورت نمادین، نام انقلاب رنگی به خود گرفتند.

بررسی های صورت گرفته در خصوص انقلاب های رنگی نشان می دهد که در وقوع چنین حرکت هایی، عوامل متعدد داخلی و خارجی نقش دارند و از پیامدهای چنین انقلاباتی تأثیر پذیرفته و منتفع یا متضرر می شوند. و انگیزه آن تغییر رژیم، نتیجه آن، به قدرت رسیدن احزاب و شخصیت های دموکراتیک و غرب گرا می باشد.

ص: ۹۹

۱- ۱. اقتباس از «بصیرت پاسداری ۲»، ص۲۵ به بعد.

شاید تصور شود کودتای مخملی که در سال های اخیر از آن صحبت می شود پدیده ای جدید در حوادث سیاسی جهان می باشد. صاحب نظران سیاسی انقلابات مخملی را نسخه قرن بیست و یکمی کودتاهای قرن بیستمی در کشورهای جهان می دانند که توسط کشورهای بیگانه انجام می شود است.

این مدل جدید کودتا که آن را «کودتای هوشمند» نیز نام نهاده اند سابقه بسیار قدیمی دارد و نمونه های از آن را در تاریخ ملل مختلف می توان یافت.

پس انقلابات مخملی به حرکت های اعتراضی گفته می شود که به منظور تأثیرگذاری در شرایط سیاسی یک کشور با ویژگی های زیر سازماندهی و اجرا شود:

۱. معمولاً بعد از انتخابات است و به منظور تغییر در نتایج انتخابات انجام می شود.

۲. از نمادهای رنگین برای هماهنگی در عملیات و بزرگنمایی استفاده می شود.

۳. از کمک های مالی، رسانه ای و سیاسی دول خارجی برخوردار است.

۴. طرف پیروز انتخابات ممکن است دارای ضعف ها، خطاهایی باشد که از آن برای بدنام کردن او استفاده می شود.

در این کشورها در صورتی که نتایج انتخابات به ضرر کشورها و بعضی گروه های داخلی باشد، آنها در یک حرکت هماهنگ و با استفاده از چهار اهرم:

۱. فشار از پایین (تحصن، تظاهرات و اردوکشی های خیابانی)،

۲. بمباران تبلیغاتی توسط رسانه های فرامرزی،

۳. موضع گیری های سیاسی در سطوح بالای کشورهای ذینفع

۴. بزرگنمایی بعضی نقایص و اشتباهات دولتمردان (حتی تهمت های ساختگی و جعلی)

گروه بازمانده انتخابات، جو جامعه را به سمتی سوق می دهند که مردم را نسبت به رأی خود مردد و مسئولین را نسبت به انتخابات مجدد متقاعد می کنند. بدین ترتیب طرف بازنده مظلوم نمایانده شده و احساسات مردم به او به عنوان ناجی تحریک می شود و در نتیجه در انتخابات مجدد شانس بسیار بیشتری برای پیروزی دارد.

دانشجو: پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۸ در رسانه ها از بنیادهای طراح و حامی کودتای مخملی خیلی صحبت می شد مخصوصاً بنیاد سوروس، در این زمینه هم توضیحاتی بفرمایید؟

استاد:

بلی دشمنان نظام پس از این که نتوانستند از طریق جنگ سخت یعنی جنگ تحمیلی بر علیه ما، انقلاب اسلامی را از میان بردارند، با تأسیس و راه اندازی مؤسسات در غالب و پوشش حمایت از حقوق بشر، دموکراسی و آزادی و فعالیت های فرهنگی، اجتماعی، آموزش و امور خیریه سناریوی براندازی

ص: ۱۰۱

خود را طراحی و به اجرا گذاشتند. بنیاد سوروس(۱) یکی ازفعال ترین نهادهای حامی انقلاب های رنگین است که حضور مستقیمی در تحولات کشورهای تازه استقلال یافته در سال های اخیر داشته است.

سوروس در اصل یک یهودی مجارستانی است که در سال ۱۹۳۰ در بوداپست به دنیا آمده است. او در سال ۱۹۴۷ به غرب گریخت. در دانشگاه لندن درس اقتصاد خواند و بسیار تحت تأثیر اندیشه های «کارل پوپر» قرار گرفت. وی در سال ۱۹۵۶ به آمریکا رفت و از طریق معاملات ارز، ثروت هنگفتی اندوخت.

سوروس موسسه جامعه باز را در سال ۱۹۷۹ در نیویورک ایجاد کرد. امروزه او شبکه ای از این قبیل موسسات را در سر تا سر اروپای مرکزی و شرقی، شوروی سابق و آسیای مرکزی و هم چنین آفریقای جنوبی، گواتمالا و ایالات متحده و... دارد. او هم چنین کتاب هایی نیز در زمینه های مختلف سیاسی اقتصادی چاپ و منتشر کرده است. همچنین موسساتی چون «بنیاد ملی برای دموکراسی» و «موسسه خانه آزادی» را نیز زیر نظر دارد.

جرج سوروس، یهودی مجاری الاصل، رئیس «شورای روابط خارجی» آمریکا نیز هست. این شورا حدود ۴۰۰۰ عضو شامل اعضای سابق سازمان سیا، نمایندگان رسانه ها، سیاستمداران و اشخاص سرشناس دانشگاهی دارد، در سال ۱۹۹۸ با طرح خروج میلیاردها دلار از کشورهای اندونزی و مالزی فشارهای خرد کننده اقتصادی و سیاسی به آنها وارد کرد.

۱- همان مدرک، ص ۵۱ به بعد.

برای اولین بـار در سال ۱۹۹۷ (۱۳۷۶) و در جریان بحران ورشکسـتگی مالی و اقتصادی کشورهای جنوب شـرق آسیا نام بنیاد سوروس بر سـر زبان ها افتاد، به باور کارشـناسان بنیاد سوروس با داشـتن پشـتوانه مالی و سیاسـی به عنوان یکی از ابزار فشار و نفوذ آمریکا و رژیم صـهیونیستی در مناطق مختلف ایفای نقش می کنـد. این بنیاد از پنج روش یعنی از طریق ارتباط با احزاب مخالف، مطبوعات، رسانه ها، تشـکیلات غیر دولتی و دولتمردان در کشورهای مورد نظر سعی در برآوردن اهداف واشنگتن و تل آویو دارد.

سوروس فقـط در سال ۲۰۰۳ میلادی مبلغی معادل ۲۰ میلیون دلار به منظور حمایت از جنبشـهای اصـلاح طلب در پنـج کشور آسیای مرکزی یعنی قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان هزینه کرده است.

او حتی در مصـاحبه ای که در مـاه جولای سال ۲۰۰۴ بـا روزنـامه لوس آنجلس تـایمز داشت اعلام کرد که «من دوست دارم سناریو مشابه به وقایعی که در گرجستان به وقوع پیوسته اند، در پنج کشور آسیای مرکزی تکرار شوند».

«ادوارد شواردنـادزه» رئیس جمهـور سـابق گرجسـتان پس از مجبـور شـدن بـه اسـتعفا اقـدام به افشـاگری در مـورد نقش بنیـاد آمریکایی- صهیونیستی در حوادث ۲۰۰۳ گرجستان کرد و جورج سوروس میلیاردر یهودی الاصل آمریکایی را متهم کرد که با اختصاص چنـدین میلیون دلار به اغتشاشات در گرجسـتان برکناری وی را رقم زده است. ادوارد شواردنادزه همچنین گفت: «جورج سوروس از جنایت کارانی است که باعث ایجاد تغییر نظام سیاسی گرجستان شد».

ص: ۱۰۳

جالب این که پس از تشکیل دولت جدید در گرجستان اعلام شد که چهار تن از اعضای دولت جدید گرجستان شامل وزرای آموزش و پرورش، دادگستری، دارایی و ورزش جوانان وابسته به میلیاردر یهودی آمریکایی هستند. این چهار نفر قبلاً کارمند دفاتر جورج سوروس بوده اند و سالیان متمادی از این سرمایه دار یهودی الاصل آمریکایی پول می گرفتند تا برنامه های او را در گرجستان اجرا کنند.

سوروس سایه خود را بر انقلاب نارنجی اوکراین نیز گسترد. بنیادهایی با نام مدافعین دموکراسی و حقوق بشر مانند قارچ های سمی در اوکراین روئیدند. سازمان های غیردولتی مانند انستیتوی ملی دموکراسی (NDI) تحت رهبری مادلین آلبرایت، انستیتوی بین المللی جمهوری

(IRI) به رهبری جان مک کین، سازمان خانه آزادی متعلق به «جیمز ولزی» رئیس سابق سازمان سیا و انستیتوی «جامعه باز» که متعلق به «جرج سوروس» است، کار شروع انقلاب در اوکراین را در تاریخ ۱۷ فوریه ۲۰۰۲ در کی یف آغاز کردند.

ردپای سوروس را می توان در ارمنستان، تاجیکستان، قزاقستان، قرقیزستان و آذربایجان نیز جستجو کرد که اغلب در قالب حمایت از برخی NGO ها و مطبوعات مشاهده نمود.

یکی دیگر از اقدامات بنیاد سوروس در کشورهای آسیای میانه به ویژه آذربایجان، آلوده ساختن جمعیت جوان این کشورها است. در همین ارتباط روزنامه «اولایلار» وابسته به وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان از تلاش

بنیاد مـذکور برای گسترش مواد مخدر در این کشور در پوشـش برنامه مبارزه با مواد مخدر خبر داد تا از این طریق جوانان این کشور را فاسد نماید.

از سوی دیگر با توجه به بافت مـذهبی جمهوری آذربایجان بنیاد سوروس برای از هم پاشـیدن بنیادهای اجتماعی و مذهبی این کشور تلاش می کنـد علاوه بر این نمایندگی بنیاد مذکور در آذربایجان تاکنون ۲۰ میلیون دلار در راستای فعال سازی رسانه ها و سازمان های غیر دولتی علیه دولت این کشور هزینه نموده است.

بنیاد سوروس در کنار بنیاد رسانه ای رابرت مرداک (امپراطور یهودی رسانه های خبری)، دومین سازمان رسانه ای جهان است که بیشترین شـبکه هـای تلویزیونی، خبرگزاری، سـایت ها، خبرنامه ها و روزنامه ها را در سـطح جهان مـدیریت و هـدایت می کنـد، اما تفاوت این است که فعالیت رسانه ای مرداک (مردوخ) آشـکار است و جسورانه در اداره و خرید شـبکه های بزرگی چون فـاکس نیوز تـا الجزیره و حتی رسـانه هـای آسـیای دور ظاهر می شود، ولی سوروس بیشتر اصـرار دارد مشـی نهان را در خرید و هدایت رسانه ها ایفا کند.

بنیاد سوروس از موسسات و مراکزی که به دنبال ایجاد «نافرمانی مدنی» در جمهوری اسلامی ایران هستند نیز حمایت می کند. مهم ترین مورد آن، حمایت و پشتیبانی بنیاد سوروس از مرکز آمریکایی «ویلسون» است که «هاله اسفندیاری» از مدیران بخش خاورمیانه ای آن می باشد. طبق اعتراف اسفندیاری، بنیاد سوروس با حمایت از برنامه خاورمیانه ای مرکز ویلسون، به

دنبال ایجاد یک شبکه ارتباط غیر رسمی در ایران در جهت عملی نمودن اهداف براندازی نرم بوده است.

وزارت اطلاعات مدتی بعد از دستگیری هاله اسفندیاری در ۱۸ اردیبهشت و تحقیقات از وی اعلام کرد که اسفندیاری

به عنوان یکی از مدیران موسسات مرتبط با سوروس از تلاش این بنیاد برای اجرای براندازی نرم در ایران پرده برداشته است.

در گزارش وزارت اطلاعات آمده بود: هاله اسفندیاری که مدیر و موسس برنامه خاورمیانه مرکز «ویلسون» در آمریکا است، به عنوان مرکز حلقه اتصال ارتباط ایرانیان با سازمان ها و نهادهای آمریکایی عمل کرده است.

هاله اسفندیاری تصریح کرده است: فعالیت ها و برنامه های مربوط به ایران در برنامه خاورمیانه مرکز ویلسون، از طریق بنیاد آمریکایی سوروس، حمایت و پشتیبانی مالی شده است.

همکاری اسفندیاری با وزارت اطلاعات موجب شد که مدیر و نماینده بنیاد آمریکایی سوروس در ایران نیز (کیان تاجبخش) شناسایی و دستگیر شود.

وی در تحقیقات اولیه اظهار داشته که بنیاد سوروس در ایران با ایجاد یک شبکه ارتباط غیر رسمی و تلاش برای توسعه و گسترش آن، اهداف براندازانه خود را دنبال می نماید.

به نظر می رسد تحقیقات از اسفندیاری، وزارت اطلاعات را به «کیان تاجبخش» رسانده است. تصویری که تا پیش از این از تاجبخش در برخی رسانه های داخلی ارائه شده، تصویر یک کارشناس «جامعه شناس شهری» و

مدرس دانشگاه های ایالات متحده است، اما حضور «تاجبخش» در محافل سیاسی، اجتماعی، رسانه ای و فرهنگی ای که هیچ فصل مشترکی با یکدیگر از حیث اتصال ماهیت و موضوع ندارند و دعوت نهادهایی چون «خانه هنرمندان ایران»، «انجمن جامعه شناسی ایران»، «دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران» و... از وی، پدید آورنده گمانه زنی های تازه ای بوده است.

کیان تاجبخش، اجرایی کردن اهداف بنیاد سوروس را از طریق راه اندازی کارگاه های مطالعاتی با حضور دانشجویان و جوانان و تدریس اصول و مبانی شبکه سازی اجتماعی به مثابه اصلی ترین مبنای براندازی نرم حکومتها دنبال نموده است. وی اگرچه مدرس رسمی دانشگاه های ایران نبوده، اما از سال ۱۳۸۳ با حضور در کلاس های «جامعه شناسی شهری» به عناوین مختلفی چون «استاد دانشگاه نوین تحقیقات اجتماعی نیویورک» پیرامون کیفیت «شبکه سازی اجتماعی» در مقام یک «سرمایه اجتماعی» سخنرانی کرده است.

«کیان تاجبخش» با چاپ کتاب «سرمایه اجتماعی اعتماد، دموکراسی و توسعه» در مهرماه ۱۳۸۵ که یک دکترینال اجتماعی و استراتژیک و الگویی ساختاری را برای سرمایه های پنهان براندازی نرم صورتبندی می کند، ورژن ایرانی اندیشه های براندازانه فرانسیس فوکویاما را در این حوزه به ادبیات شبه روشنفکری ایران وارد کرده است. همگام با طرح «شبکه سازی» و نهادسازی اجتماعی بنیاد جورج سوروس یهودی در ایران، «کیان تاجبخش» حضوری پر رمز و رازی در حلقه های فرهنگی و هنری نیز دارد.

ص: ۱۰۷

روزنامه کویتی «القبس» نیز در یادداشتی به قلم « کاملیا انتخابی فرد» عضو سابق هیأت تحریریه روزنامه های همشهری در زمان مدیر مسؤولی «غلامحسین کرباسچی» و روزنامه توقیف شده «زن» به مدیر مسؤولی «فائزه هاشمی» که پس از توقیف این روزنامه به خارج گریخت، مدعی شد که در سفری به آمریکا به همراه «شهلا شرکت» مدیر مسؤول ماهنامه زنان، «محمد عطریانفر» از روزنامه همشهری و «مژگان جلالی» از روزنامه ایران نیوز، در مهمانی ویژه ای در منزل «جرج سوروس» میلیاردر یهودی آمریکایی و رئیس بنیاد «جامعه باز» حضور داشته است.

اخبار این چنین حکایت از تلاش بنیاد سوروس برای ایجاد باز نمودن راه کارهایی برای نفوذ در ایران دارد، اقداماتی که نشانه های آن را می توان در فتنه های اخیر کشور مشاهده نمود.

البته مؤسسات و بنیادهای دیگری هم هست که از مجریان و طراحان جنگ نرم هستند که وقت ما اجازه نمی دهد به توضیح آنهاپیردازیم اجمالاً شما را ارجاع می دهم به کتابی که جناب آقای داود رنجبران از فضلای حوزه در زمینه جنگ نرم تألیف نمودند، در بخشی از این کتاب به این مؤسسات و بنیاد ها اشاره شده است.

ص: ۱۰۸

دانشــجو: مکرر در بیانات مقام معظم رهبری صــحبت از اســتکبار جهانی است لطفاً بفرمائید استکبار جهانی کیست؟ و چرا رهبری آنقدر روی این مسأله تأکید دارند؟

استاد:

من برای پاسخ شما از فرمایشات خود آقا استفاده می کنم: معظم له در دیدار با دانشجویان در تاریخ ۴/۶/۱۳۸۸ می فرمایند: «دستگاه استکبار فقط ایالات متحده آمریکا نیست یا فلان رئیس جمهور و فلان دولت آمریکا یا فلان کشور اروپایی نیست، دستگاه استکبار یک شبکه عظیم تری است که شامل این هاست. شبکه ی صهیونیستی هست، شبکه تجار بین المللی هست، مراکز پولی عظیم دنیا هست، این ها هستند که مسائل سیاسی دنیار را دارند طراحی می کنند، دولت ها را این ها می آورند، این ها می برند، این مجموعه که تویش دولت ایالات متحده هست، دولت های اروپایی هستند خیلی از این نفتخوارهای ثروتمند منطقه ی خودمان هستند».

اما این که می فرمایید چرا آقا روی این مسأله تأکید دارند به خاطر این است که ما از اول انقلاب تا کنون غیر از بدی و ظلم و جفا از ناحیه استکبار و جهان غرب بویژه آمریکا چیزی ندیدیم، البته نه تنها ما، خیلی از ملت های آزاده جز ظلم و درنده خویی و تجاوز و تعرض به نوامیس و شرف و حیثیت آنها چیزی از غربی ها و آمریکایی ها ندیدند.

ص: ۱۰۹

دانشجو: استاد معذرت می خواهم می شود روشن و بازتر صحبت کنید، مگر آنها در حق ما چه کردند؟

استاد:

اشاره

انقلاب اسلامی ایران از هنگام پیروزی تا به امروز با سنگین ترین تهدیدات و تهاجمات از سوی دو بلوک غرب و شرق و متحدان آنها رو به رو شده؛ آن گونه که در هیچ یک از انقلاب های دیگر شاهد آن نبوده ایم. حال جناب آقای محسن نصیری در کتاب خود درباره این تهاجمات مفصل بحث کرده که در این جا به برخی از آنها نظری می افکنیم: (۱)

۱- تحریف ماهیت

دولت موقت به نخست وزیری مهندس بازرگان که با پیشنهاد شورای انقلاب و حکم حضرت امام (ره) در ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ شکل یافت، عملکردی داشت که مورد تأیید مردم و امام (ره) نبود از این رو پس از حدود نه ماه به پایان رسید. حاکمیت کوتاه دولت موقت که در آن لیبرال ها قدرت اجرایی کشور را در دست داشتند و- اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی نقش اصلی را در آن ایفا می نمودند- موقعیتی فراهم نمود که آمریکا با توجه به گرایش فکری این دولت به غرب، برای انحراف و تحریف انقلاب اسلامی در موقعیت مناسبی قرار گیرد.

ص: ۱۱۰

۱- اقتباس از کتاب «ایران ؛ دیروز، امروز، فردا»، ص ۳۰۷ به بعد.

در این باره لینگن، کاردار سفارت آمریکا در تهران طی نامه ای به وزارت امور خارجه آمریکا، سیاست آمریکا را حمایت از «میانه روها» قلمداد می کند.(۱)

براساس اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی (سفارت آمریکا) در تهران، ارتباط این سفارت با «ملی گراها» در نهضت آزادی و جبهه ملی به ویژه با تشکیل دولت موقت تشدید می شود و حتی بازرگان از رابطه با آمریکا و همکاری با آنها سخن می گوید؛(۲) تا جایی که کارتر در خاطراتش می نویسد: بازرگان و اعضای کابینه اش که اکثراً تحصیل کرده غرب بودند، با ما همکاری داشتند.(۳)

بنابراین انحراف انقلاب اسلامی توسط دولت موقت و با حمایت و برنامه ریزی آمریکا، از اولین تهدیدات به شمار می رفت. با تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و به دست آمدن اسناد همکاری آنان با آمریکایی ها، دولت موقت بازرگان در ۱۴ آبان ۱۳۵۸ استعفا کرد و این خطر مرتفع گردید.

۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، ج ۶-۱،ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

۲- رک: مجتبی سلطانی، خط سازش ؛ نهضت زنان مسلمان،مواضع نهضت آزادی در برابر انقلاب اسلامی.

۳- جیمی کارتر، ۴۴۴ روز، ص ۲۰.

حضرت امام (ره) در خصوص نهضت آزادی و دولت موقت چنین نوشت:... پرونده این نهضت و همینطور عملکرد آن در دولت موقت اول انقلاب شهادت میدهد که نهضت به اصطلاح آزادی، طرفدار جدی وابستگی کشور ایران به آمریکاست و در این باره از هیچ کوششی فروگذار نکرده است... اگر خدای متعال عنایت نفرموده بود و مدتی در حکومت موقت باقی مانده بودند، ملتهای مظلوم به ویژه ملت عزیز ما اکنون در زیر چنگال آمریکا و مستشاران او دست و پا می زدند و اسلام عزیز چنان سیلی از این ستمکاران می خورد که قرنها سر بلند نمی کرد... (۱)

۲- تجزیه طلبی قومی

یکی از اقدامات غرب به رهبری آمریکا برای آسیب رساندن به انقلاب اسلامی ایجاد جنگ داخلی و تجزیه طلبی قومی در نقاط مختلف کشور از جمله کردستان،

آذربایجان، خوزستان، سیستان و بلوچستان، گنبد و ترکمن صحرا بود.

هنوز یک هفته از پیروزی انقلاب اسلامی نگذشته بود که در ۲۷ بهمن ۱۳۵۷ شهر سنندج توسط گروه های ضد انقلاب و کمونیستی و حزب دموکرات کردستان اشغال گردید. آنان با کشتار نیروهای ارتشی و مردمی، پادگان ها را تصرف کردند و با غارت پادگان مهاباد به جنگ داخلی شدیدی علیه انقلاب اسلامی روی آوردند.

ص: ۱۱۲

۱- روح الله موسوی خمینی (امام)،صحیفه نور، ج ۲۲، ص ۳۸۴.

از سویی دیگر، آنها در کردستان «خلق کرد» در خوزستان «خلق عرب»، در گنبد و ترکمن صحرا «خلق ترکمن» و در سیستان و بلوچستان «خلق بلوچ» را مطرح نمودند و با حمایتهای آمریکا و نیروهای عراقی طرح تجزیه طلبی و خودمختاری را شدت بخشیدند.

در یکی از اسناد به دست آمده از لانه جاسوسی آمریکا با طبقه بندی «سری» اگر کردها، آذربایجانی ها، اعراب و سایر گروه های قومی تلاشهای خود را هماهنگ کنند و در جهت مشترک سرنگونی دولت کنونی با یکدیگر همکاری و از یکدیگر حمایت کنند، به عقیده ما آنها امکان موفقیت دارند.(۱)

یکی از افسران اطلاعاتی «سیا» در ۲۹/۳/۱۳۵۸ اظهار می دارد: تمام بذرهای یک جنگ داخلی در ایران کاشته شده است...(۲)

در این راستا حزب دموکرات کردستان به رهبری عبدالرحمن قاسملو در تابستان ۱۳۵۸ برای مبارزه مسلحانه علیه انقلاب اسلامی میلیون ها دلار از «ناتو» دریافت می دارد.(۳)

۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، کردستان (۱)،ص ۱۵۲.

۲- روزنامه کیهان، ۲/۱۰/۱۳۵۹

۳- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه،ص ۴۵

سناتور جکسون طی مصاحبه ای در مهر ۱۳۵۸ می گوید: انقلاب ایران محکوم به شکست است و آن کشور در آستانه تجزیه به قطعات کوچک است.(۱)

به هر روی، این گروه های وابسته به بیگانگان نتوانستند به اهداف خود در تجزیه ایران و نابودی انقلاب اسلامی دست یابند. امروز نیز آمریکا در صدد است با تجزیه طلبی و اختلافات قومی دیگر بار بین ملت ایران اختلاف افکند، برای نمونه، شیمون پرز، معاون نخست وزیر و رئیس جمهور کنونی رژیم صهیونیستی در ۱۲ آذر ۱۳۸۵ می گوید: ما بی ثبات سازی در ایران از طریق توسل به قومیت ها را دنبال خواهیم کرد؛ چرا که بهترین طریق برای ما بهره برداری از اختلافات داخلی ایران است که باید از طریق یک پروسه تبلیغاتی و روانی با تکیه بر شبکه های فارسی زبان پیگیری شود.(۲)

از این رو گروهک هایی تروریستی همانند «حزب دموکراتیک الأهوازیه» (به رهبری منصور الأهوازیه مقیم انگلیس)، «پژاک» و گروهک «عبدالمالک ریگی» در خوزستان، کردستان، و بلوچستان فعال شده اند.

۱- کامران غضنفری ، آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران ، ص ۱۶۳ .

۲- ماهنامه هدایت، تیرماه ۱۳۸۶،ش ۷۱، ص ۳۸.

۳- تروریسم

حربه «ترور» مسئولان و مردم انقلابی ایران از جمله راه کارهای آسیب رسانی به انقلاب اسلامی از سوی استکبار جهانی و ایادی داخلی آنها به شمار می رود.

بدین ترتیب، گروهک هایی مانند فرقان، چریک های فدایی خلق و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) با حمایت آمریکا و اروپا افراد مؤثر در انقلاب اسلامی را به شهادت رساندند. ترورها به ترتیب از این قرار بود: ترور تیمسار قره نی، رئیس ستاد ارتش در سوم اردیبهشت ۱۳۵۸ توسط گروه تروریستی فرقان، شهادت استاد مطهری در ۱۱ اردیبهشت، سوء قصد به آقای هاشمی رفسنجانی و مجروحیت ایشان در چهارم خرداد ماه، ترور حاج مهدی عراقی و فرزندش در چهارم شهریور، ترور آیت الله قاضی طباطبایی در تبریز و دکتر مفتح در ۲۷ آذر ۱۳۵۸، ترور شهدای محراب و حضرت آیت الله خامنه ای در ششم تیر ۱۳۶۰ و نیز بمب گذاری هفتم تیر ۱۳۶۰ و هشتم شهریور ۱۳۶۰ در حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست وزیری، انفجار بمب در حرم امام رضا (ع) در عاشورای سال ۱۳۷۳ و ترور سپهبد صیاد شیرازی و اسدالله لاجوردی که اوج این اقدامات به شمار می رود.

ص: ۱۱۵

شمار این ترورها چنان بی سابقه بود که نشریه فاینشنال تایمز پس از واقعه هفتم تیر ۱۳۶۰ نوشت: در تاریخ، چنین واقعه ای بسیار مشکل به نظر میرسد که در آن بسیاری از رهبران سیاسی در یک زمان به قتل برسند.(۱)

۴- محاصره اقتصادی

ایران که در سال های پایانی رژیم پهلوی بیشترین مبادله اقتصادی را با آمریکا داشت و در اقتصاد کاملاً وابسته به غرب بود، با هدف تسلیم شدن در برابر آمریکا به یکباره در سال ۱۳۵۸ با تحریم اقتصادی وسیعی رو به رو شد که هنوز هم ادامه دارد.(۲)

کارتر، رئیس جمهور وقت آمریکا در تاریخ ۲۳/۸/۱۳۵۸ دستور تحریم اقتصادی ایران را صادر کرد و سپس کشورهای اروپایی مانند انگلستان، کانادا، ژاپن، آلمان و فرانسه نیز به آمریکا پیوستند.

در تحریم اقتصادی نه تنها مبادله کالا و خدمات با ایران لغو شد، بلکه از یک سو اموال و دارایی های کشورمان در اروپا و آمریکا مسدود و از دیگر سو خرید نفت از کشورمان نیز قطع گردید.

برژینسکی در تشریح اهداف آمریکا در تحریم اقتصادی ایران می گوید: اعمال تحریم ها به قصد افزایش ابزار سلطه ما در مقابله با ایران بود.(۳)

۱- اداره تحقیقات و بررسی های سیاسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فاجعه هفتم تیر و امپریالیسم خبری، ص ۶۲

۲- رک: حسین علیخانی، تحریم ایران، شکست یک سیاست.

۳- زبیگنیو برژینسکی، سقوط شاه، جان گروگان ها و منافع ملی، ص ۹۱

این تحریم ها که بعدها در دولت های ریگان، بوش پدر، کلینتون، بوش پسر و اوباما ادامه داشته، بی گمان نه تنها غرب را به هدف خود- در نابودی انقلاب اسلامی- نرسانده و بلکه از دیگر سو زمینه استقلال و خوداتکایی ملت بزرگ ایران را نیز فراهم ساخته است.

پاتریک کلاوسون، تحلیلگر معروف آمریکایی، اهداف اعمال تحریم اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران را سرنگونی، تغییر در رفتار نظام و نیز تضعیف توانایی حکومت ایران بر می شمرد، امامعترف است این تحریم ها دستاورد اندکی در پی داشته است.(۱)

البته او معتقد است: این تحریم ها می توانند با افزودن مشکلات اقتصادی، حمایت [مردم] از رژیم روحانی ایران را به تدریج تضعیف نمایند.(۲)

۵- تهاجم نظامی آمریکا (صحرای طبس)

استکبار جهانی به رهبری آمریکا که در توطئه های پیشین خود به اهدافش نرسیده بود و با تصرف لانه جاسوسی در تهران نیز پایگاه توطئه گری خود را از دست داده بود، بر آن شد تا به بهانه آزاد کردن جاسوسان آمریکایی، با تهاجم نظامی مستقیم نظام جمهوری اسلامی را سرنگون سازد.

مایلز کاپلند، از دست اندر کاران سابق دستگاه اطلاعاتی آمریکا و همکار کرمیت روزولت (در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲) می گوید: هدف از تهاجم

۱- پاتریک کلاوسون،تحریم های آمریکا علیه ایران، ص ۱۴ و ۴۹

۲- همان، ص ۵۰

طبس، تنها آزادی گروگان ها نبوده، بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران هدف اصلی این عملیات بوده است.(۱)

بنابراین در پنجم اردیبهشت ۱۳۵۹ با همکاری کشورهایی مانند مصر، عربستان،عمان، پاکستان، و ترکیه شش فروند هواپیمای C-۱۳۰ و هشت فروند هلی کوپتر RH-۵۳۰ در صحرای طبس فرود آمدند تا با حدود نود کماندوی مجهز ارتش آمریکا برای تهاجم به تهران آماده شوند. این در حالی بود که عواملی از گروه های ضد انقلاب نیز به یاری آنان آمده و در کردستان جنگ داخلی را شدت بخشیده بودند و از سویی عراق در مناطق مرزی نیز تهاجماتی را انجام داد، اما غافل از امداد الهی، که برخلاف پیش بینی دقیق هواشناسی آمریکاییان «طوفان شن» نقشه آنان را خنثی خواهد کرد. در پی برخورد یک هلی کوپتر با هواپیمای C-۱۳۰ و آتش گرفتن آنها و کشته شدن هشت نفر از کماندوهای آمریکایی، آنان از طبس گریختند و بدین رو با تمام قدرت و فناوری در برابر اراده الهی ناکام ماندند.

ساعاتی بعد کاخ سفید طی اطلاعیه ای رسماً شکست در این عملیات را اعلام کرد و از باقی ماندن اسناد سری در درون هلی کوپترهای به جا مانده سخن گفت. از این رو به دستور بنی صدر فانتوم های ایران به بمباران هلی کوپترهای آمریکایی پرداختند که در اثر این بمباران فرمانده سپاه پاسداران

ص: ۱۱۸

۱- جولیتو کیه زا، هدف: تهران؛ تهاجم کارتر و وقایع پشت پرده، ص ۱۳۶.

انقلاب اسلامی استان یزد، محمد منتظر قائم که در محل حادثه حاضر شده بود نیز به شهادت رسید(۱).

بعدها آشکار شد افرادی از ارتش و شخص بنی صدر برای مشخص نشدن نقش و ارتباط آنها با آمریکا، به بمباران هلی کوپترهای آمریکایی پرداخته و اسناد سری آمریکا را نابود کرده اند. پس از این شکست بزرگ آمریکا، برژینسکی در کتابش می نویسد: اگر این کار با موفقیت انجام می شد، آمریکا یک بار دیگر زور بازوی خود را نشان می داد؛ چیزی که بیست سال است به آن احتیاج دارد.(۲)

۶- کودتا

آمریکاییان برای جلوگیری از پیروزی انقلاب اسلامی در دی ماه سال ۱۳۵۷ ژنرال هایزر، جانشین نیروهای ناتو را به تهران فرستادند تا با کودتایی نظامی مانع از پیروزی انقلاب اسلامی شوند که موفق نگردیدند.

ژنرال هایزر در کتاب خاطرات خود اظهار می دارد که حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، معاون وزیر جنگ آمریکا از او خواسته است برای کودتایی نظامی به تهران باز گردد(۳).

ص: ۱۱۹

۱- دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، طبس تصدیقی بر سوره فیل : نگرشی بر ماجرای طبس، ص ۲۵

۲- زبیگنیو برژینسکی، توطئه در ایران، ص ۱۹۷

۳- رابرت هایزر،مأموریت مخفی در تهران، ص ۴۵۳

آمریکـایی هـا در مهـم ترین و گسـترده ترین کودتـای خـود معروف به «نـوژه» توسـط فرمانـدهان و افسـران پیشـین ارتش و با همکاری عناصـری از ساواک، با آماده کردن حدود سی فروند هواپیما، شصت خلبان و حدود پانصد نفر افراد فنی و نظامی بر آن بودند تا در ۱۹ تیر ۱۳۵۹ (۷۵ روز پس از شکست آمریکا در صحرای طبس) با پرواز هواپیماها از فرودگاه های مختلف از جمله فرودگاه شهید نوژه همدان، مراکز اصلی نظام را که مهم ترین آنها «بیت حضرت امام» بود، بمباران کنند،(۱) اما ساعاتی قبل از اجرا با دستگیری عوامل کودتا این توطئه خنثی گردید.

آمریکـایی هـا پس از این شـکست، چنـد کودتـای نـاموفق دیگر را نیز رهبری کردنـد که مهم ترین آنها بـدین قرار بود: گروه برانـداز «پـارس» که مخفف «پاسـداران رژیم سـلطنتی» بود؛ گروه «نمـارا» که از سوی شخصـی به نـام سـرهنگ رضا زاده- که مسـتقیماً با اسـرائیل ارتباط داشت- رهبری می شد؛ گروه «نیما» که با سازمان جاسوسی سیا، جبهه ملی و دکتر منوچهر شایگان مسـتقیماً در ارتبـاط بود و این افراد حتی کـابینه خود را تشـکیل داده بودنـد و نیز گروه «نجـات انقلاـب ایران» که در فروردین ۱۳۶۱ به رهبری قطب زاده شـکل یافت(۲) و از حمایت آیت الله سـید کاظم شریعتمداری برخوردار بود. حزب خلق مسلمان با هدایت ایشان در بسیاری از توطئه ها ایفای نقش نمود(۳)

۱- مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، کودتای نوژه، ص ۱۵۳

۲- همان، ص ۳۸ و ۳۹

۳- رک : سید حمید روحانی، شریعتمداری در دادگاه تاریخ

که این کودتاها نیز خنثی شد. هم چنین «حزب توده» با حمایت شوروی کودتایی طراحی نمود که در بهمن ۱۳۶۱ خنثی گردید.

۷- جنگ تحمیلی

استکبار جهانی با شکست در توطئه های خود به ویژه پس از شکست در صحرای طبس و کودتای نوژه، تهاجم سراسری عراق به ایران اسلامی را طراحی کرد که در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ در طول ۱۲۰۰ کیلومتر مرز ایران و عراق آغاز گردید و هشت سال ناجوانمردانه کشور عزیز ایران را از زمین و هوا مورد حملات دشمنانه خود قرار دادند و چه تلفات عظیم مادی و معنوی به این ملت وارد ساختند که در جای خود مفصلاً باید ساعت ها در این باره سخن گفت.

۸- تهاجم فرهنگی

با پایان یافتن جنگ تحمیلی و پیروزی قاطع ملت ایران در حماسه دفاع مقدس، استکبار جهانی با قطع امید از کودتا،

جنگ، محاصره اقتصادی و جز این ها، به راهکار فرهنگی روی آورد.

دیوید کیو، مأمور سازمان C.I.A آمریکا و رابط این سازمان با برخی گروه ها و عناصر ضد انقلاب می گوید:

مهم ترین حرکت در جهت براندازی جمهوری اسلامی تغییر فرهنگ جامعه فعلی ایران است؛ ما مصمم به آن هستیم.(۱)

۱- مسعود خرم، هویت، ص ۱۸

شجاع الـدین شـفا، نویسـنده ضـد انقلاب خارج از کشور در این باره می گوید: ما باید بینش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود.(۱)

بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسبق رژیم صـهیونیستی نیز در مجلس نمایندگان آمریکا می گوید: من یک بار به رئیس سازمان سیـا گفتم بهترین راه ایجاد دگرگونی در ایران، اسـتفاده از تاکتیک های اسـتاندارد و معمولی سازمان سـیا نیست، بلکه بهترین راه، اسـتفاده از مـاهواره هـای بسـیار قدرتمنـدی است که برنامه های تلویزیونی هالیوود را به ایران پخش کننـد اسـتفاده از این برنامه ها بسیار مفید خواهد بود. این گونه برنامه ها واژگون کننده (Subrersive) هستند.(۲)

همچنین میشل هولباک، نویسـنده فرانسوی می گوید: نبرد علیه اسـلام با کشـتن مسـلمانان میسر نیست. تنها می توان با به فساد کشاندن آنها به پیروزی رسید. باید به جای بمب دامن های کوتاه و تعدادی گوشواره فرو بریزیم.(۳)

از این رو یکی از انواع آسیب هایی که تهدید کننده انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی است، «تهاجم فرهنگی» از سوی استکبار جهانی به رهبری آمریکاست.

ص: ۱۲۲

۱- همان، ص ۱۹

۲- روزنامه کیهان، ۱۵/۷/۱۳۸۰، ص ۲

۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۶/۸/۱۳۸۰

بر همین اساس مقام معظم رهبری از سال ۱۳۶۹ به صورت جدی برای هوشیار سازی مسئولان نظام و مردم مسئله «تهاجم فرهنگی» دشمنان را مطرح نمودند و بارها تا به امروز با طرح مباحثی همچون «غارت فرهنگی»، «شبیخون فرهنگی»، «قتل عام فرهنگی»،«اندلسی کردن ایران»، «ناتوی فرهنگی» و سرانجام «جنگ نرم» از اهداف و برنامه های تهاجم فرهنگی دشمنان پرده برداشته اند. جرالد سگال، مدیر مطالعات انستیتوی بین المللی مطالعات استراتژیک لندن چنین می گوید: غرب باید به شیوه ای که کمونیسم را مهار و آلوده کرد با سایر دشمنان خود عمل کند. آلوده سازی شیوه های فراوانی دارد که تجارت با دشمن [و] ایجاد طبقه متوسط غیر سیاسی و بی علاقه به سیاست از جمله آنهاست. گسترش طبقه متوسطی که علاقه ای به فداکاری برای ایدئولوژی رادیکال ندارد، از راه های اصلی آلوده سازی جوامع است. کشورهای اسلامی و آیت الله ها را باید با ترویج سکس و فرهنگ والت دیسنی در سرزمین هایشان به محاصره درآورد... دموکراسی ها [= غربی ها] چیزی کمتر از تسلیم کامل دشمنان خود را نمی پذیرند.(۱)

یکی از مهم ترین محورهای آلوده سازی، فساد عقیدتی و فکری در جامعه ایران است که در این باره ادوارد شرلی، از مقامات سابق سیا و مشاوران فعلی بوش در میزگرد فصلنامه آمریکایی خاورمیانه می گوید: کلید اصلی برای ایجاد تغییر بنیادین در سیاست های ایران، از بین بردن خصوصیات

۱- روزنامه کیهان ۱۵/ ۱/۱۳۷۷، ص ۱

انقلابی رژیم ایران است. طبیعتاً سیاست فرسوده سازی این رژیم از لحاظ عقیدتی باید برای ما جذابیت خاصی پیدا کند... اگر نظام ولایت فقیه در ایران از هم بپاشـد، آن وقت می توان پـذیرفت که جمهوری اسـلامی تغییر ماهیت داده و برقراری رابطه [با آمریکا] ممکن خواهد شد.(۱)

در ادامه این میزگرد، کنت تیمرمن محقق امریکایی نیز می گوید: برقراری روابط [ایران و آمریکا] به معنای ختم انقلاب است. زمانی که ستون مبارزه با امریکا فرو بریزد، کل انقلاب فرو خواهد ریخت.(۲)

بر همین اساس، در تهاجم فرهنگی دشمن، تاختن به «فرهنگ اصیل اسلامی و اعتقادات دینی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه، خودباوری و هویت ملی- اسلامی»، محور تمام تهاجمات فرهنگی است.

۹- جنگ روانی- تبلیغاتی

در کنار دیگر تهدیدات و تهاجمات بویژه «تهاجم فرهنگی» اسـتفاده از «جنگ روانی- تبلیغاتی» در دسـتور کار صهیونیسم بین الملل و استکبار جهانی به رهبری آمریکا قرار می گیرد.

در جنگ روانی- تبلیغـاتی بـا بهره گیری از رسـانه هـای قدرتمنـد و اثر گـذار بر افکـار عمومی تلاش می شود ملتی از لحاظ فکری و اعتقـادی از هویت و توانمنـدی خود چشم بپوشـد و تمایلات و رفتـار خود را براساس خواست مراکز قـدرت و سـلطه شکل دهد.

ص: ۱۲۴

۱- همان، ۳۰/۳/۱۳۷۷

۲- همان.

سناتور گوردن اسمیت در کنفرانس «ایران در هزاره سوم» در دانشگاه استنفورد سانفرانسیسکو با تأکید بر استفاده از «اینترنت» برای تأثیر بر افکار جوانان می گوید: در زمان جنگ ویتنام یک ارتشبد آمریکایی را می شناختم که می گفت اشتباه می کنیم که بر سر ویتنامی های شمالی بمب می ریزیم؛ باید بر سر آنها «کاتالوگ»بریزیم و از طریق ارتباط های غیر نظامی در جنگ برنده شویم.(۱)

بنابراین جنگ روانی- تبلیغاتی در سال های پس از دفاع مقدس به گونه ای گسترده تر علیه انقلاب اسلامی و ملت بزرگ ایران به کار رفت و هنوز هم در موضوعاتی گوناگون ادامه دارد که برخی از آنها عبارت است از:

۱- اتهام تروریست بودن ایران و حمایت از تروریست ها

۲- اتهام ساختن سلاح های هسته ای

۳- اتهام نقض حقوق بشر

۴- اتهام عدم کارآمدی حکومت اسلامی و ولایت فقیه

۵- اتهام ایجاد خلل در روند صلح خاورمیانه (تسلیم و سازش اعراب در مقابل اسرائیل)

۶- اتهام تهدید بودن جمهوری اسلامی برای کشورهای منطقه خاورمیانه و خلیج فارس

در این محورها با بهره گیری از شایعه، دروغ و تهمت درصدند اقتدار و انسجام ملی و دینی ملت ایران را خدشه دار سازند؛ حال آن که آمریکا،

۱- همان، ۱۸/۲/۱۳۷۹، ص ۱۴

رژیم صـهیونیستی و اروپا خود در رأس کشورهای نقض کننـده حقوق بشـرند و در انجام عملیات های تروریستی و حمایت از تروریسم دولتی رژیم صـهیونیستی جنگ آفرینی علیه ملت ها (ماننـد فلسـطین وعراق) و نیز اسـتفاده از سـلاح های هسـته ای و تهدید هسته ای دیگر کشورها سرآمدند.

از آن جـا که ملت مسـلمان ایران توانسـته است بـا قـدرت ایمـان و محوریت «ولاـیت فقیه» در پیروزی انقلاـب اسـلامی، دفـاع مقـدس، توسـعه علوم و فنون راهبردی هماننـد «فناوری هسـته ای» و خنثی سازی تهدیـدات و تهاجمات غرب به موفقیت رسد، درصددنـد این الگوی موفق را خـدشه دار کننـد و از توانمنـدی آن بکاهند. از این رو با جنگ روانی علیه کارآمدی حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه به دنبال آسیب رسانی به انقلاب اسلامی اند. استانلی روم، معاون رئیس سازمان امنیت ملی آمریکا می گوید: آنچه تا کنون همه تحریکات ما را برای براندازی نظام جمهوری اسـلامی ایران با ناکامی مواجه ساخته است، اعتقاد مردم ایران به ولایت فقیه است.(۱)

رادیو رژیم صـهیونیستی می گوید: یک اصل در قانون اساسـی ایران هست که در این سال ها بسیار دردسرساز بود و آن اصل ولایت فقیه است.(۲)

بنابراین در جنگ روانی و تبلیغاتی با طرح اتهاماتی برآن اند تا توانمندی، کارآمدی و الگو بودن انقلاب اسلامی را

در سطح داخلی، منطقه ای و جهانی زیر سؤال برند و مانع از رشد و توسعه ایران اسلامی شوند.

ص: ۱۲۶

۱- همان، ۲/۲/۱۳۸۰، ص ۷.

۲- حمید رسایی، پایان داستان غم انگیز، ج ۱ ص ۱۳۵

۱۰– انحرافات اصلاحات

استکبار جهانی که از تهدیدات خشن خود طرفی نبسته بود، تلاش کرد با ایجاد انحراف در اصلاحات انقلابی و اسلامی ملت ایران، به اهداف شوم خود برسد. پس از برگزاری انتخابات با شکوه دوم خرداد ۱۳۷۶ و آغاز دوران ریاست جمهوری آقای محمد خاتمی، زمینه یک ائتلاف خطرناک بین «کفر جهانی»، «منافق داخلی» و «محارب خارجی» فراهم شد، تا با سوء استفاده از خواست ملت در «اصلاحات انقلابی» آن را به «اصلاحات آمریکایی» بدل کنند و الگوی فروپاشی شوروی را در ایران به اجرا نهند(۱).

از این رو با طرح «دموکراسی آمریکایی» به مقابله با نظام اسلامی، قانون اساسی، پیوند دین و سیاست، ولایت فقیه و اندیشه های حضرت امام قدس سره پرداختند.

این ائتلاف شوم با بهره گیری از راه کارهای کتاب موج سوم دموکراسی(۲) اثر هانتینگتون و کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» جین شارپ و کتاب «جنگ استراتژی نرم» از رابرت ل. هلوی ودستورالعمل های آمریکاییان و حمایت مادی و معنوی آنان تلاش کرد پایه های نظام اسلامی را سست نموده، با طرح دموکراسی آمریکایی سکولاریسم، پلورالیسم و لیبرالیسم، به «جمهوری اسلامی»– با محوریت ولایت فقیه– ضربه زند. حال به برخی از اعترافات و دیدگاه ها که بیانگر این ائتلاف خطرناک است، می پردازیم:

ص: ۱۲۷

۱– رک: حسن واعظی،اصلاحات و فروپاشی

۲– رک: ساموئل هانتینگتون،موج سوم دموکراسی

فرخ نگهدار، وابسته به سازمان ضد انقلابی و تروریستی چریک های فدایی خلق، در کانون سیاسی- فرهنگی ایرانیان هامبورگ آلمان می گوید:... عام ترین وجه اشتراک نیروهای جبهه اصلاحات که از سه مؤلفه لائیک، ملی- مذهبی و دوم خردادی تشکیل شده، دفاع آنها از عناصر جمهوریت و مردم سالاری است... آماج مقاومت باید خود ولایت فقیه باشد و نه یک زیر مجموعه آن.(۱)

پاتریک کلاوسون- مدیر تحقیقات در مؤسسه خط مشی نزدیک در واشینگتن- می گوید: قدم اولی که دوستان اصلاح طلب ما در ایران باید بردارند، این است که حریم ورود به حصار تفکر دینی را گسترش بدهند... در ایران حکومت دینی باید ساقط شود. قدم اول همان است که گفتم: اصرار بر جدایی دین از سیاست.(۲)

فِرد هالیدی، استاد روابط بین الملل دانشگاه لندن و از فعالان سیاسی روابط خارجی انگلیس می گوید:

ظهور اصلاح طلبی در ایران وقتی می تواند در افق مطلوبی با غرب دست رفاقت بدهد که از سنگلاخ ولایت فقیه بگذرد...(۳)

ریچارد کلمن، سیاستمدار معروف آمریکایی نیز چنین می گوید: ظاهراً روزهای تلخ سر در گمی ما با روی کار آمدن اصلاح طلبان سپری

۱- خبرنامه جمعیت ایثارگران، ۷/۱۱/۱۳۸۰، ش ۶۱

۲- روزنامه کیهان، ۱۸/۴/۱۳۷۹، ص ۱۴

۳- همان

می شود... ما از این پس باید شاهد فروریختن ستون های این نظام سرکش و مهار نشدنی باشیم؛ نظامی که در یک قلم، ایالات متحده آمریکا را با این همه قدرت هسته ای و فناوری اش به پشت دیواری از تحقیر تارانده است.(۱)

گری سیک، مشاور سابق امنیت ملی آمریکا و مأمور سازمان سیا، پس از بازگشت از سفر به ایران در مصاحبه ای می گوید: من چگونه خوشحالی خودم را نشان شما ندهم که در ایران موج تازه ای به پا شده که مصمم است طومار حکومت اسلامی را به هم بپیچد و حکومتی شبیه حکومت ایران در زمان شاه و عربستان سعودی را روی کار بیاورد.... من در ایران روشنفکرانی را دیدم که اشارات ما را دنبال می کنند. آنها شش لولی بالا برده اند تا هر کس را و هرچه را که با ما ناسازگار است، هدف قرار دهند...

خبرنگار می پرسد؟ مثلاً چه چیز را؟

گری سیک می گوید: مثلاً حتی ولایت فقیه را که من فکر می کنم در صحرای طبس، تکنولوژی برتر ما را در اراده خود دفن کرد.(۲)

رادیو اسرائیل نیز می گوید: اصلاح طلبان طعمه خوبی برای رام کردن شیر سرکش جمهوری اسلامی هستند.(۳)

نشریه سلطنت طلب المجوز می نویسد: در کارگاه هایی چون حزب بعث عراق، سازمان «سیا»ی آمریکا و «موساد» اسرائیل برای حذف اصل «ولایت

۱- همان

۲- همان

۳- نشریه صبح، مهر ۱۳۷۶، ص ۵

فقیه» از حکومت ایران تلاش زیادی به عمل آمد، ولی همه این تلاش ها با شکست مواجه شد. به همین دلیل، ما به این نتیجه رسیده ایم که باید به مقابله تدریجی با نظام جمهوری اسلامی برخیزیم تا آن را نه از راه قیام مسلحانه، بلکه از راه تشکیل «جامعه مدنی» از میان بر داریم.(۱)

بنی صدر در گفتگو با رادیو آمریکا چنین گفت: هواداران اصلاحات باید شعار مردم سالاری را که از سوی برخی اصلاح طلبان داده می شود، دنبال کنند.(۲)

رضا پهلوی- فرزند شاه معدوم- در اوج حرکت اصلاح طلبان آمریکایی در ایران در کنفرانس مطبوعاتی در آمریکا می گوید: برای هماهنگی و برقراری دموکراسی در ایران، شرایط در داخل کشور تا به این حد آماده نبود...(۳)

هنری پرکت، مسئول سابق کرسی ایران در وزارت خارجه آمریکا اظهار می دارد:

اگر موجی که در مطبوعات اصلاح طلب ایران با تز امکان ارتباط با آمریکا شروع شد- و حالا به تردید در اساسی ترین وجوه انقلاب اسلامی مشغول است- بتواند از حریم روحانیت عبور کند و از آن طریق، ولایت فقیه را بر کشتی تردید سوار کند، بار سنگینی از دوش آمریکا برداشته خواهد شد.(۴)

ص: ۱۳۰

۱- نشریه فیضیه، ۳/۲/۱۳۸۰، ص ۴

۲- هفته نامه پرتو سخن، ۲۶/۱۱/۱۳۷۹، ص ۸

۳- روزنامه کیهان، ۱۷/۹/۱۳۷۸، ص ۱۴

۴- نشریه صبح، ۱۵/۱۱/۱۳۷۹، ص ۳

حسین لاجوردی از فعالان ضد انقلاب خارج نشین در سال ۱۳۷۴ در پایان کنفرانس لندن می گوید:

اولاًـ نقش مـذهب در ایران بایـد کم رنگ شود. البته این هـدف صـرفاً با اسـتفاده از روش های فرهنگی قابل تحقق است. ثانیاً فراموش نکنیم تز جـدایی دین از سـیاست همواره از اصول مبـارزه مـا با نظام است. ضـمناً توجه کنیـد که عامل ناتوانی و عـدم رشـد و موفقیت ما در داخل کشور ولایت فقیه است و در مجموع برای مبارزه با جمهوری اسـلامی ضـمن آن که یاری گرفتن از قـدرت هـای خـارجی نبایـد فراموش شود، گروه هـای مخالف نظام بایـد براساس طرفـداری از حکومتی ملی گرا- در قالب ایجاد دموکراسی و جامعه مدنی و مقابله و مخالفت با قدرت مذهبی و اسلامی- با هم همکاری کنند.(۱)

در این باره جوزف بایـدن، رئیس کمیته روابط خارجی سـنا اعلام می دارد: دولت بوش باید به تمامی سازمان های غیر دولتی آمریکایی اجازه بدهـد که به گروه های ایرانی مرتبط با جامعه مدنی، حقوق بشـر، فرهنگی و خواهان دموکراسـی کمک مالی کنند.(۲)

همچنین سناتور تامس داشل، رهبر فراکسیون اکثریت در کنگره آمریکا پس از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ می گوید:

ایالات متحـده بایـد فشارهایش را زیاد کنـد تا اصـلاح طلبان ایران بتواننـد مردم را بترساننـد و خواسـته های ما را تبلیغ کننـد... ایالات متحده در این راستا، هم

۱- مسعود خرم، هویت، ص ۱۳۷

۲- روزنامه کیهان، ۲۵/۱۲/۱۳۸۰

باید تهدید کند و هم راه را برای مذاکره باز کند و البته انجام مذاکره را هم به اعلام برائت ایرانی های مذاکره کننده از حکومت دینی و ولایت فقیه باید مشروط کرد.(۱)

این جریان پرخطر داخلی که با حمایت و بودجه آمریکایی ها و اروپائیان(۲) هدایت می شود، اقداماتی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران انجام داد که حتی جناب آقای محمد خاتمی در آخرین دیدار خود با دانشجویان در شانزدهم آذر ۱۳۸۳ در دانشگاه تهران گفت: از اردوگاه اصلاح طلبان صدای دشمن را می شنوم.(۳)

دانشجو: لطفاً بفرمایید مهمترین و کلیدی ترین نکته ای که ما باید آن را نقشه ی راه خود قرار بدهیم تا در این جنگ نرم دچار لغزش و احیاناً سقوط نشویم چیست؟

استاد:

اشاره

من باز از بیانات حضرت آقا استفاده کنم که فرمودند قطب نمای راه شما بصیرت است، بصیرت.

بصیرت مسأله ای است که در آموزه های دینی ما خیلی بر آن تأکید شده و امام هم در مقاطع مختلف به این موضوع اشاراتی دارد، مقام معظم رهبری

۱- روزنامه رسالت، ۲۹/۲/۱۳۸۱، ص ۱۳

۲- رک: روزنامه کیهان، ۲۵/۴/۱۳۷۹ تا ۱/۵/۱۳۷۹ و ۱۰/۲/۱۳۸۰

۳- مطبوعات، ۱۷/۹/۱۳۸۳

هم پس از جریانات اخیر به خصوص در چند سخنرانی این موضوع را مطرح فرمودند:

۱- در تنفیذ ریاست جمهور دهم، ۱۲/۵/۱۳۸۸

۲- در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۱/۵/۱۳۸۸

۳- در جمع اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

۴- در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

اخیراً دیدم فصلنامه سیاسی علمی میثاق مقاله ای را از جناب آقای حسین عبداللهی فر پیرامون بصیرت به چاپ رسانده، با هم این مقاله را مرور کنیم مفید است:

بصیرت در لغت:

بصیرت واژه ای است عربی از ریشه بصر به معنای بینایی بدون ابزارهای حسی که از صفات خدای متعال است.

بصیرت به معنای بینایی دل است، عقل و زیرکی و علم و حجت و دلیل را هم که از معانی بصیرت بر شمرده اند از آن جهت است که موجب معرفت و درک و بینایی قلب می شوند(۱).

بصیرت را به معنای روشن بینی، روشن دلی، درک عمیق، بینش، بینایی، دانایی، زیرکی و هوشیاری و چراغ راه و قطب نمای جهت حرکت نیز دانسته اند.

بصیرت یکی از صفات انسانی است که به ضمیر و دل او مربوط می شود. اگر بصیرت کامل گردد کمال انسانی و سعادت او را به دنبال دارد و به او

۱- قاموس القرآن

کمک می کند تا در خط ولایت در برابر دشمن در صف حق ودارای تحلیل صحیح از اوضاع پیرامونی خویش گردد.

بصیرت، چشم بینای دل و نورافکن برای تشخیص راه درست از نادرست و تشخیص حق از باطل است.(۱)

بصیرت در اندیشه سیاسی

بصیرت در اندیشه سیاسی معادل «بینش» به کار رفته و به الهاماتی اطلاق می شود که رفتار آدمی را تبیین می کند. لذا بصیرت را از لحاظ علمی عبارت از درک حقایقی دانسته اند که از طریق دریافت واقعیات به دست آمده و انسان را از ظواهر به اعماق و باطن رهنمون می سازد.

دانش بشر که از راه حواس و عقل حاصل می گردد انسان را به کشف واقعیات (آن چه که هست) رهنمون می سازد، اما راه دستیابی به حقایق (شامل آنچه که باید باشد) بینش انسان هاست. از آنجا که دانش انسان و روش های رسیدن به آن محدود است و انسان را ناگزیر به پذیرش واقعیت ها می نماید، این بینش آدمی است که به او روش ها و منزلگاه شرایط مطلوب (حقیقت) را نشان می دهد.

بینش سیاسی بر دانش و روش در سیاست مقدم است، زیرا این بینش است که معیار و ملاک انتخاب موضوعات مورد تفکرپژوهشگر و روش مناسب درست اندیشیدن را به او یاد می دهد.

ص: ۱۳۴

۱- علی سعیدی شاهرودی، حاکمیت دینی، ۱۳۸۸، ص ۲۱۰

بینش بر دانش و روش سیاسی مقدم است و بدون داشتن بینش منسجم و هدفمند، کوشش برای شناخت و تبیین پدیده ها و فراگردهای سیاسی بی ثمر می باشد.

کسب دانش سیاسی بدون ارتقای بینش سیاسی برای فهم پدیده های سیاسی و اجتماعی کافی نیست و فایده چندانی در بر ندارد، زیرا دانش مستمراً در حال تحول است در حالی که بینش ظرفیت و قالب انسجام یافته ای دارد که ترجیحات و گرایش ها و ارزش های هر فرد را مشخص می کند.

روش ها مسیر درست اندیشیدن را به ما نشان می دهند ولی این بینش است که منظور غایی از برآوردن فکر را ترسیم و تعیین می کند.

پرورش بینش برای شناخت ارزش ها و گزینش روش برای درک واقعیت ها بر هر امری ارجح است.(۱)

بینش انسان به او کمک می کند تا واقعیات جهان را پذیرفته اما تسلیم آن نشود و به جای برخورد جبری گرایانه به توانمندی بشر در تغییر شرایط از بود به مطلوب بیندیشد.

البته انسان ها در بینش خود یکسان دیده نمی شوند برخی سطحی نگر و ظاهر بین، خودبین و کوته نظر و اسیر تعصبات جزمی و در مقابل عده ای جهان بین و دوراندیش هستند.

ص: ۱۳۵

۱- کاظمی، سید علی اصغر، روش و بینش در سیاست، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ سوم، ۱۳۸۶، مقدمه

بینش نیز چون دانش برای تکوین مراحلی دارد. مرحله اول بینش همـان غرائز و احساسات و قوه عقلانی است. بینش در مرحله دوم متـأثر از معرفـت علمی و برداشت هـای دینی است. و در مرحله سـوم آدمی را به کمـال می رسانـد، و دارنـده خـود را که «انسان کامل» نام دارد به نقطه ای می رساند که می بیند آن چه را که دیگران می دانند.

بر این اسـاس از منظر علم میـان دانش و بینش رابطه علی و معلـولی وجـود دارد چنـان چه می تـوان گفت: «دانش مولـد بینش است و بصیرت مولود آگاهی و دانستن».

بصیر کیست؟

از این رو، بصـیر و انسان با بصـیرت کسـی است که خوب می شنود، سپس خوب تفکر می کند، سپس باز خوب می نگرد، از عبرت ها پند می گیرد، راه روشن را پیدا می کند و روشـنگری می کند، در خط ولایت می ماند و حمایت می کند، در فتنه ها دچـار تشـخیص غلط نمی گردد، با سـکوت خویش به قربانی شـدن حق تن نمی دهـد، حق را می گویـد ولو آن که به زیانش باشـد، سـخن حق را تحریف نمی کنـد، از این که سـخن حق را بگویـد نمی هراسـد، مدافع عدالت می گردد و آن راپاس می دارد و خواستار اجرای عدالت می شود.

ص: ۱۳۶

بصیرت در اسلام

در قرآن کریم خداونـد عالم کلمه «بصـیر» را در مقابل «نابینا» قرار داده و در سوره های رعـد، انعام، فاطر، غافر و هود در قالب استفهام، مساوی دانستن بینا و نابینا (الاعمی و البصیر) را رد فرموده است.

«قل هل یستوی الاعمی و البصیرام هل یستوی الظلمات و النور» « و ما یستوی الاعمی و البصیر».

انسان هایی که بی بصیرتند به تعبیر قرآن از چهار پایان گمراه ترند چنانچه در سوره اعراف آمده است:

«ولقد ذرانا لجهنم کثیرا من الجن و الانس لهم قلوب لا یفقهون بها و لهم اعین لا یبصرون بها و لهم اذان لا یسمعون بها اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون». (آیه ۱۷۹)

خداوند سبحان از پیامبرش نیز خواسته که بگوید روش من دعوت از روی بصیرت است. آن جا که می فرماید: «قل هذه سبیلی ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی و سبحان الله و ما انا من المشرکین» (یوسف / ۱۰۸)

بصیرت در قرآن کریم به صورت های مختلف و معانی دیگری نیز به کار رفته و در آیات متعددی آمده است:

۱. «قد جاء کم بصائر من ربکم فمن ابصر فلنفسه و من عمی فعلیها و ما انا علیکم بحفیظ». (انعام / ۱۰۴)

۲. «هذا بصائر للناس و هدی و رحمه لقوم یوقنون». (جاثیه / ۲۰)

ص: ۱۳۷

۳. «ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون». (اعراف / ۲۰۱)

۴. «... ان فی ذلک لعبره لاولی الابصار». (آل عمران / ۱۳)

۵. «فاعتبروا یا اولی الابصار». (حشر / ۲)

از نگاه خاتم انبیا (ص) نابینای واقعی کسی است که بصیرت نداشته باشد. چنان چه فرمود: «لیس الاعمی من یعمی بصره انما الاعمی من تعمی بصیرته» کور کسی نیست که چمشش نابینا باشد، کور کسی است که بصیرت نداشته باشد.

حضرت رسول اکرم (ص) درباره راه کسب بصیرت فرمودند: «هر که از دنیا بگذرد خدایش بدون تعلم علم آموزد و بصیرت دهد».(۱)

و حسین بن خالد در یک حدیث از حضرت رسول (ص) روایت می کند که فرمودند: «ملعون است کسی که دیده بصیرت ندارد».

از وصایای رسول اکرم (ص) به ابی ذر رضی الله عنه آمده است: «یا اباذر، چون خداوند خواهد به بنده ای نیکی کند و خیر و سعادت را نصیب او گرداند به وی بصیرت در دین و زهد در دنیا و آگاهی به عیوب خویش عطا کند».(۲)

و آن امامی که به تعبیر مقام معظم رهبری ماندن در خط او بصیرت بسیار بالایی نیاز داشت؛ از دست دادن چشم را قابل تحملتر از بصیرت می دانست

۱- نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول(ص) ، ص ۷۶۶

۲- من لا یحضره الفقیه، ترجمه غفاری، ج ۲، ص ۲۷

و می فرمود: «فقد البصر اهون من فقد البصیره» تحمل از دست دادن چشم به مراتب آسانتر از دست دادن بصیرت است.

وصـی رسول خدا (ص) امیرمؤمنان امام علی (ع) خود تأکید داشت: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصـر و الصبر و العلم بمواضع الحق» ماندن در کنار حق، بصیرت و صبر می خواهد.

چنان چه ماندن در کنار حسین بن علی(ع) در روز عاشورا بصیرت نافذ می طلبید. علی بن الحسین امام سجاد (ع) راز وفاداری عمویش حضـرت ابوالفضـل (ع) را بصـیرت نافـذ ذکر نموده و می فرمایـد: «ان عمی العبـاس کان نافـذ البصـیره» عمویم عباس دارای بصیرت نافذ بود.

امام باقر (ع) در خصوص جایگاه رفیع بصیرت می فرمایند: کمال و تمام کمال است تفقه و بصیرت پیدا کردن در دین، و صبر کردن در مصـیبت و کار دشوار، و اندازه آوردن امر معیشت. و در جایی دیگر فرمودند: «کور نیست مگر آن کس که کوردل باشد. همانا چشم ظاهر نیست که دچار کوری می شود بلکه آن دل هایی که در سینه ها است از بصیرت کور می گردد».(۱)

امام صادق (ع) نیز پیامـدهای بی بصـیرتی را گوشـزد فرموده و او را گم گشـته راهی می دانـد که از مسـیر منحرف گردیـده و برخلاف مقصـد پیش می رود. چنان چه در اصول کافی از قول ایشان درباره خطر عـدم بصـیرت آمـده است: «العامل علی غیر بصیره کالسائر علی غیر الطریق و لا یزیده سرعه السیر من

۱- همان مدرک، ج ۶، ص ۳۵۰

الطریق الا بعداً» آن کس که بدون بصیرت عمل می کند، هم چون کسی است که بر راه درست پیش نمی رود، این است که هر چه تندتر برود از مقصود دورتر می شود.(۱)

امام متقیان که از نُه سالگی با بصیرت اسلام اختیار کرد و از بی بصیرتان روزگار خویش رنج های فراوان برد، در اوصاف اهل بصیرت بیانات نغزی دارد که به چند نمونه آن اشاره می گردد:

۱. «زاهدان گروهی از مردم دنیایند که دنیا پرست نمی باشند، پس در دنیا زندگی می کنند، اما آلودگی دنیا پرستان راندارند، در دنیا با آگاهی و بصیرت عمل می کنند، و در ترک زشتی ها از همه پیشی می گیرند، بدن هایشان به گونه ای در تلاش و حرکت است که گویا میان مردم آخرتند، اهل دنیا را می نگرند که مرگ بدن ها را بزرگ می شمارند، اما آنها مرگ دل های زندگان را بزرگتر می دانند».(۲)

۲. «چگونه خانه دنیا را توصیف کنم که ابتدای آن سختی و مشقت و پایان آن نابودی است؟ در حلال دنیا حساب و در حرام آن عذاب است. کسی که ثروتمند گردد فریب می خورد، و آن کس که نیازمند باشد اندوهناک است، و تلاش کننده دنیا به آن نرسد، و به رها کننده آن، روی آورد. کسی

ص: ۱۴۰

۱- اصول کافی، ترجمه مصطفوی، ج ۱، ص ۲۸۳

۲- نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۶۹۷

که با چشم بصیرت به آن بنگرد او را آگاهی بخشد، و آن کس که چشم به دنیا دوزد کور دلش می کند».(۱)

۳. «مردمی بودند در دنیا که نمی دانستند دنیا چیست، در آن چون کسی به سر بردند که از مردم دنیا نیست. کار از روی بصیرت کردند و در آنچه از آن پرهیزشان باید سبقت جستند. تن هایشان- این جا به کوشش است لیکن به حقیقت- میان مردم آخرت در گردش است. مردم دنیا را می بینند که مرگ تن هاشان را بزرگ می پندارند، اما آنان مرگ دل های زندگان را بزرگتر می شمارند».(۲)

بصیرت از منظر حضرت امام خمینی (ره)

حضرت امام خمینی (ره) که به تعبیر مقام معظم رهبری خود به معنای واقعی بصیر بود و «بصیرتی داشت که خیلی چیزهایی که ماها حتی گاهی با دقت نمی دیدیم او آنها را در نگاه عادی مشاهده می کرد، حرف های او برخاسته از چنین دلی و چنان حکمتی بود».(۳)

تفاوت انسان با حیوان را به بصیرت دانسته و می فرماید: «انسان با روح انسان است، با بصیرت انسان است. ما همه با همه حیوانات شرکت داریم در این که گوش داریم، چشم داریم، پا داریم و ما دست داریم چه، اما این مناط و

۱- همان مدرک، ص ۴۶۹

۲- نهج البلاغه، ترجمه ی شهیدی، از نامه آن حضرت است به معاویه ص ۳۰۸

۳- رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران، ۱۴/۹/۱۳۶۹

انسانیت نیست، آنی که انسان را از همه موجودات جدا می کند، از همه موجودات طبیعی جدا می کند، آن قلب انسان است، آن بصیرت انسان است. شما بصیرت داشته باشید، انسانید. اگر بصیرت نداشته باشد، ابوجهل چشم داشت اما انسان نبود، بعضی از انبیا هم چشم نداشتند و

نبی بودند. میزان در انسانیت، معنویت انسان است».(۱)

آن امام همام (ره) با تأکید بر بصیرت قلبی آدمی، «سعادت» انسان را در گرو بصیرت او معرفی نموده و تصریح داشتند: «این معنا را باید بدانید که انسان به روح انسان است، انسان به بصیرت، بصیرت قلبی انسان است. این آلات ظاهری، آلاتی است که وسیله است و این ها از بین رفتنی است. آن چه باقی می ماند روح انسان است و آن چه در انسان سعادت را ایجاد می کند بصیرت انسان است. و من امیدوارم که شماها بصیرت به طور کامل داشته باشید و خدای تبارک و تعالی به شما توفیق و سعادت عنایت کند».(۲)

از نگاه آن بزرگ مردی که با بصیرت والای خویش دشمنان اسلام را به خاک مذلت نشانده است تنها راه شناخت دشمن دید با بصیرت است: «من باز می گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی تان- به خیال خام خودشان- بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع ارتباط با

۱- صحیفه نور، ج ۸، صفحه ۳۴، تاریخ ۱۴/۴/۵۸

۲- صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۸، تاریخ ۲۸/۷/۵۸

آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه ای آرامتان نمی گذارند».(۱)

بنیان گذار نظام جمهوری اسلامی که با بصیرت نافذ خویش توانست با فتنه های بزرگی چون فتنه لیبرال ها، فتنه گروهک خلق مسلمان، فتنه منافقین، فتنه بنی صدر، فتنه مهدی هاشمی و ده ها توطئه داخلی و خارجی در کنار جنگ تحمیلی و تهدیدات نظامی و تحریم های اقتصادی و جنگ روانی و فشارهای سیاسی مقابله نماید، ادامه این فتنه چینی ها علیه نظام را پیش بینی نموده و با تأکید بر این که دشمنان انقلاب برای پنجاه سال آینده نقشه می کشند، می فرمود: «انشاءالله ملت عزیز ما با بصیرت و هشیاری جواب همه فتنه ها را خواهد داد».(۲)

آن صاحب بصیرت عمیق، بصیرت را امری خدادادی می دانست و آن را وسیله ای جهت شناخت صلاح و فساد ملت معرفی می نمود. آنجا که می فرمود: «تمام قلوب و تمام ابصار و بصیرت ها در دست خدای تبارک و تعالی و ید قدرت اوست. اوست که تدبیر می کند جهان را، لیل و نهار را و اوست که قلوب را متحول می کند و بصیرت ها را روشن می کند و اوست که حالات انسان را متحول می کند و ما آن را در ملت عزیزخودمان، در زن و مرد، در کوچک و بزرگ یافتیم. این تقلیب قلوب که قلب ها از آمال دنیوی و از چیزهایی که در طبیعت است بریده بشود و به حق تعالی پیوسته

۱- صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۰۹، تاریخ سخنرانی ۲/۱/۶۸

۲- صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۴۱، تاریخ ۲۹/۴/۶۷

بشود و بصیرت ها روشن بشود و صلاح و فساد خودشان را به وسیله بصیرت بفهمند».(۱)

بصیرت از منظر امام راحل(ره) به عنوان مجتهد تراز اول دنیای اسلام از چنان جایگاه رفیع و ضرورتی انکار ناپذیر برخوردار بود که برخورداری از آنرا برای مجتهدین جامع الشرایط نیز لازم می شمرد:

«برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسایل سیاسی اظهار نظر نمی کنم. آشنایی به روش برخورد با حیله ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، داشتن بصیرت و دید اقتصادی، اطلاع از کیفیت برخورد با اقتصاد حاکم بر جهان، شناخت سیاست ها و حتی سیاسیون و فرمول های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه داری و کمونیزم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می کنند، از ویژگی های یک مجتهد جامع است».(۲)

بصیرت از منظر مقام معظم رهبری

الف) ضرورتهای بصیرت

مقام معظم رهبری در بیان ضرورت و لزوم بصیرت به ویژه بصیرت سیاسی، ریشه تمام مشکلات بشر را «بی بصیرتی» دانسته و خطاب به دانشجویان و دانش آموزان می فرمایند:

۱- صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۸۷، تاریخ ۱/۱/۶۱

۲- صحیفه نور، ج ۲۱، تاریخ ۳/۱۲/۶۷

«عزیزان من! تمام مشکلاتی که برای افراد یا اجتماعات بشر پیش می آید، بر اثر یکی از این دو است، یا عدم بصیرت، یا عدم صبر، یـا دچـار غفلت می شونـد، واقعیت هـا را تشـخیص نمی دهنـد، حقـایق هـا را نمی فهمنـد یا با وجود فهمیـدن واقعیات از ایستادگی خسته می شوند».(۱)

بصـیرت در دیـدگاه رهبر معظم انقلاب تا بدان اندازه از جایگاهی رفیع برخوردار است که خطاب به پاسداران بیت خویش به عنوان افراد مورد علاقه خویش می فرمایند:

«اگر من بخواهم یک توصـیه به شما بکنم، آن توصیه این خواهد بود که بصیرت خودتان را زیاد کند؛ بصیرت. بلاهایی که بر ملت ها وارد می شود، در بسیاری از موارد بر اثر بی بصیرتی است».(۲)

دلیل تأکید معظم له بر کسب بصیرت این است که از نظر ایشان انسان های بی بصیرت زود فریب می خورند و چون فریب می خورند حتی اگر آدم های دلسوزی هم باشند آب به آسیاب دشمن می ریزند.(۳)

دلیل دیگری که سبب دغدغه ایشان نسبت به ضعف بصیرت در خواص می باشد بروز بد رفتاری هایی است که نمونه هایی از آن را در حوادث پس از انتخابات ۸۸ شاهد بودیم. معظم له در این خصوص فرمودند:

۱- در دیدار با گروه کثیری از دانشجویان و دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ۱۲/۸/۱۳۷۷

۲- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر ۲۱/۵/۱۳۸۸

۳- سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۰

«بایـد بصـیرت داشت. آن چه که انسـان از نخبگان جامعه و جریانات سیاسـی و گروه های سیاسـی انتظار دارد، این است که با این حوادث بـا این خطوط دشـمن بـا بصـیرت مواجه بشونـد، با بصـیرت. اگر بصـیرت وجود داشت و عزم مقابله وجود داشت، خیلی از رفتارهـای مـا ممکن است تغییر پیـدا بکنـد؛ آن وقت وضـعیت بهتر خواهـد بود. بعضـی از کارها از روی بی بصـیرتی است».(۱)

از عـارضه های بی بصـیرتی که برای بیان ضـرورت بصـیرت مورد تأکیـد رهبر معظم انقلاب قرار گرفته این است که آدم های کم بصـیرت برای رسـیدن به مقاصـد خویش به تفرقه افکنی در جامعه اسـلامی می پردازند. لذا خطاب به نیروهای انقلاب می فرماینـد: «نگذاریـد به بهانه های گوناگون، آدمهای کم بصـیرت، یا کم صبر، یا خودخواه یا بی توجه به مصالح عمومی مردم، میان صـفوف مسـتحکم شـما فاصـله بیندازند و شـما را نسـبت به یکدیگر یا نسبت به مسئولان دل چرکین و نگران کنند. آگاه باشید و بدانید که این راه به هدف خواهد رسید، چون راه پیامبران و راه اوصیا و آرزوی مؤمنان صالح در طول همه زمان های گذشته است. ملت های دیگر به شما نگاه می کنند و می خواهند از شما بیاموزند».(۲)

موضع گیری برخی نخبگـان به نفع دشـمن مورد بسـیار مهم دیگری است که رهبر معظم انقلاـب در بیان عوارض بی بصـیرتی مورد اشاره قرار داده و می فرمایند: «بنابراین بصیرت مهم است نقش نخبگان و خواص هم این است

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۲/۷/۱۳۸۸

۲- سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۴/۳/۱۳۷۰

که این بصیرت را نه فقط در خودشان در دیگران به وجود بیاورند، آدم گاهی می بیند که متاسفانه بعضی از نخبگان خودشان هم دچار بی بصیرتی اند، نمی فهمند، اصلاً ملتفت نیستد. یک حرفی یکهو به نفع دشمن می پرانند، به نفع جبهه ای که همتش نـابودی بنای جمهوری اسـلامی است به نحوی. نخبه هم هسـتند، خواص هم هسـتند آدم های بـدی هم نیسـتند، نیت بـدی هم ندارند اما این است دیگر، بی بصیرتی است دیگر».(۱)

از همیـن رو، از منظر مقـام معظـم رهـبری «بی بصـیرت هـا» به جهت این که فریب می خورنـد در جبهه دشـمن قرار می گیرند چنانچه می فرماینـد: «عاشورا پیام ها و درس هایی دارد. عاشورا درس می دهد که برای حفظ دین، باید فداکاری کرد... درس می دهـد که در ماجرای دفاع از دین، از همه چیز بیشتر، برای انسان، بصـیرت لازم است. بی بصـیرت ها فریب می خورنـد. بی بصـیرت ها در جبهه ی باطل قرار می گیرنـد، بدون این که خود بدانند. هم چنان که در جبهه ی ابن زیاد، کسانی بودند که از فسّاق و فجّار نبودند، ولی از بی بصیرت ها بودند».(۲)

و این البته تنها نمونه هایی از عوارض منفی عدم بصیرت است و از نگاه معظم له بسیاری از خطاهای نخبگان بر اثر بی بصیرتی است. چنان چه تصریح می کنند: «خطاهایی که بعضی از افراد می کنند- می بینید در جامعه ی

۱- مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۵/۵/۱۳۸۸

۲- در دیدار فرماندهان گردانهای عاشورای نیروهای مقاومت در سالروز شهادت امام سجاد(ع) ۲۲/۴/۱۳۷۱

خودمان هم گاهی بعضی از عامه ی مردم و بیشتر از نخبگان، خطاهایی می کنند نخبگان که حالاانتظار هست که کمتر خطا کنند، گاهی خطاهایشان اگر کماً هم بیشتر نباشد، کیفاً بیشتر از خطاهای عامه ی مردم است- بر اثر بی بصیرتی است؛ خیلی هایش، نمی گوئیم همه اش».(۱)

بر همین اساس از نگاه ایشان هر چه مقام بالاتر باشد بصیرت بیشتری لازم است، لذا بر تقویت بصیرت و آگاهی توصیه کرده و می فرمایند: «بصیرت و علم به زمان و استفاده از موقعیت ها برای هر عالمی- چه اعلم العلما باشد، و چه کسی که در یک محلّه احکام دین را به چند نفر تعلیم می دهد- ضروری است، منتهی هر چه مقام بالاتر باشد، آگاهی های بیشتر و وسیعتری مورد لزوم است. باید آگاهی و بصیرت را در خود تقویت کنیم».(۲)

ب) کارکردهای بصیرت

اشاره

کارکردهای بصیرت در ابعاد فردی و جمعی و در زمینه های سیاسی و اجتماعی از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی به اندازه ای متعدد و فراوان می باشد که اشاره به همه آنها در این مقال نمی گنجد، لکن ذیلاً برخی از موارد مهم آن را مرور می کنیم:

۱- همان

۲- سخنرانی در مراسم بیعت مدرسان، فضلا و طلاب حوزه علمیه مشهد، ۲۰/۴/۱۳۶۸

۱–برای ماندن در خط ولایت

«آنهایی که دور و بر امیرالمومنین بودنـد و ایستادند و جنگیدنـد، خیلی بصیرت به خرج دادنـد، که بنـده بارها از امیرالمومنین نقـل کرده ام که فرمود: لا یحمل هـذا العلم الا اهل البصـر و الصبر. در درجه اول، بصـیرت لازم است. معلوم است که با وجود چنین درگیری هـایی مشـکلات امیرالمومنین چگونه بود. یا آن کـج رفتارهایی که با تکیه بر ادعای اسـلام، با امیرالمومنین می جنگیدند و حرف های غلط می زدند».(۱)

۲– برای حرکت در زندگی پیچیده ی اجتماعی امروز

«در زنـدگی پیچیـده ی اجتمـاعی امروز، بـدون بصـیرت نمی شود حرکت کرد. جوان هـا بایـد فکر کننـد، بیندیشـند، بصـیرت خودشان را افزایش بدهنـد. معلمان روحانی، متعهدان موجود در جامعه ی ما از اهل سواد و فرهنگ، از دانشـگاهی و حوزوی، باید به مسئله ی بصـیرت اهمیت بدهند؛ بصـیرت در هدف، بصیرت در وسیله، بصیرت در شناخت دشمن، بصیرت در شناخت موانع راه، بصیرت در شناخت راه های جلوگیری از این موانع و برداشتن این موانع؛ این بصیرت ها لازم است».(۲)

۱– خطبه های مقام معظم رهبری در نماز جمعه تهران، ۱۸/۱۰/۱۳۷۷

۲– بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

۳– جهت شناخت دوست و دشمن در شرایط فتنه

«بصیرت خودتان را بالا ببرید، آگاهی خودتان را بالا ببرید. من مکرر این جمله ی امیرالمومنین را به نظرم در جنگ صفین در گفتارها بیان کردم که فرمود: «الا و لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر» می دانید، سختی پرچم امیرالمومنین از پرچم پیغمبر از جهاتی بیشتر بود، چون در پرچم پیغمبر دشمن معلوم بود، دوست هم معلوم بود؛ در زیر پرچم امیرالمومنین دشمن و دوست آنچنان واضح نبودند».(۱)

۴– شناخت طرف مقابل خودتان

«وقتی بصیرت بود، آن وقت شما می دانید با کی طرفید، ابزار لازم را با خودتان بر می دارید. یک روز شما می خواهید تو خیابان قدم بزنید، خوب، با لباس معمولی، با یک دمپایی هم می شود رفت تو خیابان قدم زد، اما یک روز می خواهید بروید قله ی دماوند را فتح کنید اودیگر تجهیزات خودش را می خواهد. بصیرت یعنی این که بدانید چه می خواهید، تا بدانید چه باید با خودتان داشته باشید».(۲)

ص: ۱۵۰

۱– مقام معظم رهبری در جمع سپاه حفاظت ولی امر، ۲۱/۵/۸۸

۲– بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

۵- برای جلوگیری از ضربه دشمن

«این تجربه بـایستی برای مـا- همه ی مـا، همه ی آحاد مردم- تجربه ی هشـدار دهنـده ای باشـد. اگر ما در صـحنه ی زنـدگی سیاسـی و اجتماعی به همـدیگر بدبین باشـیم، به چشم دشـمن به یکدیگر نگاه کنیم، این فرصت برای دشـمنان حقیقی ما پیش خواهـد آمـد. اگر فکر نکنیم، اگر بصـیرت نداشـته باشـیم، اگر فرامـوش کنیم که دشـمنانی در کمین انقلابنـد، ضـربه خواهیم خورد، این برای ما تجربه شد».(۱)

۶- برای جلوگیری از مشتبه شدن حق و باطل

«جوانان عزیز! هر چه می توانید در افزایش بصـیرت خود، در عمق بخشـیدن به بصـیرت خود تلاش کنید و نگذارید دشمنان از بی بصـیرتی ما اسـتفاده کنند؛ دشـمن به شـکل دوست جلوه کند، حقیقت به شکل باطل و باطل در لباس حقیقت. امیرالمومنین در یـک خطبه ای از جمله ی مهمترین مشـکلات جامعه همین را می شـمارد: «انما بـدء الوقوع الفتن اهواء تتبع و احکام تبتـدع یخالف فیها کتاب الله». در همین خطبه، امیرالمومنین می فرمایـد: اگر حق به طور واضـح در مقابل مردم آشـکار و ظاهر بشود، کسی نمی تواند زبان علیه حق باز کند. اگر باطل هم خودش را به طور آشکار نشان بدهد، مردم به سمت باطل نخواهند رفت. «ولکن یؤخذ من هذا ضغث و من هذا ضغث فیمزجان». آن کسانی که مردم را می خواهند گمراه بکنند، باطل را به

۱- بیانات مقام معظم رهبری در مراسم تنفیذ رئیس جمهور دهم، ۱۲/۵/۸۸

صورت خالص نمی آورند، باطل و حق را آمیخته می کنند، ممزوج می کنند، آن وقت نتیجه این می شود که «فهنالک یستولی الشیطان علی اولیائه»؛ حق، برای طرفداران حق هم مشتبه می شود. این است که بصیرت می شود اولین وظیفه ی ما. نگذاریم حق و باطل مشتبه بشود».(۱)

۷- برای شناخت عوام از خواص

«ای بسا کسانی که تحصیلات عالیه هم کردند و جزو عوامند.ای بسا کسانی که تحصیلات دینی هم کردند و جزو عوامند.ای بسا کسانی که فقیرند یا غنی اند و جزو عوامند. عوام بودن، دست من و شماست. باید مواظب باشیم عوام نباشیم، یعنی هر کاری می کنیم از روی بصیرت باشد. آن کسی که از روی بصیرت کار نمی کند عوام است. لذا می بینید قرآن، درباره پیغمبر می فرماید «ادعوا الی الله علی بصیره انا و من اتبعنی یعنی من و پیروانم با بصیرت عمل می کنیم و دعوت می کنیم و پیش می رویم.» پس اول ببینید جزو آن گروه عوامید یا نه اگر جزو گروه عوامید، به سرعت خودتان را از گروه عوام خارج کنید. سعی کنید قدرت تحلیل پیدا کنید، تشخیص بدهید، معرفت پیدا کنید».

۱- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

در گروه خواص هم ببینیم ما جزو خواص طرفدار حقیم یا خواص طرفدار باطل، قضیه اینجا روشن است. خواص جامعه ما، جزو خواص طرفدار حقند.(۱)

۸- کند سازی همه ی تیغهای دشمن

اینی که من در طول چند سال گذشته همیشه بر روی بصیرت تأکید کرده ام، به خاطر این است که یک ملتی که بصیرت دارد، مجموعه ی جوانان یک کشور وقتی بصیرت دارند، آگاهانه حرکت می کنند و قدم بر می دارند، همه ی تیغ های دشمن درمقابل آنها کند می شود. بصیرت این است.(۲)

۹- راه نجات از دشمن واقعی

«راه نجات در کشورهای اسلامی، بازگشت به اسلام است. راه نجات، بصیرت نسبت به دشمن واقعی است. ملتهای مسلمان باید دشمن واقعی را بشناسند و ترفند و خدعه استکبار را درک کنند».(۳)

ص: ۱۵۳

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در جمع فرماندهان لشکر ۲۷ محمد رسول الله سپاه پاسداران، ۲۰/۳/۷۵

۲- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۸۸

۳- سخنرانی در دیدار با مسئولان بنیاد شهید، جمعی از اساتید و دانشجویان دانشگاهها ۲۴/۵/۱۳۶۹

۱۰- جلوگیری از کارهای دشمن

«شاید یکی از بزرگترین خدماتی که انقلاب به ملت ایران کرد، این بود که ذهن ها را باز کرد، ذهن ها را سیاسی کرد، چشم ها را باز کرد، و همه را با مسایل کشور آشنا کرد.

این آشنایی، این بصیرت باید روز به روز بیشتر و زیادتر بشود. اگر این بشود، دشمن هیچ کاری نمی تواند انجام بدهد. و بدانید مسئولین کشور همه آماده هستند. برای این که وظایف خودشان را به بهترین وجهی انجام بدهند».(۱)

۱۱- دفع دشمنی ها

«امروز همه جوانان ما، پیران ما، دانشجویان ما، قشرهای مختلف ما، روحانیون ما، بزرگان ما، کوچکان ما، مگر من شذ و ندری که دل به زندگی های رنگ و لعابی دروغین غرب بسته باشند- فهمیده اند که سعادتشان در این است که اسلام را با بصیرت، با روشن بینی، با خردمندی بفهمند و آن را به کار بگیرند، تا بتوانند از دشمنی ها را کم کنند، دشمنی ها را دفع کنند، این همان بسیج است، حقیقت بسیج یعنی این، ارتش بیست میلیونی که امام فرمودند، یعنی این».(۲)

۱- بیانات مقام معظم رهبری در جمع بسیجیان به مناسبت هفته بسیج ۹/۵/۱۳۷۶

۲- در دیدار با گروه کثیری از پاسداران و بسیجیان به منلسبت میلاد امام حسین(ع) و روز پاسدار ۲/۹/۱۳۷۷

۱۲- محکی برای محاسبه همکاری یا عدم همکاری با دشمن

«دارا بودن بصیرت سبب می شود که ما در عمل خودمان و در اظهارات خودمان باید محاسبه کنیم و باید این ها را در محاسبات خودمان بگنجانیم، که اگراظهار نظری هم می خواهیم بکنیم، با توجه به این ها باشد، عمل و اقدامی می خواهیم بکنیم، با توجه به این ها باشد ببینیم آیا داریم به دشمن کمک می کنیم یا نه. این به نظر من چیز مهمی است».(۱)

۱۳- جهت یابی در غبار فتنه

«بصیرت وقتی بود، غبار آلودگی فتنه نمی تواند آنها را گمراه کند، آنها را به اشتباه بیندازد. اگر بصیرت نبود، انسان ولو با نیت خوب گاهی در راه بد قدم می گذارد. شما در جبهه ی جنگ اگر راه را بلد نباشید، اگر نقشه خوانی بلد نباشید، اگر قطب نما در اختیار نداشته باشید، یک وقت نگاه می کنید می بینید در محاصره ی دشمن قرار گرفته اید؛ راه را عوضی آمده اید، دشمن بر شما مسلط می شود. این قطب نما، همان بصیرت است».(۲)

۱۴- عامل پیروزی ملت ایران

«نهضت عظیم اسلامی، همت مردم، رهبری شخصیت بی نظیری مثل امام- که حقاً و انصافاً شخصیت بی نظیری بود- کار خودش را کرد. «صبر» و

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

۲- بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر، ۱۵/۷/۱۳۸۸

«بصیرت» بنده بارها از کلام امیرالمؤمنین (علیه الصلاه و السلام) این را نقل کرده ام: «لا یحمل هذا العلم الا اهل البصر و الصبر»؛ بصیرت- آگاهی- و صبر؛ یعنی استقامت، پافشاری، خسته نشدن. این دو خصوصیت در ملت ایران پیدا شد و کار خودش را کرد و انقلاب پیروز شد».(۱)

۱۵- موجد دریای خروشان انقلاب

«در طول سال های قبل از انقلاب هرچه شما عقب بروید محنت، ذلت، بدبختی، فشارهای گوناگون از طبقات حاکم و سلطه و زورگویی و تحقیر از طرف قدرت های بیگانه را در کشور ما می بینید، وقتی در برهه ای از زمان آگاهان جامعه، بزرگان جامعه، دانایان جامعه و کسی مثل امام بزرگوار پیدا شدند، در مردم بصیرت دمیدند، مردم را به صبر وادار کردند، و تواصوا بالحق و تواصوا بالصبر را در جامعه رایج کردند، این دریای خروشان بوجود آمد و توانست آن تاریخ سر تا پا مذلت و محنت را قطع کند و تسلط بیگانگان را بر این کشور از میان بردارد».(۲)

۱۶- عامل عبور انقلاب از حوادث بزرگ

«خیلی اوقات امواج باطل می آید حق را لگدکوب می کند و عبور می کند. حق بودن به اضافه ی اقدام، عامل اراده و به اضافه ی ایستادگی و پایداری

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی دیدار اساتید و دانشجویان در دانشگاه علم و صنعت

۲- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با دانش آموزان به مناسبت سیزدهم آبان ماه ۱۲/۸/۱۳۷۷

است که آن معجزه را تحقق می بخشد. این پایداری، این ایستادگی این تصمیم و این فداکاری در صحنه ی جامعه و کشور ما به برکت همین اخلاص ها، بینش ها و بصیرت ها که امروز در جمع جوانان مومن و بسیجی کشور ما متبلور است اتفاق افتاد، که یک نمونه ی با ارزش آن را این جا مشاهده می کنیم. اما آنچه بزرگتر از آن حادثه ی بزرگ و باور نکردنی بود، این است که نظام جمهوری اسلامی با وجود همه ی امواج متلاطم و خصمانه ی در پیرامون خود، هم ماند و هم رشد کرد».(۱)

۱۷- شناخت ترفندهای دشمن

«من می خواهم عرض کنم: جوانان عزیز، بسیجیان عزیز، هر جای کشور که هستید این بصیرت را روز به روز زیاد کنید. نگذارید بعضی از نیازهای مادی و مسایل کوچک، جلوی بصیرت ها را بگیرد. بصیرتتان را حفظ کنید و دشمنتان را بشناسید. دشمن، ترفندهای گوناگون دارد، و آن ملتی موفق می شود که فریب نخورد. دشمن سعی می کند آرزوهای انقلابی را در نظر یک ملت مؤمن کوچک کند. سعی می کند نیازهای مادی و کوچک را در نظر او بزرگ کند. نیاز مادی هم نیاز است، اما از جان که بالاتر نیست، ملتی

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اعضای بسیج و پرسنل اداره کل اطلاعات استان همدان ۶/۴/۱۳۸۳

که در راه خدا جان برایش نثار کردنی ست، آنجایی که میدان مبارزه با دشمن است، نیازهای دیگر چه تأثیری می تواند داشته باشد».(۱)

۱۸- نبستن چشم بر سوابق دشمن

«ملت ایران، به خاطر این که گذشته خود را با بصیرت نگاه می کند، چشم خود را بر گذشته نمی بندد. مسایل تاریخ خود، تاریخ نزدیک خود، از صد سال پیش، از پنجاه سال پیش، از سی سال پیش را با دقت نگاه می کند. ملت ایران، به این نتیجه رسیده است که رژیم استکبار و در

وضع فعلی، رژیم ایالات متحده آمریکا در طول شاید قریب سی و پنج سال که در زمان رژیم منحوس پهلوی بر این کشور تسلط سیاسی داشته، به او خیلی بدی کرده است. ملت ایران، این را فهمیده و دانسته و دیده است».(۲)

۱۹- جلوگیری از تأثیر دشمن بر خواص

«دشمن انواع و اقسام کار را می کند انواع و اقسام فعالیت را می کند عمده هم امروز به گمان من، هدف و آماج توطئه های دشمن، خواص است؛ آماج دشمن، خواص است. می نشینند طراحی می کنند تا ذهن خواص را عوض

۱- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان بسیج سراسر کشور ۲۷/۸/۱۳۷۱

۲- بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع نیروهای شر کت کننده در مانور عظیم طریق القدس، ۳/۲/۱۳۷۶

کنند برای این که بتوانند مردم را بکشانند، چون خواص تأثیر می گذارند و در عموم مردم نفوذ کلمه دارند».(۱)

۲۰- ممانعت از سکوت و کنار کشیدن خواص در فضای فتنه

«این را هم عرض بکنیم بعضی ها در فضای فتنه این جمله ی «کن فی الفتنه کابن اللبون لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب» را بد می فهمند و خیال می کنند معنایش این

است که وقتی فتنه شد و اوضاع مشتبه شد، بکش کنار! اصلاً در این جمله این نیست که: «بکش کنار». این معنایش این است که به هیچ وجه فتنه گر نتواند از تو استفاده کند؛ از هیچ راه. «لا ظهر فیرکب و لا ضرع فیحلب»، نه بتواند سوار بشود، نه بتواند تو را بدوشد؛ مراقب باید بود... گاهی سکوت کردن، کنار کشیدن، حرف نزدن، خودش کمک به فتنه است. در فتنه همه بایستی روشنگری کنند، همه بایستی بصیرت داشته باشند».(۲)

۲۱- عاملی برای توجه به انگیزه های دشمن

«مواظب باشید بصیرتتان را از دست ندهید، دشمن را بشناسید، و دشمنی ها و ترفندهای او را درست تشخیص بدهید. تبلیغاتی که دشمن می کند حرفی که دشمن می زند و شایعه ایی که دشمن می اندازد، به چشمتان بیاید. توجه کنید

۱- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

۲- بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲/۷/۱۳۸۸

که دشمن با چه انگیزه ای این حرف را می زند، این شایعه را می پراکند، این خبر دروغ را نقل می کند و این اظهار منافقانه را برزبان جاری می نماید. به هر حال، دشمن، دشمن است».(۱)

۱- سخنرانی در مراسم دومین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ص ۱۳۳، تاریخ سخنرانی: ۱۴/۳/۱۳۷۰

منابعی که در این مصاحبه و گفتگو مورد استفاده و بهره برداری قرار گرفته اند:

۱- قرآن مجید.

۲- نهج البلاغه.

۳- آزادی یا توطئه، جمعی از فضلا و روحانیون حوزه علمیه قم، انتشارات فیضیه، ۱۳۷۹، قم.

۴- پایان داستان غم انگیز، حمید رسایی، انتشارات کیهان، ۱۳۸۰، تهران.

۵- جمهوری اسلامی و قدرت نرم، محمودرضا گلشن پژوه، دفتر گسترش تولید علم، ۱۳۸۷، تهران.

۶- فرهنگ دفاع و دفاع فرهنگی، مهدی مطهر نیا، انتشارات دفاع، ۱۳۷۸، تهران.

۷- مثلث سلطه، جواد خواجه پور، انتشارات دفاع، ۱۳۸۶، تهران.

۸- هجوم خاموش، سید محمد سقا زاده، انتشارات عطر یاس، ۱۳۸۵، قم.

۹- طرح های مدون آمریکا علیه انقلاب و مردم ایران، علی شیرازی، انتشارات خادم الرضا، ۱۳۸۴، قم.

۱۰- جنگ روانی، حسین متفکر، انتشارات زمزم هدایت، ۱۳۸۷، قم.

۱۱- جنگ نرم، حسین عبدی، انتشارات معارف، ۱۳۸۸، قم.

۱۲- سخن یار، معاونت فرهنگی سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۸، تهران.

۱۳- جنگ نرم، داود رنجبران، انتشارات ساحل اندیشه، ۱۳۸۸، تهران.

۱۴- فریاد جمهوریت، سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۸، تهران.

۱۵- بصیرت پاسداری ۲، جمعی از نویسندگان، مرکز چاپ حوزه نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۸۸، تهران.

۱۶- ناتوی فرهنگی، پژوهشگران بسیجی، انتشارات خورشید، ۱۳۸۷، تهران.

۱۷- ایران، دیروز، امروز، فردا، محسن نصیری، انتشارات معارف، ۱۳۸۷، قم.

۱۹- فصلنامه سیاسی، علمی میثاق، نمایندگی ولی فقیه در نمسا، سال دوم، شماره ۷، پاییز ۸۸، تهران.

آثار نگارنده

اشاره

۱. درسنامه ولایت فقیه (بازشناسی اندیشه سیاسی اسلام در عصر غیبت و پاسخ به شبهات آن).

۲. گفتگوی افسران جوان با فرمانده (پیرامون جنگ نرم).

۳. مجموعه مقالات جنگ نرم.

۴. مجموعه کامل قصه‌های قرآن.

۵. راهنمای کشف موضوعات نهج البلاغه.

۶. ترجمه صحیفه سجادیه.

۷. ترجمه رساله الحقوق امام سجاد.

۸. کتابنامه صحیفه سجادیه.

۹. گلبرگ‌های مهدوی.

۱۰. نشانه‌های شگفت‌آور آخرالزمان.

۱۱. وصایای امام علی به جهان بشریت.

۱۲. سوغات مرگ (پیرامون مواد مخدر).

۱۳. در کوی عاشقان (ترجمه زیارت ناحیه مقدّسه و جمکران).

۱۴. پروانگان عاشق (پیرامون شهداء).

۱۵. سرزمین آرزوها (پیرامون اماکن زیارتی عتبات عالیات).

۱۶. در سرزمین وحی (پیرامون حج و عمره).

۱۷. آثار و برکات نماز جمعه و جماعت.

۱۸. فضایل و برکات نماز شب.

۱۹. آثار و برکات روزه‌داری.

۲۰. آفتاب شیراز (شرح حال حضرت احمد بن موسی شاهچراغ).

۲۱. گوهرهای معنوی.

۲۲. نگین کرمانشاهان (شرح حال آیت الله سیّد مرتضی نجومی).

۲۳. شیدای روح الله (شرح حال آیت الله حاج آقا مجتبی حاج آخوند).

۲۴. خورشید خاوران (شرح حال فاضل تونی).

۲۵. مقدس اردبیلی دوم در دیار کرمانشاهان (زندگانی ملا عبدالله بشروی و نواده اش استاد بدیع الزمان فروزانفر)

۲۶. فرزندی از تبار زید شهید در دیار کرمانشاهان

۲۷. پرچمدار معارف علوی در عصر قاجار (شرح حال آقا محمد علی کرمانشاهی)

۲۸. کریمه اهل بیت، حضرت معصومه.

۲۹. پناه بی‌پناهان امام رضا .

۳۰. راهبردهای دولت عدالت .

۳۱. دختران، بهترین فرزندان.

۳۲. جوانی، بهترین دوران زندگی.

۳۳. سبک زندگی وبندگی (بازشناسی سبک زندگی از منظر قرآن و سنت).

۳۴. جهاد کبیراز منظر قرآن و سنت.

۳۵. سند مظلومیت سید الشهداء.

ص: ۱۶۴

۳۶. رفتارشناسی تبلیغی پیامبر در قرآن و سنت.

۳۷. بازشناسی مکتب بهداشتی درمانی اسلام.

۳۸. جایگاه مسجد، بایدها و نبایدهای آن.

۳۹. جایگاه عفاف و حجاب درقرآن وسنت.

۴۰. تبار شناسی اهل حق و مبانی اعتقادی آنان.

۴۱. لحظه های حضور در پنج شهر مقدس عراق.

۴۲. لحظه های حضور در سرزمین وحی.

۴۳. فقیه مبارز وانقلابی (آیت الله شهید حاج آقا بهاء الدین محمدی عراقی).

۴۴. سردار علم وعمل (آیت الله العظمی شیخ حیدر قلی سردار کابلی).

۴۵. نابغه ای عجیب (آیت الله العظمی حاج شیخ حسن علامی).

۴۶. سیری در زندگانی خاندان جلیلی زنگنه کرکوکی در دیار کرمانشاهان.

۴۷. پرچمدار مشروطه خواهی در دیار کرمانشاهان (آیت الله شیخ محمدمهدی فیض مهدوی).

۴۸. سلسله سادات مرعشیه در دیارکرمانشاهان .

۴۹. روستای سرماج کرمانشاهان(مرکز حکومت ۵۰ ساله آل حسنویه).

۵۰. رساله فی الخمس .

۵۱. رساله فی الغناء والموسیقی.

۵۲. رساله فی المهر.

ص: ۱۶۵

۵۳. رساله ذبح شرعی با ابزارنوین.

و اما مقالات

۵۴. احمدبن اسحاق قمی در دیار کرمانشاهان.

۵۵. مدیریت منابع انسانی و توسعه آن.

۵۶. رفتارشناسی پیامبراسلام در تحکیم مبانی وحدت.

۵۷. رفتارشناسی تبلیغی پیامبر در قرآن و سنت.

۵۸. مفهوم و روش‌های خدمت رسانی خرسند ساز در نیروهای مسلح.

۵۹. وظایف نویسندگان بسیجی در فرهنگ سازی اسلامی بسیجی در سطح جامعه.

۶۰. شخصیّت، بینش و روش تاریخ نگاری ابوحنیفه دینوری.

۶۱. جهانی شدن فرهنگ ایثار و شهادت.

۶۲. مکان یابی دفن علی اصغر درمنابع فریقین هشت سده نخست اسلام.

۶۳.موقعیت و بافت شهری ، قبیله ای مکه هنگام ظهور اسلام.

۶۴. موقعیت و بافت شهری، قبیله ای مدینه هنگام ظهور اسلام.

۶۵. شعرای شیعه و نقش آنان در گسترش تشیع.

ص: ۱۶۶

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹